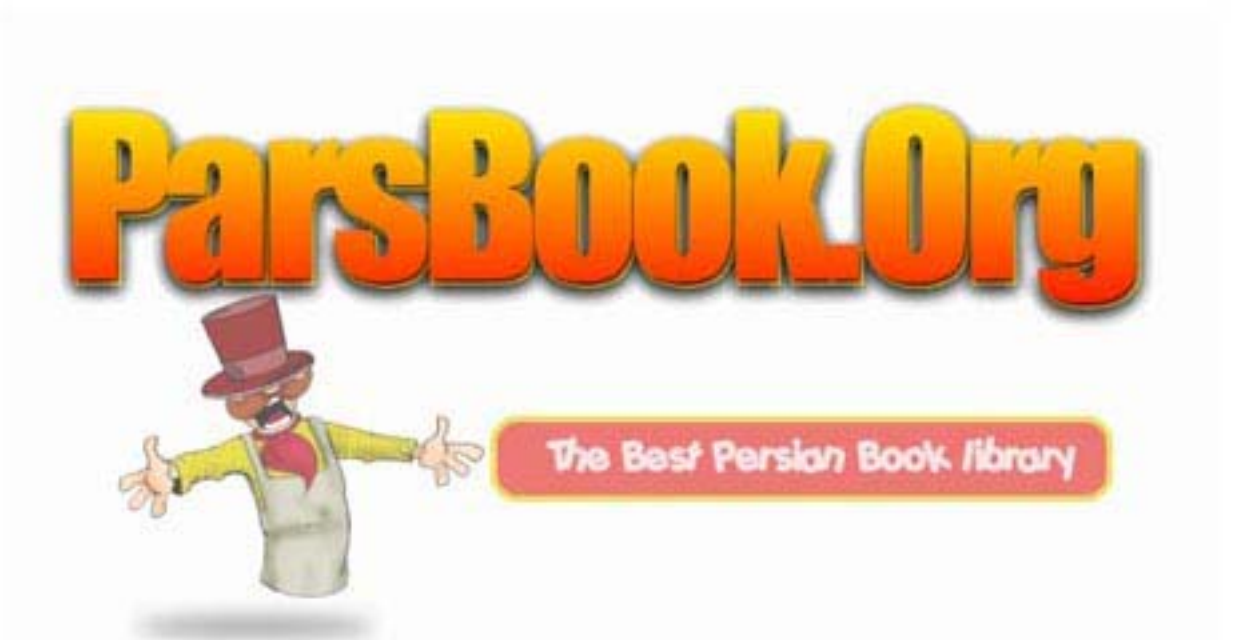
ParsBook.Org

پارس بوک، بزرگترین کتابخانه الکترونیکی فارسی زبان



ویرایش دوم

آشنایی با فارکس



آشنایی با بازار الکترونیک بین المللی ارز
معرفی اصول اولیه
اصطلاحات تخصصی بازار
تحلیل فاندامنتال و بررسی قدرت های اقتصادی جهان
اصول روانشناسی ترید

نویسندگان :سعید دلیلی
نیشتمان اسراری
ویراستار: سعید عرب

telegram.me/ecolib

سخن مولفان

چاپ نخست این کتاب در ۶۰ صفحه و قطع جیبی در سال ۸۳ صورت گرفت و اولین اثر چاپ شده فارسی در زمینه فارکس بود و استقبال خوبی از ان به عمل امد، مطالب کتاب در حد آشنایی برای کسانیکه به هیچ وجه با بازار آشنایی نداشتند نوشته شده بود اما در کتاب حاضر علاوه بر مطالب گذشته مطالب سطح بالاتری هم عنوان شده است که البته اساتید حرفه ای بازار نیازی به دانستن یا خواندن آن ندارند.

خوشبختانه در این مدت کتابهای زیادی با محتوای عمیق و تخصصی به چاپ رسیده است، ما در این ویرایش مطالب زیادی را به متن کتاب اضافه کردیم و به زمینه هایی پرداختیم که جای انها را در دیگر کتابها خالی دیدیم ، البته در تحلیل تکنیکال به دلیل مفصل بودن بحث به اشاره ای بسنده کرده ایم، تصمیم ما در ویرایش بعدی کتاب این است که در بخش تحلیل تکنیکال به صورت تخصصی و پیشرفته به استراتژی های خاص معامله بپردازیم.

اثري كه پايان مي يابد ،آفريننده اثر حس ميكند وظيفه اي را به انجام رسانده است و بزرگترين حس رضايت را از پخش، نمايش و نمود عيني ان دارد (به جز در موراد خاص) و اگر كسي با اعمال سليقه، خالق اثر را مجبور به تغيير كارش بكند بزرگترين توهين را به او روا داشته است.

telegram.me/ecolib

پس از چاپ چند کتاب به این نتیجه رسیدیم که: علم و هنر در ترازوي اکثریت ناشران و توزیع کنندگان و فروشندگان هموزن کاغذ و جوهر به کار رفته است و نه چیزي بیشتر، اعمال نظر ممیزي کتاب، توهین به شعور جامعه و مولفان است و روي هم رفته شرایط به گونه اي است که علم، هنر و ادبیات ما رو به زوال است.

مولف پس از اتمام اثر به ناشر مراجعه مي کند و آن را براي چاپ معرفي میکند، ناشران معمولا با قیافه اي روشنفکرانه و حق به جانب از بالاي عینك نزدیك بیني که به گردن آویزان کرده اند نگاهي به اثر میکنند و از مولف مي خواهند که بعدا تماس بگیرد، حال اگر در این مرحله اثر دزدیده نشود (قصد توهین به معدود ناشران پایبند به ارزشهاي اخلاقي را نداریم) در مرحله بعد در صورت تمایل و سنگیني ترازو، ناشر حاضر به چاپ اثر با هزینه شخصي مولف مي شود و کاغذ و جوهر را با سود نه چندان پایییني به مولف میفروشد و در قراردادي که با مولف میبندد هیچ تعهدي را نمیپذیرد، اگر مولف خوش شانس باشد و کتابش درست توزیع شود پس از فروش کتاب ها و بارها مراجعه با کسر چیزي حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد از قیمت پشت جلد جهت توزیع و جزء فروشي، یك برگ چك طولاني مدت به مولف تحویل مي شود.

حال اگر کتاب با اقبال فروش مواجه شود برخي ناشران محترم که مصاحبه هاي زیادي هم در رسانه ها دارند بدون اجازه و اطلاع مولف دست به چاپ و توزیع اثر میزنند و این

telegram.me/ecolib

آخرين ضربه براي حقير شمردن مولف است و در برخي موارد شايد كمي بهتر عمل كنند و براي چاپ هاي بعدي درصد ناچيزي به مولف اختصاص دهند. جالب اين است كه همين مافياي نشر هيمشه دم از اين مي زنند كه كار كتاب سودي در بر ندارد و ما تنها براي گسترش فرهنگ تلاش مي كنيم .

مولف در شريط حاضر به هنر و علم و ادبيات نمي تواند به عنوان راهي براي امرار معاش بنگرد لذا بسياري از كساني كه اين زمينه فعاليت دارند به ناچار راهي ديگر را بر ميگزينند راهی که ما در مورد کتاب "ترانه های وبلاگی" انتخاب کردیم و تاوان سنگینی در بر داشت.

تنها حس آفرينش اثر و به اشتراك گذاشتن اطلاعات، انگيزه ايجاد اين كتاب بود و البته روند رو به رشد نشر الكترونيك امكان خوبي براي عرضه ازادانه اثار علمي، هنري و ادبي مي باشد و از اين پس رويكرد ما بر نشر الكترونيك خواهد بود.

اين اثر به صورت رايگان در اختيار عموم قرار مي گيرد، كتاب حاضر در كتابخانه ملي ايران به ثبت رسيده است و حق چاپ كل يا قسمتي از ان به هر نحو، تنها با اجازه كتبي مولفان مجاز ميباشد، در صورت نياز به استفاده از مطالب در وبلاگ، مقاله يا روزنامه لطفا مرجع ذكر شود .

"آشنايي با فاركس" به مرور ويرايش مي شود و مطالبي به ان افزوده يا از ان كم خواهد شد لذا نظر خوانندگان عزيز در پيشبرد بهتر اين هدف موثر خواهد بود، در صورت نياز مي توانيد با ادرس ايميل Saeed.dalili@gmail.com با ما در تماس باشيد.

اين كتاب در حالي منتشر مي شود كه نيشتمان عزيز در بين ما نيست تا حاصل تلاشش را نظاره گر باشد و اين حسرتی است بس بزرگ...

از دلگرمي وحمايت خانواده فداكارم و همه كسانی كه مرا به زندگي دوباره رهنمون شدند سپاسگزارم.

سعيد دليلی

بهار ۱۳۸۷

تقدیم به همسر عزیزم نیشتمان که دستهای سرد مرا تنها گذاشت

فهرست

مقدمه ۱۰

تاریخچه کوتاه ۱۳

مکانیسم بازار ۱۸

شروع کار ۲۱

تحلیل بازار ۳۹

تحلیل فاندامنتال ۴۰

دلار امریکا ۴۷

ین ژاپن ۷۹

یورو ۸۷

پوند انگلیس ۹۴

فرانک سوئیس ۱۰۰

دلار کانادا ۱۰۵

دلار استرالیا ۱۰۷

تحلیل تکنیکال ۱۱۲

روانشناسی ترید ۱۱۵



مقدمه

"فاركس بازار خريد، فروش و تبديل ارزهاي مختلف است."

مجموعه حاضر در راستاي آشنايي با فاركس، تحليل فاندامنتال و اصول روانشناسي ترييد تهيه شده است و از انجاييكه درباره تحليل تكنيكال بازار كتاب هاي زيادي ترجمه شده است ، ما در اين كتاب تنها اشاره مختصري به ان كرده ايم.

فاركس، بازار جديدي است كه در جهان رو به گسترش است و البته در ايران هنوز ناشناخته مانده است. فاركس بازار پر پتانسيلي هست و با حداقل امكانات مي توان به آن دسترسي پيدا كرد و درآمد مناسبي كسب كرد، چه براي افراد داخل كشور و چه براي كساني كه قصد مهاجرت دارند و آموزش در اين زمينه شغلي مناسب براي آنها در خارج از كشور مهيا مي سازد.

براي افرادي كه در بورس اوراق بهادار فعاليت داشته اند اين بازار هم بازاري نسبتا آشنا به نظر خواهد رسيد و البته با ويژگي هاي خاص:

- بازار ۲۴ ساعته ، در هر ساعتي از شبانه روز امكان خريد و فروش و يا برداشت پول از حساب وجود دارد (از دوشنبه تا جمعه)

- نقدشوندگي بالا، ارزش روزانه معاملات ۱/۵ تريليون دلار مي باشد.

- هزينه كم معاملات، كه به نسبت سود، بسيار ناچيز مي باشد

- استفاده از هر دو جهت بازار، مي توان از بالا رفتن يک ارز و يا از پايين آمدن آن سود كسب كرد.

- شفافيت اطلاعات، با يک جستجوي ساده در اينترنت به منابع بسيار زيادي دسترسي پيدا مي كنيد.

- (Leverage) اعتباري كه در اين بازار توسط كارگزار به مشتري داده مي شود ۱۰۰ تا ۴۰۰ برابر سرمايه اوليه مشتري.

- سود كسب شده در اين بازار به هر مقداري كه باشد معاف از ماليات است.

این کتاب شامل بحث های اصلی می باشد :

- آشنايي با فاركس و اصطلاحات تخصصي

- نقش تحلیل و مولفه های فاندامنتال در بازار

- کاربرد مسایل روانشناسی در بازار

يكي از منابع بسيار مفيد در اين زمينه بخش گفتگوي سايت سرمايه دات كام (www.sarmaye.com) هست كه مي توانيد در آنجا دوستان بسيار خوب و حرفه اي در زمينه فاركس پيدا كنيد.



تاريخچه كوتاه

كلمه FOREX از دو كلمه Foreign Exchange گرفته شده است و در واقع بزرگترين بازار مالي دنيا به حساب مي آيد، FX هم اختصار ديگري است كه براي اين بازار به كار مي رود برخلاف بازارهاي ديگر اين بازار بصورت ۲۴ ساعته فعاليت دارد، گردش مالي جالب توجه اين بازار روزانه به ۱.۵ تريليون دلار مي رسد اين گردش مالي عظيم بيشتر از مجموع گردش هاي مالي روزانه بورس هاي سهام معتبر دنياست كه اين مساله باعث به وجود آمدن بازاري روان(Liquid) و مطلوب براي انجام معاملات مي شود.

در اين بازار معامله(Trade) توسط بانک ها، كارگزاران، دلالان، موسسات مالي و اشخاص حقيقي صورت ميگيرد "تريدها" از طريق خط تلفن و البته به صورت روز افزوني به وسيله اينترنت انجام مي شود.

جالب است بدانيد كه تنها چند سالي است كه سرمايه گذاران كوچک به اين بازار دسترسي پيدا كرده اند درگذشته به خاطر نياز به سرمايه هاي كلان در اين بازار اشخاص حقيقي كمتر وارد اين بازار مي شدند اما امروزه به لطف اينترنت و البته رقابت هاي جهاني امكان دسترسي براي سرمايه گذاران خرد به وجود آمده است.

فاركس بازار بين بانكي(INTERBANK) هم ناميده ميشود امروزه بازار به درجه اي رسيده كه كلمه بين بانكي به هر شخص يا موسسه مالي كه آماده خريد يا فروش ارز باشد اطلاق مي شود، فرضا يک آژانس مسافرتي كه مي خواهد يورو را با دلار عوض كند.

سوالي كه معمولا مطرح مي شود اين است كه چرا ارزها بايد خريد و فروش شوند؟ پاسخ اين سوال در روابط بين المللي نهفته است، سياست گزاري دولت ها و بانک هاي مركزي مي تواند نقش مهمي در بازار فاركس بازي كند، بانک هاي مركزي مي توانند ميزان عرضه پول را در جهت پايداري سيستم مالي كشور كنترل كنند .

امروزه بسياري از شركتها كالاهايشان را به كشورهاي مختلف دنيا صادر مي كنند ، دريافت ها و پرداخت ها بر مبناي ارزهاي مختلفي صورت مي گيرد، همچنين سرمايه گزاري هاي خارجي در يک كشور به تبديل پول نياز دارد و مثال ساده تر مسافرت يک توريست است كه در سفر به

ارزهاي گوناگوني نياز پيدا مي كند و در اين ميان سرمايه گزاران و بورس بازان هم با ديدگاه هاي خودشان وارد گود مي شوند تا سود ببرند.

زماني كه شما تصميم به تعويض يک ارز با ارز ديگر مي كنيد، معمولا دو ارز ارزش يكساني ندارند فرضا شما براي خريد ۱ دلار بايد حدود ۹۰۰۰ ريال پرداخت كنيد، پس نرخ دلار به ريال برابر ۹۰۰۰ مي شود به همين ترتيب براي ارزهاي ديگر هم يک نرخ مقايسه اي يا در اصطلاح نرخ برابري داريم يک سري از ارزها هستند كه بيشتر از بقيه معامله مي شوند و به ارزهاي اصلي معروف هستند ابتدا به معرفي علائم اختصاري ارزهاي اصلي مي پردازيم:

USD دلار آمريكا،EUR يورو پول مشترک اتحاديه اروپا، GBP پوند انگليس يا پوند استرلينگ، JPY ين ژاپن، CHF فرانک سوئيس، CAD دلار كانادا، AUD دلار استراليا.

حال زماني كه شما اين عبارت را مي بينيد EUR/USD=1.5001 به اين مفهوم است كه ارزش يک يورو ۱.۵۰۰۱ برابر يک دلار است يا براي خريد يک يورو شما بايد ۱.۵۰۰۱ دلار پرداخت كنيد، در ابتدا كاركردن با اين مفاهيم در عين سادگي شايد كمي گيج كننده باشد اما نگران نباشيد با كمی تمرين اين مساله رفع خواهد شد، به هر حال، اين نسبت ها براي تمام ارزها وجود دارند و تا چهار رقم محاسبه مي شوند يک استثنا در اين ميان ين ژاپن است

كه تا دو رقم محاسبه مي شود مثلا: USD/JPY=100.32 به اين مفهوم كه براي خريد يک دلار بايد ۱۰۰.۳۲ ين بپردازيد: 1USD=100.32*JPY .

به ارزي كه اول ذكر مي شود ارز پايه مي گويند و به يک نسبت مثل EUR/USD يک جفت ارز يا Pair مي گويند. در بازار جفت هاي خاصي معمول هستند:

EUR/USD

GBP/USD

USD/JPY

USD/CHF

USD/CAD

USD/AUD

و برعكس اين جفت ها مشاهده نمي شود مثلا در بازارUSD/EUR را مشاهده نمي كنيد.

براي اينكه راحت تر باشيد از اين بعد هر جفت ارز را به صورت يک شئ واحد يا يک كالا در نظر بگيريد كه قيمت آن بالا و پايين مي رود و شما سعي داريد تا در فرصت هاي مناسب با خريد و فروش آن سود كسب كنيد.

براي اينكه شما بتوانيد وارد اين بازار شويد نياز به يک واسطه مورد تاييد داريد كه اين واسطه كارگزار(Broker) ناميده مي شود در صفحات بعد درباره اين مساله توضيحات كافي داده خواهد شد.

نرخ يک ارز توسط عرضه و تقاضاي بازار تعيين مي شود واين نرخ با استانداردهاي خاص به گونه اي اعلام مي شود كه در يک لحظه تمام معامله گران(Traders) با اين نرخ معاملاتشان را انجام دهند. اعتماد پذيري اين نرخ ها از اين جهت است كه بيش از ۳۰۰ موسسه مالي بزرگ جهان در تعيين اين نرخ ها هماهنگي دارند. در اعلام نرخ ها به هر ۰.۰۰۰۱ تغيير يک پيپ (Pip) گفته مي شود و در تغيير نرخ ين به هر ۰.۰۱ تغيير يک پيپ گفته مي شود.

در يک ترید دو نرخ وجود دارد نرخ خريد از شما(Bid) و فروش به شما (Ask or Offer)، طبيعي است كه نرخ فروش به شما از نرخ خريد از شما بيشتر باشد اين تفاوت بستگي به كارگزار دارد و بين ۲ تا ۷ پيپ در تغيير است كه البته عرف بازار ۵ پيپ است و به اين فاصله قيمت خريد و فروش Spread گفته مي شود. بطور مثال :

EUR/USD :Bid=1.5001 Ask=1.5006

مكانيسم بازار

به صورت سنتي از همان اوايل كوچكترين واحد معامله در فاركس يک لات(Lot) ناميده مي شده است، مقدار استاندارد يک لات برابر ۱۰۰۰۰۰ دلار امريكا است در سال هاي اخير ميني لات هم معرفي شده است كه مقدار آن برابر ۱۰۰۰۰ دلار امريكا است و حتي ممكن است در سال هاي آينده كمتر شود.

خوب حالا مي خواهيم وارد بازي شويم يک معامله فرضي را در نظر بگيريد كه در آن ما قصد داريم يک لات (۱۰۰۰۰۰ دلار) EUR/USD بخريم، قيمت جاري براي فروش به شما(Ask) برابر ۱.۵۰۰۱، حال با افزايش هر پيپ يا ۰.۰۰۰۱

۱۰۰۰۰۰*۰.۰۰۰۱=۱۰

يعني افزايش يک پيپ، ۱۰ دلار به دارايي ما مي افزايد اما يک نكته را در نظر داشته باشيد كه اگر شما بخواهيد در همان لحظه اي كه خريد كرده ايد ارز خود را بفروشيد نزديک به ۵۰ دلار ضرر مي كنيد! چون قيمتي كه از شما خريد مي گردد(Bid) نزديک به ۵ پيپ با فروش تفاوت دارد، پس براي اينكه سود كنيم بايد قيمت حداقل ۵+۱ پيپس بالا برود، به طور مثال اگر قيت خريد از شما (Ask) به ۱.۵۰۲۱ برسد ۲۰۰ دلار به موجودي شما افزوده شده است.

سوالي كه در ذهن همه نقش ميبندد اينست كه ۱۰۰۰۰۰دلار پول كمي نيست خوب البته كه كم نيست، پس لازم است با مفهوم جديدي به نام حساب مارجين(Margin Account) آشنا شويم، اين مفهوم يک حساب اعتباري است كه شما تنها با آن معامله مي كنيد و حق برداشت از آن را نداريد اين حساب چند برابر موجودي اوليه به شما اعتبار مي دهد كه اين به شرايط كارگزار بستگي دارد معمولا از ۲۰ الي۴۰۰ برابر متغير است در گذشته پيدا كردن كارگزاري كه ۱۰۰ برابر اعتبار بدهد كار سختي بود اما امروزه اين نسبت معمول است حال اگر شما در حسابتان ۱۰۰۰ دلار داشته باشيد فرمانرواي ۱۰۰۰۰۰ دلار هستيد اما يادتان باشد كه تنها فرمانروا نه مالک، مارجين در واقع مانند يک اهرم عمل مي كند به همين خاطر در اصطلاح به اين ارزش افزوده Leverage گفته مي شود و منظور از عبارت Leverage 1:100 اعتبار ۱۰۰ برابر سرمايه اوليه مي باشد. در حساب هاي استاندارد فاركس حداقل معامله ۱۰۰۰۰۰ دلار كه با اعتبار ۱:۱۰۰ عبارت است از ۱۰۰۰ دلار سرمايه گذاري شما مي باشد در حساب هاي جديدي به نام ميني فاركس حداقل معامله ۰.۱ لات يا ۱۰۰۰۰ دلار كه با اعتبار ۱:۱۰۰ برابر با ۱۰۰ دلار سرمايه گذاري مي باشد.

حال بپردازيم به مقدار نوسان روزانه ارزهاي مختلف، در طول يک روز قيمت يک ارز بارها وبارها نوسان مي كند و يک معامله گر خوب مي داند كه چگونه از اين نوسانات

استفاده كند، اگر بتوان در هر روز ٢٠ پيپ سود كسب كرد حساب كنيد برحسب دلار چقدر مي شود!. متوسط نوسانات نرخ ارزهاي مختلف در يک روز كاري متوسط در جدول زير آمده است:

EUR/USD	١٢٠-٩٠
GBP/USD	١٢٠-٩٠
USD/JPY	٦٠ -٤٠
USD/CHF	٦٠-٤٠
AUD/USD	60-40

شروع كار

تا اينجا با مفاهيم ابتدايي فاركس آشنا شديم، حال در عمل فردي كه مي خواهد وارد بازار فاركس شود چه مراحلي را بايد طي كند: نخستين گام جستجو و يافتن يک كارگزار مناسب و مورد اعتماد است در واقع نمي توان در مورد اينكه چگونه كارگزاري انتخاب كنيم توصيه واضح و مشخصي كرد اما تقريبا در تمام كشورهايي كه بازرا فاركس در آنها رسميت دارد ليستي از كارگزاراني كه تحت نظارت قضايي هستند وجود دارد از نظر مليت كارگزاران روس زياد مورد اعتماد نيستند، كارگزاران اروپايي به خصوص انگليسي ها از نظم و انضباط خوبي برخوردارند اما از نظر مشاوره و اطلاعات زياد كمک كننده نيستند، آمريكايي ها كارگزاران مطمئني هستند و از لحاظ پشتيباني هم در درجه بالايي قرار دارند و البته مشكلي كه براي ما وجود دارد اينست كه بيشتر آن ها با ايراني ها كار نمي كنند.

پس از اينكه با جستجو در اينترنت يا توصيه دوستانتان كارگزاري را انتخاب كرديد به طور آزمايشي و بدون پرداخت هيچ هزينه اي به صورت مجازي با سرويس آنها كار كنيد، تقريبا تمام كارگزاراني كه ازطريق اينترنت كار مي كنند اين امكان را فراهم مي آورند كه مشتريانشان بتوانند براي مدت محدودي، كه معمولا يک ماه يا بيشتر است، با پول فرضي معامله كنند. به اين گونه حساب ها، حساب هاي آزمايشي (Demo Account) نيز مي گويند.

شيوه كار به اين شرح است كه شما توسط يک نرم افزار واسطه كه روي كامپيوترتان نصب مي كنيد به سرور كارگزار متصل مي شويد و با وارد كردن نام كاربري و كلمه عبور به معامله مي پردازيد، اين نرم افزار يا اين واسطه به شيوه كار كارگزار بستگي دارد در برخي موارد شما با ورود به سايت كارگزار امكان دسترسي به بازار را داريد و نيازي به نرم افزار نيست، در اصطلاح به واسطه مشتري و كارگزار پلت فرم (Platform) مي گويند.

اين مساله در مورد حساب هاي دمو و واقعي (Real) تفاوتي ندارد. يكي از معروف ترين نرم افزارها در اين زمينه Meta Trader متعلق به شركت MetaQoutes مي باشد، اين نرم افزارها معمولا به صورت رايگان در اختيار مشتري قرار مي گيرند.

به هر حال انتخاب كارگزار به خود فرد بستگي دارد اما زماني كه آموزش هاي لازم را ديديد و تصميم به باز كردن حساب گرفتيد قراردادي را بايد امضا كنيد، اين قرار داد را با دقت بخوانيد و در هر موردي كه احساس كرديد ابهامي وجود دارد توضيح بخواهيد بسياري از شركتهاي معتبر خوشحال خواهند شد در اين زمينه به شما كمک كنند. سعي كنيد هر ماه يک يا دوبار از اوضاع شركت خبر بگيريد تا اطمينان پيدا كنيد كه همه چيز درست و بجاست، مواردي هست كه اطلاع از آنها بسيار كمک كننده مي باشد.

چه تضميني براي پولي كه شما به يک كارگزار مي پردازيد وجود دارد؟ در گذشته به علت اينكه پول مشتريان وارد سرمايه شركت مي شد و جداي از آن نگهداري نمي شد، شركت درصدد سرمايه گذاري سرمايه مشتريان بر مي آمد و اين يک ريسک بزرگ بود، مشكل زماني به وجود مي آمد كه شركت به يک مشكل مالي برخورد مي كرد و يا بدتر از آن ورشكستگي شركت بود. با پيشرفت هاي صورت گرفته در زمينه قضايي امرزوه سرمايه مشتريان از سرمايه شركت بايد جدا باشد واين سرمايه توسط بانک ها يا موسسات مالي معتبر و تحت نظارت قضايي نگهداري مي شود كه در بيشتر موارد اين سرمايه ها توسط شركت هاي بيمه هم، ضمانت مي شوند، خوب با اين بحث هر اتفاقي كه براي كارگزار بيافتد براي شما جاي نگراني وجود ندارد (اين موارد در قرارداد ذكر مي شود و مي توانيد درباره صحت اين موارد تحقيق كنيد).

نكته جالب توجه در اين زمينه اين است كه شما به ازاء مبلغي كه در حسابتان مي ماند و با آن معامله اي انجام نمي دهيد سود دريافت مي كنيد، برخي از بروكرها اين سود را براي سپرده هايي كه از مبلغ خاصي بيشتر باشند در نظر مي گيرند اما روند كلي اين روزها اين است كه به هر مبلغي كه در حساب مانده سود تعلق بگيرد. پرداخت سود به مانده پول به نوعي اعتبار شركتي را كه شما با آن معامله مي كنيد را نشان مي دهد.

مورد بعدي اين است كه در انتهاي يک روز يا هفته بدانيد كه كجاي كار هستيد و صورتحسابي از معاملات داشته باشيد، اينكه كارگزار شما از طريق اينترنت كار مي كند به اين معنا نيست كه در كارها هيچ اشتباهي وجود ندارد، هميشه صورتحساب خود را چک كنيد در غير اين صورت مسئوليت اشباه بر عهده شما خواهد بود!

فرم هاي صورتحساب براي بروكرهاي مختلف فرق مي كند، ما در اينجا مثالي مي آوريم:

FX Some Company
New York

Statement for: Mr. Joe Bloggs
Statement Date: 16th July 2002

Account No: 123456

Summary Of All Trades From: 15/07/02-17/07/02

Ticket No	Time	Trade Date	Value Date	B/S	Symbol	Quantity	Rate	Debit	Credit	Balance
123458	09:05	15/07/2002	17/07/02	B	EUR/USD	100,000	0.9850			$10,000
123459	13:01	15/07/2002	17/07/02	S	EUR/USD	100,000	0.9870		$200.00	$10,200
123460	14:05	16/07/2002	18/07/02	S	USD/JPY	100,000	116.85			$10,200

Total Equity	$10,200
Margin Available	$9,200
Margin Requirements	$1,000
Current Position	Short USD/JPY

Ticket No.: شماره دستور خريد يا فروش براي پيگيري هاي بعدي.

Time: ساعتي كه شما خريد را انجام داده ايد.

Trade Date: تاريخي كه معامله صورت گرفته است.

Value Date: در صفحات بعد توضيح داده خواهد شد.

B/S (Buy or Sell): نوع معامله كه خريد يا فروش بوده است.

Symbol: علامت اختصاري ارز مورد معامله.

Quantity: مقدار ارز مورد معامله.

Rate: نرخ معامله.

Debit: ميزان ضرري كه شما در يک معامله داشته ايد.

Credit: ميزان سودي كه در يک معامله داشته ايد.

Balance: مقدار موجودي حساب شما در لحظه معامله.

Total Equity: كل ميزان موجودي حساب.

Margin Available: موجودي حساب كه قابل معامله است، در اينجا چون ۱۰۰۰ دلار USD/JPY فروش شده است مانده

حساب ۹۲۰۰ دلار منظور مي شود (در مورد فروش قبل از خريد توضيح مي دهيم).

Margin Requirement: مارجين مورد معامله قرار گرفته يا ميزاني كه از حساب براي معامله كم شده است.

Current Position: معامله اي كه هنوز بسته نشده و به نتيجه نرسيده است، ورود به يک معامله را پوزيشن گرفتن مي گويند، اگر معامله خريد باشد Long Term position و اگر فروش باشد Short Term Position گفته مي شود اين اصطلاحات را با معامله بلند مدت و كوتاه مدت اشتباه نگيريد.

ترجمه لغات تخصصي كار درستي به نظر نمي رسد اما براي آشنايي مفيد است از اين پس سعي كنيد اصطلاح لاتين را به كار ببريد تا دچار سردرگمي نشويد.

مي پردازيم به نكات بيشتري پيرامون حساب مارجين (Margin Account) نكته اصلي تضمين براي اعتباري است كه كارگزار به مشتري مي دهد فرض كنيم يک حساب ۵۰۰۰ دلاري داريم با اعتبار۱:۱۰۰ يعني ما مي توانيم با ۵۰۰.۰۰۰ دلار معامله كنيم، اگر يک لات (۱۰۰.۰۰۰ دلار) از اين اعتبار را وارد يک معامله كنيم يعني با ۱۰۰۰ دلار از پول اوليه به معامله پرداخته ايم Margin Available يا مانده حساب ۴۰۰۰ دلار است اگر معامله ما بيشتر از ۴۰۰۰ دلار ضرر كند اصطلاحا Call Margin شده ايم يعني اعتبار ما به

پايان رسيده است در اين مورد برخي از بروكر ها وقتي ضرر شما به حد مشخصي مي رسد مثلا۳۵۰۰ به شما اطلاع مي دهد كه بايد حساب را شارژ كنيد، برخي ديگر بطور اتوماتيک تا ضرر به ۴۰۰۰ رسيد معامله را مي بندند و مانده حساب شما ۱۰۰۰ دلار مي شود، چون ضرر از Margin Available يا مانده حساب كم شده است.

مواردي كه قبل از بستن قرارداد بايد به آن توجه كرد روش Call Margin شدن است و اينكه برخي بروكرها در روزهاي پاياني هفته در ازاي خريد يک لات مقدار بيشتري از مانده حساب كم مي كنند(البته اين پول در تملک شماست) در مثال بالا وقتي شرايط عادي است معامله يک لات،۱۰۰۰ دلار از حساب اصلي كم مي كند يعني %۱از يک لات اما در پايان هفته ۲۰۰۰ دلار كم مي شود يعني %۲ و باقيمانده حساب ۳۰۰۰ مي شود اين عدد بستگي به كارگزار دارد كه در مواردي %۵ هم مشاهده شده است اين مساله به خاطر بالا بردن ضريب امنيت براي حساب شما اعمال مي شود چون طبق بررسي هاي آماري دو روز پاياني هفته روزهاي پر نوسان و غير قابل پيش بيني هستند به هر حال اينها از قوانين كارگزاري است كه شما با او كار مي كنيد و لازم است از آنها با خبر باشيد يادتان باشد كه Margin Account مانند يک شمشير دولبه بسيار تيز عمل مي كند.

با اينكه بيشتر بازارها هنوز تحت سيطره ايالات متحده است اما فاركس از نظر زماني با ساعت لندن (GMT: Greenwich Mean Time) تنظيم شده است زمان شروع بازار ساعت ۰۰:۰۰ روز دوشنبه و زمان بسته شدن بازار ساعت۲۳:۰۰ روز جمعه هر هفته است، از آنجايي كه فاركس مجموعه اي از بازارهاي مالي دنياست نمي توان گفت مكان فيزيكي آن كجاست يا مالك آن كيست، شما هر جا كه باشيد مي توانيد به اين بازار دسترسي داشته باشيد سيكل بازگشايي مراكز مالي جهان بدين ترتيب مي باشد : نيوزلند- سيدني- توكيو- هنگ كنگ- سنگاپور- بحرين- فرانكفورت- زوريخ- پاريس – لندن- نيويورک- شيكاگو و لس انجلس . اما بزرگترين و مهمترين مركز مالي بازار بورس جهاني ارز ، لندن است . بعد از لندن بازارهاي ارزي نيويورک وتوكيو قرار دارند در ساير مراكز مالي معاملات كوچكتري صورت مي گيرد.

باز هم طبق تجربه و آمار معاملات ثابت شده است كه بيشتر نوسانات از ساعت۹:۰۰ تا ۲۰:۰۰ به وقت لندن كه تقريبا معادل ۱۰:۳۰ تا ۲۱:۳۰ به وقت تهران رخ مي دهد و اين ساعت ها بهترين ساعات معامله هستند.

آيا زماني كه يک پوزيشن باز مي شود ما تمايلي داريم كه واقعا يک ارز را كه خريداري شده به صورت فيزيكي دريافت كنيم و داشته باشيم؟ به عنوان يک معامله گر ما از

نوسانات ارز سود مي بريم و نيازي به دريافت واقعي پول نداريم، اما طبق قانون اگر ارزي خريداري شود تا ۴۸ ساعت كاري بعد به حساب خريدار واريز مي شود حال اگر يک پوزيشن خريد ين براي ۲ روز كاري باز بماند اين ارز به حساب خريدار منتقل مي شود و اين مساله دردسر ساز مي شود به همين خاطر بروكرها امروزه به طور اتوماتيک در پايان روز كاري همه پوزيشن هاي باز را مي بندند و براي روز كاري بعد دوباره باز مي كنند اين عمل Roll Over يا(Tomorrow and Next day tom.next) مي گويند كه از تحويل ارز جلوگيري مي كند، عبارت Value Date در صورتحسابي كه مثال زده شده بود زمان تحويل ارز مي باشد كه هميشه دو روز جلوتر از معامله مي باشد.

مواردي پيش مي آيد كه سرور كارگزار دچار مشكل مي شود، بالا بودن آمار اين مشكلات جزء فاكتورهاي منفي در انتخاب كارگزار است.

يكي از تخلفاتي كه برخي كارگزاران مرتكب مي شوند Reqoute ناميده مي شود يعني دستكاري در قيمت ها زماني كه مشتري درخواست خريد دارد قيمت هاي واقعي را نمي بيند، يا خريد در قيمتي متفاوت از قيمت واقعي انجام مي شود.

به هر حال بايد با تمام چم و خم هاي يک كارگزار آشنا شويد و بهترين منبع مشتريان قبلي هستند.

پس از انتخاب يک بروکر و آشنايي با سرويس هاي آن، روند معمول آنست که در سايت کارگزار قرارداد را پرينت مي کنيد و آن را امضا مي کنيد سپس تصوير قرارداد امضا شده را به همراه تصوير اسکن شده پاسپورت يا ترجمه شناسنامه که مهر دادگستري دارد، براي کارگزار ايميل مي کنيد. پس از تاييد کارگزار مي توانيد پول را به حسابي که به شما اعلام مي شود واريز کنيد، اين کار از طريق بانک هاي داخلي يا با کارت اعتباري انجام مي شود. روش هاي کارگزاران مختلف است و در سايت آنها ذکر شده است .

دقت کنيد که در حساب هاي استاندارد حداقل معامله يک لات است و در حساب هاي مپني کمتر از يک لات، بهتر است که براي شروع کار از يک حساب مپني استفاده کنيد. اما چرا همه از حساب مپني استفاده نمي کنند؟ معامله اي که در يک حساب مپني صورت مي گيرد جزئي از معاملات بزرگتر کارگزار است و گاهي ممکن است در ازاي هر پيپ ضرر در يک معامله ۰.۱ لاتي ۱.۵ دلار ضرر به حساب منظور شود والبته برعکس آن هم صادق است، يک معامله گر حرفه اي ترجيح مي دهد که حساب و کتاب ترید دست خودش باشد.

براي باز کردن حساب يک حداقل در نظر گرفته شده، شايد شنيده باشيد که با ۱۰۰ دلار هم مي شود حساب باز کرد، اما مراقب باشيد و گول نخوريد ، مورد اول اعتبار کارگزار است

و مورد دوم اينكه در مبالغ پايين مشتري خيلي سريع Call Margin مي شود و حسابش بسته مي شود.

توصيه معمول اين است كه ابتدا تا جايي كه ممكن است با دمو كار كنيد و فرض را بر اين بگذاريد كه حساب واقعي است، هر وقت مطمئن شديد كه توانايي لازم براي ورود به بازار را داريد با يک حساب مينی ۱۰۰۰ دلاري شروع كنيد و اگر خيلي محافظه كار هستيد حداقل با ۵۰۰ دلار شروع كنيد و بيشتر از ۴۰%حساب را وارد معامله نكنيد البته اين توصيه درباره حساب هاي مينی زير ۲۰۰۰ دلار است.

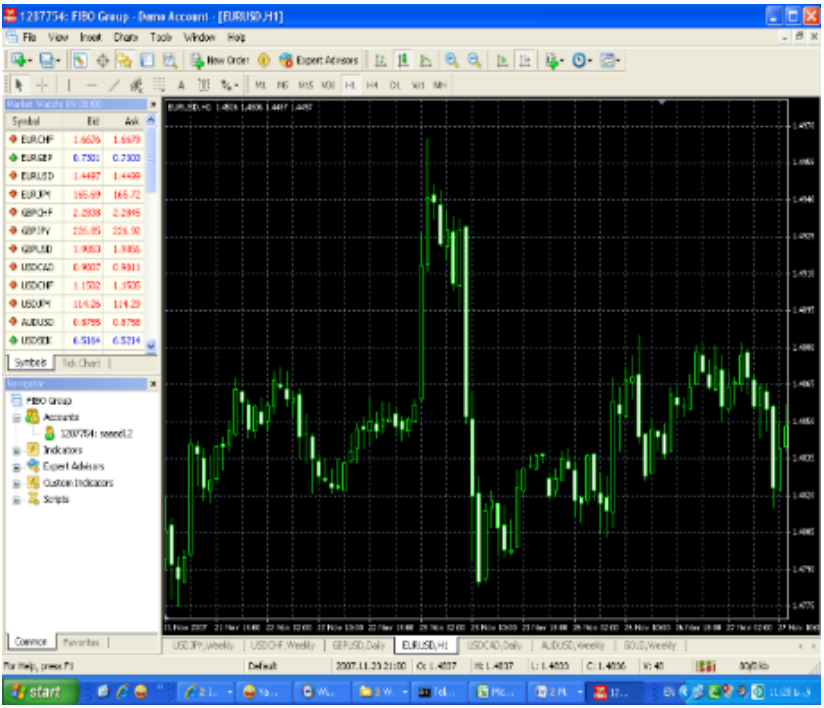
اگر در تريدها سودي كسب كرديد، كه اميدوارم اين گونه باشد، چگونه آن را دريافت مي كنيد؟ شما نياز به يک حساب ارزي داريد با مراجعه به يكي از بانک ها مثلا ملي يا صادرات يا توسعه صادرات مي توانيد نسبت به افتتاح حساب ارزي اقدام كنيد. حداقل موجودي يک حساب پس انداز ارزي ۱۰۰ دلار است، اين مبلغ در حساب شما بايد بماند، حال شما شماره حسابتان را به كارگزار اعلام مي كنيد برخي از كارگزاران در موعد مشخصي به عنوان مثال ماهانه سود حساب شما را پرداخت مي كنند و برخي ديگر زماني سود را پرداخت مي كنند كه به يک حد مشخص رسيده باشد. اگر به هر دليلي مشتري تصميم بگيرد حسابش را ببندد فرمي را پر مي كند مقداري به عنوان هزينه هاي جانبي از حساب كم مي شود و باقيمانده به حساب ارزي مشتري واريز مي شود.

عمليات ذكر شده چيزي در حدود ۳ يا ۴ روز كاري زمان مي گيرد.

پس از باز كردن حساب يک نام كاربري و رمز عبور در اختيار شما قرار مي گيرد و مي توانيد با نرم افزار كارگزار يا از طريق سايت به سرور متصل شويد شروع به ترید كنيد.

در اينجا با يكي از محيط ها كاري يا پلت فرم هاي(Platform) معروف آشنا مي شويم. همانطور كه ذكر شد نرم افزار Meta Trader متعلق به شركت MetaQoutes پلت فرم ساده و محبوب تريدرهاست و داشتن اين پلت فرم براي كارگزار يک امتياز به شمار مي رود.

شكل زير صفحه كاري متا تريدر را نشان مي دهد:



مهمترين چيزي كه بايد درباره اين پلت فرم بدانيم اين است كه چگونه مي توان در آن دستور خريد و فروش داد.

توضيحاتي درباره مفاهيم و اصطلاحات خريد و فروش:

زماني كه روي يک جفت ارز خريد انجام مي دهيم مي توانيم حد ضرر و سود را مشخص كنيم حد ضرر Stop Loss به صورت اختصاري S/L در معامله خريد عددي است پايين تر

از قيمت جاري ارزكه مي خواهيم اگر قيمت به آن رسيد فروش انجام شود تا بيشتر ضرر نكنيم و حد سود Take Profit يا به صورت اختصاري T/P عددي است بالاتر از قيمت جاري ارز كه مي خواهيم اگر قيمت به آن رسيد فروش انجام شود چون تشخيص اين است كه قيمت بالاتر از آن نمي رود يا ثابت مي ماند. البته تعيين اين دو حد ضروري نيست اما چون ممكن است قيمت ها خيلي سريع تغيير كنند و شما نتوانيد به موقع عمل كنيد بهتر است اين دو حد مشخص باشند. مقدارS/L يا T/F بايد بيشتر از فاصله نرخ خريد و فروش (Spread) با قيمت جاري معامله فاصله داشته باشند .

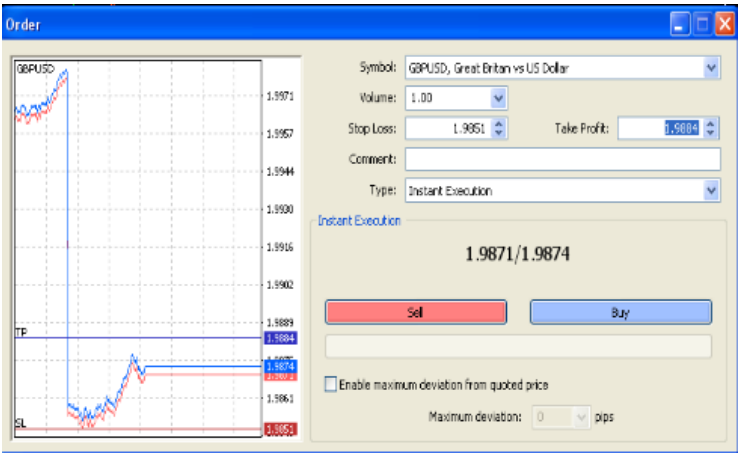
يكي از موارد جالب در بازار فاركس فروش قبل از خريد است، در بازارهاي سنتي مشتري چيزي را مي خرد و سپس مي فروشد اما در بازار فاركس زماني كه شما تشخيص مي دهيد يک ارز در حال نزول مي باشد مي توانيد بدون داشتن آن اقدام به فروش كنيد ، در قيمتي پايين تر خريد كنيد و از اين راه سود كسب كنيد،از زاويه ديگري به اين قضيه نگاه كنيد همانطور كه قبلا گفته شد تنها يک شكل از جفت ارزها در بازار ديده مي شودمثلا EUR/USD حال فروش EUR/USD معادل خريد USD/EUR مي باشد، كمي گيج كننده به نظر مي رسد، اما زياد وارد جزئيات نشويد همين قدر كافيست، در يک دستور فروش حد ضرر S/L قيمتي بالاتر از قيمت فروش است و حد سود T/P قيمتي پايين تر از

فروش. كار با اين مفاهيم درک آن ها را آسان تر مي كند، گرچه خيلي هم پيچيده نيست.

زماني هست كه مشتري مايل است در قيمت خاصي، بالاتر از قيمت فعلي بازار خريد انجام دهد به اين گونه خريد Buy Stop گفته مي شود يعني دستور پيش خريد براي زماني كه قيمت به عدد مورد نظر رسيد. اگر مشتري مايل باشد در قيمتي زير قيمت بازار خريد كند دستور خريد Buy Limit ناميده مي شود.

همين طور براي فروش اگر مشتري بخواهد زير قيمت جاري بازار دستور فروش داشته باشد دستور او Sell Stop ناميده مي شود و اگر بالاي قيمت بازار دستور فروش داشته باشد Sell Limit. مشابه دستورهاي عادي خريد و فروش، براي اين دستورها هم مي توان S/L و T/P تعيين كرد.

در متاتريدر براي انجام يک دستور خريد يا فروش روي جفت ارز مورد نظر دبل كليک مي كنيد و فرم را پر مي كنيد. نمونه اي از فرم پر شده براي خريد GBP/USD را مشاهده مي كنيد:



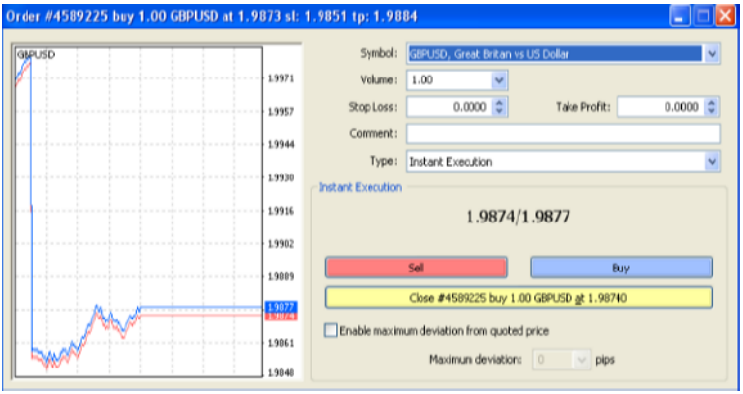
Symbol: نوع ارز مورد معامله.

Volume: مقدار معامله.

Stop Loss و Take Profit قبلا توضيح داده شده است.

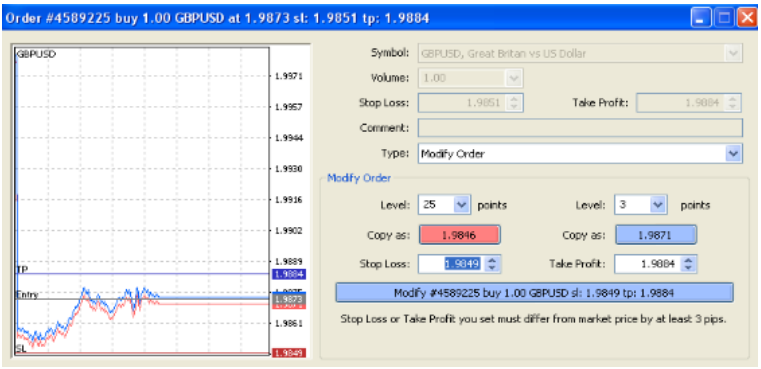
پس از تكميل فرم دكمه Buy را فشار مي دهيد.

شما وارد ترید شده اید و آن را در قسمت پایین صفحه متا تریدر مشاهده مي كنيد، ممكن است در يک موقعيت تشخيص بدهيد كه پوزيشن بايد بسته شود، كافيست روي پوزيشن مورد نظر دبل كليک كنيد فرمي مشابه فرم زير باز مي شود

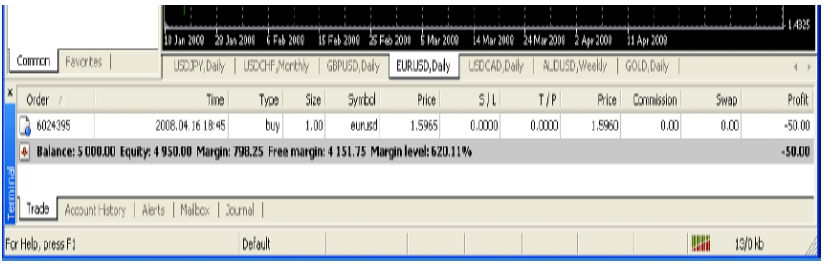


دكمه Close را در قيمت مورد نظر فشار می دهيد و پوزيشن بسته می شود.

براي تغيير S/L و T/P روي پوزيشن در قسمت پاييني متاتريدر كليک راست مي كنيم، گزينه Modify or Delete Order را انتخاب مي كنيم، در اينجا امكان تغيير S/L و T/P وجود دارد. اما همانطور كه ذكر شد فاصله اين دو حد بايد از Spread بيشتر باشد.



براي انجام دستورهاي پيش خريد و پيش فروش به صورت مشابه روي جفت ارز مورد نظر دبل كليک مي كنيم فرم باز مي شود اين بار در قسمت پايين فرم (New Entry Order) در قسمت Type گزينه Pending Order را انتخاب ميكنيم نوع معامله دلخواه را در قسمت پايين مشخص می كنيم و قيمت آن را درAt Price سپس Stop Loss و Take Profitمورد نظر را در بالا مشخص مي كنيم و دكمه Place را مي زنيم. پوزيشن را در قسمت پاييني متاتريدر مي بينيم.





تحليل بازار:

مهمترين قسمت در هر بازاري تحليل آن بازار است كه شامل پيش بيني قيمت ها و تشخيص روندهاي موجود در بازار است، در واقع همه به دنبال اين هستند كه بدانند چه موقع بخرند و چه موقع بفروشند. دو رويكرد براي تحليل و پيش بيني بازار وجود دارد: تحليل فاندامنتال و تحليل تكنيكال.



تحليل فاندامنتال

اوضاع كلي بازار را بررسي مي كند و به تاثير وضعيت اقتصادي سياسي يک كشور بر ارزهاي مختلف مي پردازد براي بررسي وضعيت اقتصادي كشورهاي مختلف شاخص ها و گزارش هاي استانداردي وجود دارند به عنوان مثال يكي از شاخص هاي مهمي كه براي اقتصاد آلمان كه به عنوان بزرگترين اقتصاد اروپايي مطرح است،IFO است، كسري بودجه دولت ها، شاخص قيمت مصرف كنندگان (CPI)، ميزان فروش اتومبيل وديگر شاخص ها كه در زمان هاي مشخصي اعلام مي شوند. از ديگر مسائل تاثير گذار بر روند بازار، سياست هاي دولت ها و بانک هاي مركزي كشورهاي مختلف است، به عنوان مثال افت قيمت دلار در برابر ارزهاي اروپايي نتيجه سياست هاي مالي ايالات متحده، بود.

اين شيوه تحليل روند هاي كلي را مشخص مي كند و براي پيش بيني نوسانات روزانه وساعتي بيشتر از تحليل تكنيكال استفاده مي شود، هر چند انتشار گزارش هاي اقتصادي در يک زمان خاص تاثير خودش را مي گذارد. به هر حال اين دو رويكرد به همراه يكديگر مفيد هستند.

تحلیل فاندامنتال شیوه ای از تحلیل است که با اتفاقاتی که در دنیای واقعی می افتند سر و کار دارد: جنگ ها ،رکود اقتصادی ،تکنولوژی های جدید ،قیمت نفت و طلا ،نرخ بهره بانکها و دیگر مسایلی که بر نرخ برابری ارزها تاثیر دارد.

در اینجا از توضیح و تفصیل این بحث خودداری می کنیم و به صورت کاربردی به آن می نگریم تا بدانیم که چگونه باید از اینگونه تحلیل استفاده کنیم .

برای هر هفته یک تقویم اقتصادی جهانی وجود دارد که نشان میدهد کشورهای مختلف در چه روز و چه ساعتی گزارش های اقتصادی خود را منتشر می کنند، این تقویم را در هر سایتی که به فارکس مربوط باشد، می توان یافت.

برای هر شاخص اقتصادی ۲ مقدار وجود دارد یکی مقدار قبلی آن شاخص و دیگری مقدار پیش بینی شده آن شاخص که معمولا بر مبنای روشهای آماری توسط شرکتهای معتبر پیش بینی می شود و در تقویم ها وجود دارد. چیزی که در این میان مهم است واکنش بازار به اخبار و گزارشها می باشد، مشکلی که تریدرهای تازه کار دارند اینست که به محض

انتشار گزارش بر مبنای خبر ترید میکنند به طور مثال فرض کنید نتیجه یک گزارش بهتر از پیش بینی ها باشد اولین چیزی که به ذهن یک تازه کار می رسد قوی شدن ارز مرتبط می باشد و در نتیجه خرید ارز، حال انکه تحلیل اجزا یک گزارش بسیار مهم تر از نتیجه ظاهری ان هست ،کم نیستند مواردی که واکنش بازار نسبت به انتشار یک خبر معکوس است ،البته بعد از خبر معمولا تحلیل های ان در سایتهایی مانند Bloomberg,Fxstreet,Fxnews, Forexnews یا سایتهای مشابه درج می شود لازم به ذکر است که نتیجه گزارش ها در برخی موارد با تاخیر در سایتها منتشر می شود و یا اگر خبر زیاد مهمی نباشد اصلا درج نمیشود .

منبع دیگری برای گرفتن خبر که سریع تر و خلاصه تر هست پلت فرم ترید است، معمولا بخشی به نام اخبار (News) در پلت فرم ها وجود دارد که خلاصه اخبار و گزارش ها و اخبار سیاسی و گاهی شایعات موجود در بازار را بطور مداوم به شما نشان می دهد.

شما به عنوان یک تریدر کافیست معنا و پیشینه مولفه های این تقویم را بدانید. سعی ما در اینجا این خواهد بود که به صورتی ساده این موارد را توضیح دهیم.

در ابتدا دیدگاهی کلی از جایگاه تحلیل فاندامنتال در فارکس داشته باشیم :

در بازار فارکس چند گونه معامله گر وجود دارند:

۱- معامله گران کوتاه مدت یا Day Trader ها که معاملاتشان را طی یک روز کاری انجام می دهند

۲- معامله گران میان مدت که معاملاتشان ممکن است ۲ تا ۳ روز به طول انجامد

۳- معامله گران طولانی مدت که معاملات انها گاهی تا ماهها طول می کشد

چیزی که برای هر ۳ گروه مهم است اطلاع از وضع کنونی بازار است و اینکه اقتصادهای بزرگ دنیا در چه مسیری قرار دارند .

دانستن تقویم اقتصادی روز بسیار مهم است اما نتیجه گیری از گزارش ها و اخبار اقتصادی برای معاملات کار مخاطره امیزی است ! در تحلیل فاندامنتال به پارادکس های زیادی برخورد می کنیم که حل آنها از عهده ما خارج است ،ما به عنوان یک تریدر تنها باید تابع واکنش بازار به خبرها باشیم ونه خود خبرها در اینجاست که به اهمیت تلفیق تحلیل تکنیکال و فاندامنتال پی می بریم و معنای اصل اول تحلیل تکنیکال در اینجا برای ما روشن می شود:

"قیمت در بازار همه چیز را نشان میدهد"

نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد اینست که معمولا بازار از روشی تبعیت می کند موسوم به "با شایعه بخر با خبر بفروش" (Buy rumor Sell news) یعنی در زمانی مساله ای در کنفرانسهای خبری مطرح می شود یا حتی به صورتی در بازار گمان میرود که ان مساله اتفاق بیافتد ، تاثیر خبر غیر رسمی را در قیمتها مشاهده می کنیم و زمانی که خبر به صورت رسمی منتشر می شود قیمت به اندازه ای بالا رفته است که همه منتظر فروش به ساده لوحانی هستند که تازه به فکر خرید افتاده اند.

ما در دنیایی زندگی می کنیم که مدام در حال تغییر است سیستم پیچیده ای همچون بازار فارکس هم از همین قانون تبعیت میکند ،واکنش بازار همیشه نسبت به خبرها یکسان نیست تقریبا تا چند سال پیش نرخ بیکاری ایلات متحده تاثیر مستقیمی در بازار داشت یعنی در صورتی گزارش بهتر از پیش بینی بود تقریبا در بیشتر موارد قیمت در جهت مثبت که مورد انتظار همه بود حرکت می کرد و یکی از سوداور ترین فرصتهای هر ماه به شمار می امد اما در حال حاضر واکنش بازار به این خبر بسیار اشوب گونه و غیر قابل پیش بینی است.

به یاد داشته باشید که این شیوه تحلیل به شما نمیگوید در کجا به بازار وارد یا خارج شوید بلکه دیدگاهی کلی به ما میدهد تا بدانیم سمت و سوی بازار چگونه است به همین علت برای ترید کوتاه مدت و میان مدت ترکیبی از تحلیل تکنیکال و

فاندانتال به طوریکه تکیه اصلی بر تحلیل تکنیکال قرار گیرد لازم است.

در مورد تریدرهای بلند مدت که البته سرمایه های کلانی دارند و معمولا شامل بانکها و شرکتها سرمایه گزاری هستند شرایط متفاوتی حاکم است ،قوانینی که درباره شیوه ترید این گونه تریدرها وجود دارد شاید کمی مخوف به نظر میرسد، ما در اینجا به این شیوه ترید نمی پردازیم اما همین قدر بدانیم که استفاده تریدرهای بلند مدت از تحلیل فاندامنتال نسبت به دو گروه اول بیشتر است.



ويژگي ارزهاي مختلف

اگر بخواهيم از نظر بزرگی اقتصادهای بزرگ دنيا را در كنار يكديگر قرار دهيم در رده نخست به اقتصاد مرتبط با دلار يا ايالات متحده خواهد بود سپس اقتصاد مربوط به ين يا ژاپن و بعد اقتصاد مربوط به يورو يا اتحاديه اروپا و بعد اقتصاد مربوط به پوند كه بريتانيا را شامل می شود.

در اينجا بطور مختصر به بررسي ارزهاي مربوط به اقتصادهاي بزرگ جهان مي پردازيم.



دلار امريكا

از آنجاييكه اقتصاد ايالات متحده اقتصاد برتر جهان به شمار ميرود و در بازار تمامی ارزها در مقابل دلار معامله ميشوند به همين خاطر اخبار و گزارشهاي منتشر شده در ايلات متحده تاثير بسيار زيادي در بازار ارز دارند البته اخبار كشورهاي ديگر هم در بازار تاثير دارند اما نه به اندازه گزارشهاي دلار.

نرخ بهره

نرخ بهره ارز ابزاريست در دست بانكهاي مركزي دنيا براي جلوگيري از ركود يا تورم و بالانس كردن اقتصاد.

البته ابزارهاي انبساطي يا انقباضي ديگري هم وجود دارند مانند فروش يا خريد اوراق قرضه كه مورد استفاده قرار ميگيرند.

در شرايطي كه نگراني از ايجاد تورم احساس شود بانكهاي مركزي اقدام به بالا بردن نرخ بهره ميكنند ودر شرايطي كه ترس از كند شدن اقتصاد و ايجاد ركود اقتصادي بوجود مي ايد بانكها اقدام به كاهش نرخ بهره ميكنند. اين كاهش يا افزايش به صورت تدريجي صورت ميگيرد معمولا ميزان كاهش يا افزايش در يك تصميم گيري ۰.۲۵تا ۰.۵۰ درصد

مي‌باشد (در اينجا ميتوان فرق يك اقتصاد علمي را با يك اقتصاد غير علمي و كدخدا منش مانند اقتصاد ايران را به وضوح ديد).

تاثير بالا رفتن نرخ بهره بر يك ارز بستگي به شرايط دارد معمولا زماني كه افزايش نرخ به طور جدي مطرح مي شود، ارز شروع به قوي شدن ميكند و زماني كه گزارش رسمي اعلام ميشود، ممكن است ارز در اثر خروج معامله گراني كه به سود رسيده اند ضعيف شود كه اين مساله مثالي واضح و روشن از Buy rumor Sell news است.

بانك مركزي امريكا Federal Reserve Bank (Fed)

اين بانك درسياستگزاري هاي پولي خود كاملا مستقل عمل مي‌كند سياست اصلي اين بانك در امريكا احترام به عملكرد بازار آزاد است.

شوراي سياستگزاري نرخ بهره Federal Open Market Committee (FOMC)

اين شورا كه زير مجموعه Fedمحسوب ميشود مسئول اصلي تعيين نرخ بهره است .FOMCهشت بار در سال تشكيل جلسه ميدهد..

Fed Funds rate

نرخ حساس و مهمي است كه موسسات مالي براي وامهاي كوتاه مدت (حتي براي يك روز) دريافت ميكنند. وقتي بانك مركزي بخواهد سيگنال مشخصي را به بازار بفرستد، تغييري را در اين نرخ اعلام مي‌كند واين تغيير تاثير زيادي بر بازار سهام و ارز دارد.

Discount rate

نرخي است كه بانك مركزي براي وامهاي فوري به بانكهاي تجاري در نظر ميگيرد البته اين نرخ تا حدودي سمبليك است اما تغيير در انهم ميتواند سيگنال خوبي براي بازار باشد.

اوراق خزانه ۳۰ ساله 30-year Treasury bond

اين اوراق ميتوانند بهترين شاخص براي انتظارات تورمي بازار باشند. نوسان پذيري اين اوراق بلند مدت در اثر جريان هاي سرمايه اي (Capital Follow) مي باشد كه از عدم اطمينان سياسي يا مالي در بازارهاي ديگر سرچشمه ميگيرد.

اوراق خزانه ۱۰ ساله 10-year Treasury note

سرمايه گذاران بازار فاركس معمولا تفاوت نرخ اين اوراق را با اوراق معادل در ساير كشورها مقايسه ميكنند. سود بالاتراين اوراق به نفع دلار خواهد بود.

خزانه Treasury

خزانه ايالات متحده در مورد استقراض هاي دولت و بودجه تصميم گيري مي‌كند. خزانه درمورد سياست هاي پولي هيچگونه دخالتي انجام نميدهد اما هرگونه ابراز نظر اين بخش در مورد دلار نوساناتي را در بازار ايجاد مي‌كند.

نفت

امريكا بيشترين مصرف كننده انرژي در جهان است و قيمت نفت بر اين اقتصاد تاثير زيادي دارد. تاثير نوسان قيمت نفت بر دلار بسته به شرايط موجود،متفاوت است مثلا اگر افزايش قيمت نفت كند شدن رشد اقتصادي و حاكم شدن ركود بر بازار سهام را به دنبال داشته باشد ضعف دلار را شاهد خواهيم بود اما اگر افزايش قيمت نفت باعث فشار تورمي و نگراني از افزايش نرخ بهره را به دنبال داشته باشد شاهد قدرت دلار خواهيم بود. البته توضيح مفصل اين مطالب از سطح اين كتاب فراتر است و علاقمندان ميتوانند در اينترنت اين موضوعات را دنبال كنند.

طلا

نوسان قيمت طلا در امريكا تاثير گرفته از فاكتورهاي زيادي هست مثل: بالا گرفتن تنشهاي ژئوپليتيك، فشارهاي تورمي، كمبود عرضه به دلايل فني يا اعتصابات . نوسان قيمت طلا تاثيرهاي متفاوتي بر دلار دارد، طبق بررسي هاي تاريخي طلا و دلار معمولا در جهت عكس يكديگر حركت ميكنند، كه البته هميشه صادق نيست.

بازار سهام

بازار سهام هر كشور شاخص ميزان رشد و حركت اقتصادي ان كشور است.سه شاخص سهام در امريكا : Dow Jones Industrials Index (Dow),

S&P 500, NASDAQ هستند كه از اين ميان Dowبيشترين تاثير را بر دلار دارد. رشد بازار سهام در امريكا به طور معمول همراه با قدرت گرفتن دلار بوده است اما مانند ديگر شاخصهاي اقتصادي برداشت بازار از حركت بازار سهام تعيين كننده تاثير ان بر دلار مي باشد، فرضا افزايش نرخ بهره كارخانجات و شركتهاي تجاري را با مشكل روبرو ميسازد كه تاثير نامطلوبي ر به بازار سهام تحميل مي كند و اين در حاليست كه افزايش نرخ بهره دلار را در برابر ارزهاي ديگر بالا ميبرد. پس به ياد داشته باشيم كه

شاخصهاي اقتصادي شمشيرهاي دو لبه اي هستند كه نميتوان به راحتي از انها براي پيش بيني روند بازار استفاده كرد.

تاثير جفت ارزهاي ديگر Cross Rate Effect

افزايش دلار در مقابل يك ارز ميتواند نتيجه تغيير نرخ در جفتي ديگر باشد براي مثال هرگاه ين در مقابل يورو افزايش قابل توجه بيابد، يورو در بازار ضعيف ميشود و اين موضوع باعث كاهش نرخ EUR/USDخواهد شد.

شاخصهاي اقتصادي زيادي در مورد دلار موجود هستند كه در اينجا شاخصها وگزارشهاي اقتصادي مهم وتاثير معمول انها مربوط به ايالات متحده را بطور ساده و مختصر بررسي ميكنيم

- زمان بر مبناي گرينويچ ذكر شده است.
- برخي لينك هاي ذكر شده ممكن است تغيير كرده باشند.

۱- كسري يا مازاد تراز تجاري (Trade Deficit or Trade Surplus)

كسري تجاري در حالتي به وجود مي اید كه ميزان صادرات از واردات كمتر باشد ،معضلي كه اقتصاد امريكا در حال حاضر به ان گرفتار است و حالت برعكس ان يعني مازاد تراز تجاري در حالت بيشتر بودن صادرات از واردات رخ ميدهد وضعيتي كه درحال حاضر براي چين وجود دارد. صادرات و واردات اجزا مهم يك اقتصاد به شمار ميروند به گونه اي كه تقريبا ۱۲ تا ۱۴ درصد از توليد ناخالص ملي (GDP)به اين مساله مرتبط است به طور معمول صادرات بيشتر به معني سود بيشتر شركتها ودر نتيجه بازار سهام قويتر مي‌باشد.

اهميت: در صورت افزايش كسري در بلند مدت ارز مربوط ضعيف مي شود.

زمان اعلام: تقريبا نوزدهم هرماه در ساعت ۱۳:۳۰ گرينويچ گزارش ۲ ماه گذشته اعلام ميشود.

آرشيو اطلاعات:

http://www.census.gov/foreign-trade/www/press.html

۲- وضعيت اشتغال (Employment Situation):

اين گزارش شامل جزئيات و ارقامي است كه تاثير بسيار زيادي بر بازارهاي مالي به جاي ميگذارند :

- ليست حقوق بگيران مشاغل غير كشاورزي (Non-Farm Payroll):

تغيير در اين شاخص كه نشان دهنده تغيير ميزان افراد به كار گرفته شده در امور صنعتي و تجاري است ،بيانگر ميزان پويايي وسلامت اقتصادي يك كشور است. اين شاخص در سالهاي اخير توجه زيادي را به خود جلب كرده است و به محض اعلام به ويژه اگر با مقدار پيش بيني شده تفوت زيادي داشته باشد، تاثير زيادي دربازار به جاي ميگذارد.

اهميت:به خاطر تاثير مستقيم روي رشد اقتصادي كه به تغيير نرخ بهره مي انجامد اين گزارش رابطه مستقيمي با افزايش قدرت ارز مربوط دارد

- نرخ بيكاري (Unemployment Rate) :

نرخ افراد بيكار نسبت به كل نيروي كار كه بر حسب درصد بيان ميشود. معمولا جامعه اي با ظرفيت كامل اشتغال، نرخ بيكاري ۵.۵ تا ۶ درصد را دارا مي‌باشد. در حال حاضر ايالات متحده حدودا داراي نرخ بيكاري ۴.۷ درصد مي‌باشد

(آمار و ارقام منتشر شده در ايران به هيچ وجه قابل اعتماد نيستند.).

اهميت: افزايش اين نرخ باعث ضعف ارز مربوطه ميشود و بالعكس. اما كاهش زياد اين نرخ و در نتيجه كمبود نيروي كار مي تواند بر حقوق درخواستي كارگران تاثير بگذارد.

- درامد متوسط ساعتي و هفتگي و طول متوسط هفته كاري (Average hourly and weekly earning & Average Workweek)

درامد ساعتي و هفتگي از شاخصهاي مناسب براي نمايان ساختن احتمال تورم ميباشند در صورت افزايش ناگهاني اين دو شاخص ميزان مصرف بالا مي‌رود كه اين امر منجر به بالا رفتن تورم ميگردد.

در صورت افزايش متوسط طول هفته كاري، كه به ساعت بيان مي شود، نياز به استخدام نيروي كار بيشتر احساس خواهد شد.

زمان اعلام:اين گزارش اولين جمعه هر ماه ساعت ۱۳:۳۰ گرينويچ براي ماه گذشته اعلام ميشود.

آرشيو اطلاعات:

http://stats.bls.gov/news.release/empsit.toc.htm

۳- Initial Claims

تعداد افرادي كه براي اولين بار فرم درخواست بيمه بيكاري راپر ميكنند

اهميت:سرمايه گذاران از ميانگين متحرك چهار واحدي اين شاخص براي تشخيص روند بازار كار استفاده ميكنند.هر حركتي بيشتر از ۳۰۰۰۰ واحد در اين شاخص نشانه وجود تغيير مهمي در بازار كار مي باشد.

اين عدد هر چقدر كمتر باشد حكايت از بازار كار قوي تري دارد و برعكس.

زمان اعلام :پنجشنبه هر هفته ساعت ۱۳:۳۰ گرينويچ اطلاعات مربوط به هفته قبل كه منتهي به شنبه مي‌باشد، منتشر ميشود.

آرشيو اطلاعات:

http://www.dol.gov/dol/opa/public/media/press/eta/main.htm

۴- شاخص هزينه استخدام (Employment Cost Index ECI)

اين شاخص دستمزد و حقوق كاركنان را كه نوعي هزينه به شمار مي ايد محاسبه مي‌كند.

اهميت:در صورت افزايش غير منتظره اين شاخص نگراني از ايجاد تورم و واكنش بانك مركزي كه افزايش نرخ بهره هست، افزايش مي يابد و در نتيجه بازار سهام تحت فشار قرار ميگيرد.

زمان اعلام: هر سه ماه يكبار در آخرين روز كاري ماههاي ژانويه، آوريل، ژولاي و اكتبردر ساعت ۱۳:۳۰ گرينويچ منتشر ميشود.

آرشيواطلاعات:

http://stats.bls.gov/news.release/eci.toc.htm

۵- توليد ناخالص ملي (GDP)

اين شاخص نشان دهنده ارزش پولی كالاهاي توليدي و خدمات ارائه شده درداخل يك كشور مي‌باشد صرف نظر از مليت توليد كننده يا سرمايه گذار ،تغيير اين ميزان نسبت به سال قبل و سه ماه قبل مورد بررسي قرار ميگيرد كه به نحو مستقيمي رشد اقتصادي يك كشور را نشان ميدهد.اين شاخص به دو صورت محاسبه ميشود در روش اول تنها تغيير پولی نسبت به سال گذشته محاسبه ميشود و در روش دوم ضريب تورم سالانه را نيز در اين محاسبه دخالت ميدهند.

اهميت:اين شاخص سلامت يك اقتصاد و بازده ان را نشان ميدهد. در يك اقتصاد سالم GDP بين ۲ تا ۲.۵ درصد است(همراه به نرخ بيكاري ۵.۵ تا ۶ درصد) كه نشان دهنده درامد خوب شركتها و وضعيت مناسب بازار سهام مي‌باشد. رشد GDP بيشتر از اين مقدار به روند تورمي شتاب ميبخشد و اگر رشد GDP كمتر از اين مقدار باشد نشانه ناكارامد بودن اقتصاد است.

زمان اعلام :هر سه ماه يكبار در هفته سوم يا چهارم ژانويه، آوريل، ژولاي و اكتبر در ساعت ۱۳:۳۰ گرينويچ كه براي دوره سه ماه قبل منتشر ميشود. تجديد نظر اين گزارش در ماه دوم يا سوم دوره سه ماهه اعلام ميشود.

آرشيو اطلاعات:

http://www.bea.doc.gov/bea/dn1.htm

۶- شاخص قيمت متوسط مصرف كننده (Consumer Price Index -CPI)

سبدي ثابت و تعريف شده از كالاها و خدمات مورد استفاده يك مصرف كننده شامل: غذا، سوخت، مسكن، پوشاك، حمل و نقل، بهداشت و درمان، آموزش و تفريحات، قيمت گذاري مي شود و با اعمال ضرايب اماري اين شاخص مهم به دست

مي‌ايد. اين شاخص را هزينه زندگي (Cost of Living) نيز مينامند اين شاخص به نحو مطلوبي روند تورم را نشان ميدهد.

اهميت: اين شاخص به نحو مطلوبي روند تورم را نشان ميدهد. براي بررسي دقيق تر، گزارشی که در ان غذا و سوخت به حساب نيامده اند تهيه ميشود که به ان Core CPI گفته ميشود، اين شاخص تحت تاثر نوسان قيمت سوخت و غذا که بيشترين چگالي را CPI دارند قرار نميگيرد و تصوير بهتري از روند تورم نشان ميدهد.

در صورت افزايش CPI شاهد تاثيرهاي متفاوتي هستيم فرضا اگر اين افزايش تنها به علت افزايش قيمت سوخت باشد Core CPI افزايشي نخواهد داشت وتحليل تاثير تورمي نياز به فاکتورهاي ديگر خواهد شد.

زمان اعلام: هر ماه تقريبا روز سيزدهم ساعت ۱۳:۳۰ گرينويچ اطلاعات ماه قبل منتشر ميشود.

آرشيو اطلاعات:

http://stats.bls.gov/news.release/cpi.toc.htm

۷- شاخص قيمت توليد كننده - (Producer Price Index PPI)

اين شاخص تغيير قميت عمده فروشي سبد ثابتي از كالاها و مواد اوليه (نفت، گاز،فولاد، فلزات، موادغذايي و...) را اندازه گيري مي‌كند والبته خدمات را به شمار نمي اورد. اين شاخص همچنين بر CPI تاثير عمده اي دارد و از ان ميتوان براي تشخيص روند تورم در سطح كلان استفاده كرد .

اهميت: همانند CPI اين شاخص تعبيرات مختلفي دارد ،لازم به توضيح است كه اينگونه شاخصها شامل جزئيات زيادي هستند كه تعبيرات مختلف را به وجود مياورد .اين شاخص يك شاخص فرعي دارد كه PPI را جداي از بخشهاي مواد غذايي و انرژي، كه عمده مصرف را تشكيل مي دهند، محاسبه مي‌كند و اين شاخص كه PPI Core Rate ناميده مي شود نقش مهمي در تحليل بازي مي‌كند، و اگر بخواهيم در يك جمله تاثير PPI را بر ارز بدانيم افزايش اين شاخص نشانه وجود تورم خواهد بود كه در صورت همراه شدن با افزايش نرخ بهره به قدرت گرفتن ارز خواهد انجاميد.

زمان اعلام: هرماه حدود روز ۱۱ در ساعت ۱۳:۳۰ گرينويچ گزارش ماه قبل اعلام ميشود.

آرشيو اطلاعات:

http://stats.bls.gov/news.release/ppi.toc.htm

۸- شاخص اطمينان مصرف كننده

(Consumer Confidence Index)

اين شاخص بر اساس نظرسنجي از ۵۰۰۰ مصرف كننده درباره نگرش انها به وضعيت حال و انتظار انها درباره اينده اقتصاد، محاسبه ميشود.

اهميت: اين شاخص در مواردي مي تواند نشان دهنده تغييرناگهاني در الگوهاي مصرف باشد و از انجاييكه خرج كردن مصرف كنندگان تقريبا دوسوم حجم اقتصاد را در بر ميگيرد، اين شاخص ميتواند بينش خوبي درباره جهت گيري اقتصاد ارائه دهد. با اين همه، تغيير بيشتر از ۵ درصد به عنوان يك تغيير قابل توجه مورد بررسي قرار ميگيرد.

زمان اعلام:آخرين سه شنبه هر ماه در ساعت ۱۵:۰۰ گرينويچ اطلاعات مربوط به ماه قبل اعلام مي شود.

آرشيو اطلاعات:

http://www.tcb-indicators.org

۹- شاخص جزء فروشي (Retail Sale)

اين شاخص بر اساس ميزان جزء فروشي فروشگاههاي زنجيره اي بزرگ مانند Wal-Mart تهيه مي شود و قدرت خريد را در يك اقتصاد نشان مي دهد. اين شاخص به دلار محاسبه مي شود و ضريب تورم در ان دخالت داده نميشود اما براي تعطيلات ويژه مانند كريسمس كه افزايش ناگهاني در ضريب به وجود مي ايد ضرايب خاصي در نظر گرفته شده است.

همچون شاخصهاي ديگر، براي قابل اطمينان شدن اين شاخص، فروش اتومبيل را از ان كم ميكنند تا شاخص از نوسانات ناگهاني در امان باشد.

اهميت:اين شاخص شامل جزئيات زيادي مشود كه در صورت مطالعه دقيق ميتوان به تغيير در زمينه هاي سرمايه گذاري پي برد. از انجاييكه افزايش اين شاخص نشانه رشد اقتصادي مي‌باشد ممكن است بانك مركزي نرخ بهره را براي جلوگيري از تورم بالا ببرد و به قوي شدن ارز منجر شود.

زمان اعلام:هر ماه حدود روز ۱۲ در ساعت ۱۳:۳۰ گرينويچ اطلعات مربوط به ماه قبل منتشر ميشود.

آرشيو اطلاعات:

http://www.census.gov/svsd/www/advtable.html

۱۰- ISM Manufacturing Index

ISM مخفف Institute of Supply Management است كه موسسه اي تحقيقاتي است و اين شاخص از مهمترين شاخصهاي اقتصادي به شمار مي رود كه بر اساس تحقيق از ۳۰۰ مدير خريد در ۲۰ حوزه صنعت توليد صورت ميگيرد و شامل فاكتورهاي زيادي ازجمله سفارشهاي جديد، توليد، استخدام، موجودي انبار، زمان تحويل، قيمت، دستورهاي واردات و صادرات مي‌باشد.جزئيات اين گزارش مفصل براي گزاراشهاي ديگر مورد استفاده قرار ميگيرد، از جمله Durable Goods , Industrial Production: Orders,NFP,PPI,Trade Balance

اهميت: اين شاخص حرف اول را در زمينه شاخصهاي توليد ميزند،هر عددي بالاي ۵۰ براي اين شاخص نشانگر توسعه اقتصاد به شمار مي‌رود و تاثير مثبتي بر دلار دارد.

زمان اعلام:هر ماه در اولين روز كاري ساعت۱۵ گرينويچ گزارش مربوط به ماه قبل اعلام ميشود.

ارشيو اطلاعات:

http://www.ism.ws

۱۱- ISM Service Index

اين شاخص بر اساس تحقيق از حدود ۳۷۰ شركت در بخشهاي مالي، بيمه، املاك، ارتباطات صورت ميگيرد و در واقع وضعيت را در بخش خدمات نشان مي دهد. از انجاييكه اين شاخص به تازگي در سال ۱۹۹۷ معرفي شده نسبت به ISM Manufacturing Index كه در سال ۱۹۴۰ معرفي شده است،هنوز انچنان مورد توجه سرمايه گذاران قرار ندارد.

اهميت:هر عددي بالاتر از ۵۰ درصد نشانه رشد اقتصادي در بخش خدمات و هر عددي زير ۵۰ درصد نشانه كند شدن اين بخش است.اين شاخص در فصلهاي مختلف و تحت تاثير تعطيلات ايام مختلف سال ،مورد تصحيح قرار ميگيرد.

زمان اعلام: سومين روز كاري هر ماه در ساعت ۱۵:۰۰ گرينويچ، اطلاعات مربوط به ماه گذشته منتشر ميشود.

ارشيو اطلاعات:

http://www.ism.ws

۱۲- درامد شخصي و مصرف شخصي (Personal Income & Personal Consumption)

ميزان متوسط درامد خانواده ها كه از هر منبعي از جمله استخدام، كار شخصي، سرمايه گذاري و درامدهاي انتقالي مثل ارث

مصرف شخصي ميزان خرجي است كه انجام مي شود اين شاخص سه بخش دارد: كالاهاي بادوام، كالاهاي كم دوام و خدمات.

اهميت: ميزان درامد مهمترين فاكتور تصميم گيري براي خرج كردن است (مصرف كنندگان آمريكايي تقريبا از هر ۱ دلاردرامد ۹۵ سنت ان را خرج ميكنند) و ميزان خرج مصرف كنندگان دو سوم حجم اقتصاد را تشكيل ميدهد. خرج بيشتر سود شركتها را بالا ميبرد و اين به نفع بازار سهام است و از سويي بالا رفتن ميزان درامد باعث بيشتر شدن تقاضا براي مصرف خواهد شد كه اين مساله به نوعي فشار تورمي ايجاد مي‌كند.

زمان اعلام:اولين روز كاري هر ماه در ساعت ۱۳:۳۰ گرينويچ اطلاعات مربوط به ۲ ماه قبل منتشر ميشود.

آرشيو اطلاعات:

http://www.bea.doc.gov/bea/rels.htm

۱۳- توليدات صنعتي و ظرفيت مورد استفاده (Industrial Productions & Capacity Utilization)

شاخص اول ميزان خروجي كارخانه ها ،كارگاه ها و معادن را نشان مي دهد . شاخص دوم ميزان استفاده از ظرفيت فضا، امكانات و تجهيزات را توسط اين صنايع، نشان مي دهد.

اهميت:با اينكه بخش صنعت تنها ۲۵ درصد از GDPرا تشكيل ميدهد اما GDP نسبت به تغييرات بخش صنعت بسيار حساس است. بنابراين تغييرات اين شاخص اطلاعات مفيدي براي رشد GDPبه دست ميدهد.

شاخص ظرفيت مورد استفاده به عنوان يك شاخص تورمي توسط سرمايه گذاران مورد استفاده قرار ميگيرد. اگر اين شاخص بالاي ۸۵ درصد قرار بگيرد فشار تورمي بوجود مي آيد.

زمان اعلام: هرماه حدود روز پانزدهم در ساعت ۱۴:۱۵ گرينويچ اطلاعات مربوط به ماه قبل اعلام مي شود.

آرشيو اطلاعات:

http://www.federalreserve.gov/releases/G17/Current/g17.txt

۱۴- ميزان سفارش كالاهاي بادوام (Durable Goods Order)

اين گزارش نشان دهنده ميزان سفارش كالاهاي نو يا دست دوم بادوام مانند تجهيزات و ماشين الاتي هست كه طول عمر بالايي دارند . كالاهاي با دوام به كالاهايي گفته ميشود كه طول عمر بيشتر از سه سال داشته باشند.

اهميت:با نگاهي عميق تر به اين گزارش ميبينيم كه عمده سفارش ها مربوط به صنايع هواپيما سازي و حمل و نقل و صنايع دفاعي مي‌باشد از اين رو ممكن است دريك دوره شاهد افزايش زيادي در ان باشيم در حاليكه در يك دوره ديگر ركود را در ان مشاهده كنيم از اينرو يك شاخص فرعي در نظر گرفته ميشود كه در ان سفارش هاي مربوط به حمل و نقل و صنايع دفاعي حذف ميشوند. در نگاه كلي افزايش مقدار در اين گزارش نشان دهنده جهش اقتصادي رو به جلو مي‌باشد كه موجب قوي شدن ارز مربوط ميشود.

زمان اعلام:هر ماه حدود روزبيست وششم ساعت۱۳:۳۰ گرينويچ اطلاعات مربوط به ماه قبل اعلام ميشود.

آرشيو اطلاعات:

http://www.census.gov/ftp/pub/indicator/www/m3/index.htm

۱۵- شروع خانه سازي ومجوز ساخت (Housing Start & Building Permits)

بخش خانه سازي يكي از مهمترين و اشتغال زا ترين بخش هاي يك اقتصاد و به ويژه اقتصاد ايالات متحده به شمار مي‌رود و تاثير زيادي بر روند دلار يا هر ارز مربوطي دارد.

اين دو شاخص ميزان شروع به ساختن خانه هاي مسكوني جديد را نشان ميدهند.

اهميت:با اينكه سرمايه گذاري در بخش ساخت و ساز مسكوني تنها ۴ درصدGDP را تشكيل ميدهد اما به خاطر پر نوسان بودن اين بخش، معمولا نقش مهمي را در تغييرهاي كوتاه مدتGDP ايفا مي‌كند.

زمان اعلام:هرماه حدود روز شانزدهم ساعت ۱۳:۳۰ گرينويچ، اطلاعات مربوط به ماه قبل اعلام ميشود.

آرشيو اطلاعات:

http://www.census.gov/ftp/pub/indicator/www/housing.html

۱۶- فروش خانه هاي دست دوم (Existing Home Sales)

اين گزارش ميزان فروش خانه هاي دست دوم را نشان ميدهد و جزء بهترين شاخصهاي اقتصادي در بخش مسكن مي‌باشد

اهميت: اين شاخص تنها نشان دهنده ميزان فروش مسكن نيست بلكه به نوعي قدرت يك اقتصاد را نشان ميدهد چرا كه مردم زماني به سمت خريد خانه مي روند كه از نظر مالي مطئن باشند.

زمان اعلام:هر در روز بيست و پنجم يا اولين روز كاري بعد از ان در ساعت ۱۵:۰۰ اطلاعات مربوط به ماه گذشته ان اعلام ميشود.

ارشيو اطلاعات:

http://nar.realtor.com/news/releases.htm

۱۷- شاخص فروش خانه هاي نوساز(New Home Sales)

اين شاخص براساس مصاحبه با حدود ۱۰۰۰۰ سازنده يا مالك كه از بين ۱۵۰۰۰ پروژه ساختماني انتخاب ميشوند، به دست مي ايد و ميزان فروش خانه هاي نوساز در يك ماه را نشان ميدهد.

اهميت: شاخص خوبي براي اندازه گيري ميزان اعتماد و خرج مصرف كنندگان در امر مسكن را نشان ميدهد كه اين مساله به وضعيت كلي اقتصاد هم ارتباط پيدا مي‌كند. با اين همه سرمايه گذاران گزارش Existing Home Sales را ترجيح ميدهند كه تقريبا ۸۴ درصد فروش مسكن را تشكيل ميدهد و قبل از اين گزارش هم اعلام ميشود.

زمان اعلام:تقريبا آخرين روز كاري هر ماه در ساعت ۱۵:۰۰ گرينويچ اطلاعات مربوط بخ ماه گذشته اعلام ميشود.

آرشيو اطلاعات:

http://www.census.gov/const/c25_curr.txt

۱۸- كتاب خاكستري (Beige Book)

هر بانك مركزي ايالتي اطلاعاتي درباره وضعيت اقتصاد در منطقه خودش گرداوري مي‌كند منبع اين اطلاعات بانك مركزي و زير شاخه هاي ان ،مصاحبه با افراد مهم درزمينه تجارت، اقتصاددانها و متخصصان بازار مي باشند. در كتاب خاكستري اين اطلاعات بر اساس منطقه جغرافيايي و زمينه اقتصادي طبقه بندي و خلاصه ميشود.

اهميت:بانك مركزي امريكا از اين گزارش به همراه شاخص هاي ديگر در شوراي سياست گزاري نرخ بهره (FOMC)

استفاده مي‌كند. اين شورا دو هفته بعد از انتشار كتاب خاكستري برگزار ميشود. اگر اين گزارش حاكي از ايجاد فشارهاي تورمي باشد به تبع، شورا در موضع افزايش نرخ بهره قرار ميگيرد و برعكس.

زمان اعلام: اين گزارش در سال ٨ بار اعلام ميشود و دوهفته قبل از تشكيل شورا در روز چهارشنبه ساعت١٩:٠٠ گرينويچ اعلام ميشود.

ارشيو اطلاعات:_____

١٩- Chicago Purchasing Managers' Index (PMI)

اين شاخص براساس تحقيق از حدود٢٠٠ مدير خريد به دست مي ايد كه بيان كننده وضعيت صنعت توليد دراين منطقه صنعتي مي باشد در واقع شيكاگو منطقه ايست كه توزيع شركتهاي توليدي در ان به گونه اي است كه وضعيت انها مي تواند نشان دهنده وضعيت توليد در كل كشور باشد.

اهميت:اين شاخص به همراه Philadelphia Fed Index در پيش بيني گزارش ISM (يك شاخص پيشرو و مهم) كه در روز كاري بعد منتشر ميشود كمك بسزايي مي كند.

هر عددي بالاي ۵۰ درصد بيان كننده رشد در قسمت كارخانجات توليدي مي‌باشد و هر عددي زير ۵۰ درصد نشانه كند شدن اين بخش است.

زمان اعلام: آخرين روز كاري هر ماه در ساعت ۱۵:۰۰ گرينويچ اطلاعات مربوط به همان ماه اعلام ميشود.

۲۰- Philadelphia Fed Index

شاخص توليد ناحيه اي ،كه نواحي Pennsylvania, New Jersey, Delaware را پوشش مي دهد. فعاليت اين نواحي نمونه خوبي براي پيش بيني و نتيجه گيري درباره وضعيت فعاليت توليدي صنعتي ديگر نواحي كشور مي‌باشد.

اهميت: همانطور كه قبلا ذكر شد اين شاخص به همراه شاخص شيكاگو براي پيش بيني ISM به كار برده ميشود. عددي بالاي ۵۰ درصد بيان كننده رشد در قسمت كارخانجات توليدي مي‌باشد و هر عددي زير ۵۰ درصد نشانه كند شدن اين بخش است.

زمان اعلام:سومين پنجشنبه هر ماه در ساعت ۱۵:۰۰ گرينويچ اطلاعات مربوط به همان ماه اعلام ميشود.

علاوه برشاخصهاي ذكر شده شاخصهاي زياد ديگري هم هستند كه برخي ا ز انها را به اختصار توضيح ميدهيم

۲۱- Treasury International Capital (TIC)

اين شاخص ميزان خريد خالص سرمايه گذاران خارجي در كليه اوراق بهادارازجمله سهام و اوراق خزانه، مي‌باشد. بالا رفتن اين عدد نشان دهنده اعتماد بين المللي به اقتصاد امريكا مي‌باشد و در حال حاضر كه اقتصاد امريكا گرفتار كسري بودجه شديد هست، اميد برآن است كه اين جريان سرمايه گذاري خارجي بتواند اثر كسري بودجه را تا حدي خنثي كند.

۲۲- موجودي كالاهاي تجاري (Business Inventory)

موجودي انبار محصولات توليد شده كه فروش نرفته اند.

زماني كه اين عدد افزايش يابد به اين معني خواهد بود كه فروش از ميزان توليد كمتر است و اين مساله حكايت از كند شدن اقتصاد دارد كه به كاهش ارز مربوط خواهد انجاميد.

۲۳- ميزان سفارش هاي رسيده به كارخانجات (Factory Orders)

همانطور كه از نام اين گزارش مشخص است ميزان سفارش هاي رسيده به كارخانجات را نشان ميدهد كه بالا بودن ان نشانه خوبي براي اقتصاد مي‌باشد .

اين گزارش هم همچون ديگر گزارشها و شاخصها شامل جزئيات زيادي مي‌باشد اما در كل ميتوان گفت بالا بودن ميزان اين گزارش سبب قوي شدن ارز خواهد بود.

۲۴- شاخص اطمينان مصرف كنندگان دانشگاه ميشيگان (University of Michigan Consumer Confidence)

اين شاخص توسط دانشگاه ميشيگان در منطقه ميشيگان از طريق نظرسنجي و تحقيق به دست مي‌ايد. در اين تحقيق درمورد ديدگاه كلي درباره وضعيت كنوني اقتصاد بررسي به عمل مي‌ايد و نتيجه با روشهاي اماري به صورت يك عدد بيان ميشود. بين اطمينان مصرف كنندگان همبستگي خوبي با ميزان خرج كردن مصرف كنندگان (Consumer Spending) وجود دارد و اهميت اين مساله به اين خاطر است كه خرج مصرف كنندگان دوسوم GDPرا تشكيل ميدهد.

۲۵- هزينه مصرف شخصي (Personal Consumption Expenditure (PCE)

هزينه تمام كالاها و خدماتي كه يك فرد بطور متوسط مصرف مي‌كند (در اينجا سبد ثابت در نظر گرفته نشده است) اين شاخص تغيير در هزينه متوسط فردي را نشان مدهد و علاوه بر اين همانطور كه بيان شد دوسوم GDP را را در بر ميگيرد.

۲۶- مخارج احداث ساختمان (Construction Spending)

ارزش ساخت وساز در طول يك ماه كه با شاخصهاي ديگر ساختماني مرتبط ميشود و به نحوي اطمينان سرمايه گذاران به بخش ساختمان را نشان مي دهد.

علاوه بر اين شاخص ها ،سخنراني اعضا بانك مركزي كه ميتواند نشانه هايي از سياست هاي اينده براي رويارويي با تورم در بر داشته باشد، در برخي موارد تاثير قابل توجهي بر بازار دارد. در بيانيه هايي كه بانكهاي مركزي منتشر ميكنند يا در سخنان اعضا بانك مركزي معمولا جملات يا لغاتي به كار مي‌رود كه براي متخصصان بازار معنايي وراي معناي واقعي انها را در بر دارد فرضا در زمان اقاي Greenspan رياست قبلي بانك مركزي امريكا در بيانيه هاي FOMC معمولا لغت "Measured" بكار ميرفت كه اشاره اي بود به

ادامه افزايش نرخ بهره و نبودن اين لغت در بيانيه براي تحليل معني خاصي داشت يا زمانی كه بانك مركزي اروپا شروع به افزايش نرخ بهره كرد، در سخنان آقاي Trichet معمولا لغت "Vigilance" بكار برده ميشد.

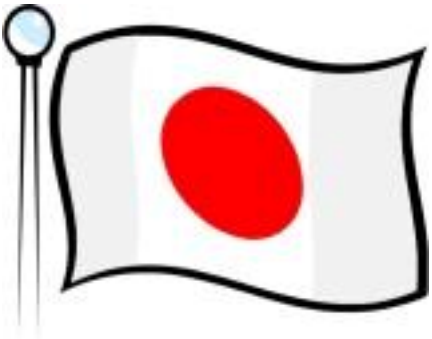
از جمله وقايع مهم ديگر برگزاري كنفرانس هاي بين المللي مثل اجلاس هفت كشور صنعتي G7 يا اجلاس سران اپك مي باشد كه در اينگونه جلسات تصميم هاي مهمي گرفته ميشود.

وضعيت آب و هوايي نيز مي تواند بر وضع بازار تاثير بگذارد ،معمولا فصل طوفانهاي شديد از اويل ژوئن شروع مي شود و تا اوايل ماه نوامبر به طول مي انجامد در صورتيكه اين طوفانها به سواحل و گلوگاههاي مهم برسند خسارات زيادي به جاي مي گذراند و تاثير زيادي هم بر جريان ورود نفت به امريكا دارند. پنج طوفان تهديد كننده در اقيانوس اطلس به نام هاي Dennis, Emily, Katrina, Rita, Wilma هستند كه در اين ميان Wilmaقدرت بيشتري دارد.در سال ۲۰۰۵ طوفان كاترينا و ريتا نيمي از نيوارلئان را به زير اب برد و سكوهاي نفتي را تخريب كرد روند ورود نفت را در خليج مكزيك مختل كرد، (اين خليج يكي از مهمترين ورودي هاي نفت خام به امريكا مي باشد) طوفان كاترينا دست كم موجب مرگ ۲۰۴۸ تن و خسارت بي سابقه اي بالغ بر ۱۰۰ ميليارد دلار گرديد. در زمان حمله كاترينا

،طي ۳ روز دلار چيزي در حدود ۴۰۰ پيپ در مقابل يورو و پوند ضعيف شد.

حوادث غير قابل پيش بيني تاثيرات ناگهاني بر بازار دارند، كه بسيار دور از انتظار است براي مثال زماني كه خبر انفجارهاي لندن منتشر شد ظرف چند ثانيه پوند در مقابل دلار ۷۰ پيپ ضعيف شد.

كسانيكه براي مدت زيادي در بازارهاي مالي فعاليت دارند شاهد حوادث و اتفاقاتي بوده اند كه شايد درنگاه اول تاثير انهاغير واقعي به نظر برسد اما اين اتفاقات رخ داده اند و بازهم امكان رخ دادن انها هست. رسوايي هاي سياسي اقتصادي، جنگها، نتايج انتخابات و هر حادثه ديگري ميتواند تاثير خاصي بر بازار بگذارد.



ين ژاپن

پس از ايالات متحده كشور ژاپن با فاصله نه چندان كمي در رده دوم اقتصاد جهان قرار گرفته است.

اقتصاد ژاپن بر مبناي صادرات قرار گرفته است به همين خاطر بانك مركزي ژاپن (BOJ) تمايلي به قوي شدن پول ملي ندارد و حتي گاهي اوقات براي جلوگيري از اين امر در بازار دخالتهاي انجام ميدهد.

از انجاييكه ژاپن منابع نفتي ندارد بزرگترين وارد كننده خالص نفت دنياست (واردات خالص به معني تفاوت صادرات و واردات يك محصول است) به همين دليل نوسانات قيمت نفت تاثير زيادي بر روي ين ژاپن دارد.

اين اقتصاد بزرگ در هفت سال گذشته در ركود به سر ميبرد و نرخ بهره براي مدت زيادي در صفر قرار گرفته بود و بانك مركزي ژاپن (BOJ) با مشاهده علائمي از تورم ،براي بالا بردن نرخ بهره اقدام كرد و در حال حاضر اين نرخ معادل ٠.٥ درصد ميباشد.

بازار سهام ژاپن يكي از جذاب ترين بازار هاي دنياست و سرمايه گذاران حرفه اي هميشه نوسانات اين بازار را مد نظر دارند.

با توجه به اينكه نرخ بهره ين ژاپن فعلا در نقطه پايينی قرار دارد، سرمايه گذاران بلند مدت تمايل دارند تا ارزهايي را كه نرخ بهره بالا دارند در مقابل ين خريداري كنند، به اينگونه معامله گران Carry Trader گفته ميشود كه از تفاوت بهره بانكي به ازاي هر روز باز ماندن پوزيشن استفاده ميكنند. از سال ٢٠٠٥ تا ٢٠٠٧ يك روند صعودي بر روي زوج ارزهاي GBP/JPY,EUR/JPY, AUD/JPY, NZD/JPY وجود داشت و نرخها به ركوردهاي بالايي رسيدند.

مواردي كه ميتوانند ين را تحت تاثير قرار دهند:

وزارت اقتصاد Ministry of Finance (MoF)

اين نهاد اقتصادي و سياسي ژاپن در مواردي براي جلوگيري از قوي يا ضعيف شدن ين از ابزارهاي كلامي استفاده مي‌كند.

نرخ بهره (Interest Rate)

ابزار مورد استفاده بانك مركزي ژاپن

اوراق قرضه ژاپن Japanese Government Bonds (JGBs)

بانك مركزي ژاپن هر ماه مقداري اسناد ۱۰ ساله و ۲۰ساله ***خريداري*** مي‌كند دليل اين امر تزريق متناسب پول به سيستم مي‌باشد. ميزان سود اين اسناد به عنوان شاخص بلند مدتي براي انتظار اينده از تفاوت نرخ بهره بانكي ،عمل مي‌كند و به صورت ديگر، تفاوت سود اين اوراق و سود اوراق ۱۰ ساله خزانه امريكا شاخصي است براي انتظار اينده از تفاوت نرخ بهره دو بانك.

براي مثال اگر قيمت JGBs پايين بيايد (سود انها بالا برود – در اينجا ذكر اين نكته لازم است كه اين اوراق توسط بانك *خريداري* شده اند و در قبال انها پول وارد جامعه شده است.) به معناي قوي شدن ين و ضعف دلار خواهد بود.

سازمان طراحي اقتصادي Economic Planning Agency (EPA)

سازماني دولتي است كه مسئول طراحي برنامه هاي كلان اقتصادي و همكاري در سياستگزاري اقتصادي شامل: اشتغال، تجارت بين المللي و امور مرتبط با بازار فاركس مي‌باشد.

وزارت صنايع و تجارت بين الملل Ministry of International Trade and Industry (MITI)

موسسه اي دولتي است كه هدف اصلي ان دفاع از توان رقابتي محصولات ژاپني در بازارهاي بين المللي مي‌باشد.

شاخص سهام پيشرو Leading stock index (NIKKEI-225)

كاهش قابل ملاحظه در ارزش ين معمولا باعث ميشود سهام شركتهاي وابسته به صادرات رشد قيمت داشته باشند و اين مساله به رشد كلي بازارسهام دامن ميزند.

تاثير جفت ارزهاي ديگر Cross Rate Effect

تغيير قيمت يورو در مقابل ين ميتواند بر جفت ارز USD/JPY تاثير بگذارد فرضا قوي شدن دلار در مقابل ين ميتواند نتيجه بالا رفتن EUR/JPY باشد تااينكه نتيجه مستقيمي از قدرت دلار باشد.

شاخصهاي اقتصادي در ژا پن

تحقيق تانكن Tankan Survey

مهمترين تحقيق تجاري ژاپن به شمار مي‌ايد كه هر سه ماه يكبار توسط بانك مركزي ژاپن منتشر ميشود.اين تحقيق شامل پرسشهايي از شركتهاي توليدي و خدماتي مي‌باشد كه شامل دو بخش ميشود:

- Judgment Survey تحقيقي است در مورد وضعيت گذشته، حال و اينده :متغيرهاي كلان اقتصادي، وضعيت تجاري، موجودي انبارها، ميزان استفاده از ظرفيت و سطح اشتغال.

- Current Management Issues ميپردازد به مسائل مديريتي كه شركت با انها روبرو است.

در واقع اين شاخص هم مثل IFO حاصل تفاضل خوش بيني ها و بدبيني ها نسبت به وضعيت مي باشد كه با روشهاي اماري اصلاح مي‌شود.

Tokyo CPI

همان شاخص CPIهست كه هر ماه در توكيو تهيه ميشود.

Machine Tool Orders

همينطور كه از نام اين شاخص مشخص است ميزان سفارش تجهيزات و ماشين آلات را در بخش خصوصي نشان ميدهد.

Convenience Store Sales

روند مخارج روزانه را نشان ميدهد.

Workers Household Spending

اين شاخص ميزان درامد و هزينه خانوار را محاسبه مي‌كند.شاخص بسيار مهمي است زيرا تقريبا ۶۰درصد GDP در ژاپن به مخارج مصرف كنندگان مرتبط ميشود.

Eco Watchers

اين شاخص برداشت عمومي مصرف كنندگان از وضعيت اقتصاد را به تصوير ميكشد.جالب است كه بدانيد اين تحقيق از كساني صورت ميگيرد كه به طور مستقيم با مصرف كنندگان در ارتبط هستند به طور مثال: رانندگان تاكسي، آرايشگران و پيشخدمت ها .

Large Retailers

اين شاخص از فروشگاههاي بزرگ و زنجيره اي تهيه ميشود كه درصدي از مخارج مصرف كنندگان را به خود اختصاص ميدهند.



يورو اتحاديه اروپا

تعدادي از شاخصها مشابه اقتصاد امريكا در اروپا هم مورد استفاده قرار ميگيرند ما در اينجا شاخصها و گزارش هايي را معرفي ميكنيم كه مختص منطقه يورو هستند.

منطقه يورو شامل ۱۳كشور است كه واحد پول مشترك "يورو" را پذيرفته اند اين كشورها عبارتند از : آلمان، فرانسه، ايتاليا، اسپانيا، هلند، بلژيك، اتريش، فنلاند، پرتغال، ايرلند، لوكزامبورگ، يونان و اسلوونی.

در اين ميان وضع اقتصادي آلمان، فرانسه و ايتاليا بيشترين تاثير را بر يورو دارد.

حجم زياد اين واحد پولي در بازارها باعث شده كه بانكهاي مركزي اروپايي و ديگر بانكها از ان به عنوان واحد پولي رزرو استفاده كنند و حتي ذخاير دلاري خود را تاحدي به

يورو تبديل كنند كه اين مساله در بلند مدت يك فاكتور مثبت به شمار مي‌ايد.

از انجاييكه بانكهاي اروپايي درب خود را به روي بازارهاي نوپاي اسيايي و امريكاي لاتين گشوده اند هرگونه ناارامي در اين مناطق ميتواند به زيان يورو و GDP در منطقه يورو تمام شود.

عوامل تاثير گذار بر يورو

بانك مركزي ارو پا European Central Bank (ECB)

سياستهاي پولي و مالي منطقه يورو را مشخص مي‌كند و هدف اصلي اين بانك تا به حال تثبيت قيمتها بوده است.

نرخ بهره Interest Rate

ابزار اصلي بانك مركزي براي اجراي سياستها مي‌باشد

اوراق ۱۰ ساله دولتي 10-year government bond

اين اوراق نقش مهمي در نوسانات ارز دارند به مانند ديگر مناطق تغيير سود اين اوراق چشم اندازي از وضعيت اينده ارز به دست ميدهد.

تاثير جفت ارزهاي ديگر Cross-rate effect

فرض كنيم خبرهاي مثبتي از اقتصاد ژاپن منتشر شود يورو در مقابل ين ضعيف ميشود . نتيجه جانبي ان ممكن است ضعف يورو در برابر دلار هم باشد.

مورد ديگر همبستگي منفي بسيار قوي بين USD/CHFو EUR/USD مي‌باشد، در واقع اگر نمودار اين دو جفت ارز را بر هم نطبق كنيم خواهيم ديد كه كاملا قرينه هستند گاهي اوقات ميتوان از اختلاف فاز بين حركتها استفاده كرد فرضا اگر يكي از جفت ارزها سطح مقاومت مهمي را شكسته باشد جفت ارز ديگر هم در اينده اي نزديك سطح حمايتي متناسب را خواهد شكست.

عوامل سياسي

به مانند ديگر ارزها يورو هم نسبت به شرايط عدم اطمينان سياسي حساسيت نشان ميدهد انتخابات و اعتصاب ها تاثير خاصي بر يورو دارند مخصوصا در كشورهاي آلمان، فرانسه، ايتاليا و اتريش.

شاخص هاي اقتصادي

ZEW Economic Survey

تحقيقي است كه ميزان خوشبيني يا بدبيني تحليلگران اقتصادي نسبت به وضعيت اقتصادي ۶ ماه اينده در المان را نشان ميدهد

IFO Economic Survey

ميزان اطمينان تجاري در المان را نشان ميدهد و هر ماه توسط موسسه تحقيقات اقتصادي منتشر ميشود.

مقادير قبلي اين شاخص به دقت توسط سرمايه گذاران دنبال ميشود تا هر گونه تغييري در وضعيت اقتصادي در رادار انها نمايان باشد.

اين تحقيق تقريبا از ۷۰۰۰ شركت صورت ميگيرد كه نظر انها در مورد وضعيت حال و انتظار انها از وضعيت اينده موضوعات اصلي تحقيق هستند.

Current Account

در اين گزارش ميزان تراكنش تجاري بين اتحاديه اروپا و ديگر كشورهاي جهان تحليل ميشود.

L

اين شاخص دارائي هاي بلند مدت را شامل ميشود از جمله اوراق قرضه، پذيره هاي بانكي، اوراق خزانه و دارايي هاي يورو دلار.

M1

اين شاخص نشان دهنده تمام حسابهاي قابل تبديل به پول نقد مي باشد كه شامل پول نقد، چكهاي مسافرتي، مبالغ قابل تبديل به چك و اعتبارات جاري مي‌باشد.

M2

شامل M1 بعلاوه دارايي هاي ديگر مانند سپرده هاي كوتاه مدت، پس اندازها، سپرده هاي ارزي و موارد ديگري مي‌باشد كه توضيح انها در اينجا نميگنجد.

M3

اين شاخص شامل M2 بعلاوه سپرده هاي ويژه و سپرده هاي بالاي ۱۰۰۰۰۰ دلار و مبالغ متعلق به موسسات مالي مي‌باشد.

GDP

Unemployment Rate

CPI

Industrial Production

Factory Order

Retail Sale

Labor Cost

PMI

اين شاخصها از نظر ماهيت و تاثير مشابه اقتصاد امريكا هستند.



پوند بريتانيا

وضعيت اقتصادي بريتانيا تا حد زيادي شبيه به اروپا مي باشد و نوسانات پوند و يورو در برابر دلار از همبستگي خوبي برخوردار است.

عوامل تاثير گذار بر پوند

بانك مركزي انگليس Bank of England (BoE)

در سال ۱۹۹۷ بانك مركزي انگليس اجازه يافت تا به طور مستقل درباره نرخ بهره ، در جهت تثبيت قيمتها، تصميم گيري كند و اين سياست گزاري براساس تورم مورد انتظار دولت صورت ميگيرد.البته بانك مركزي انچنان هم مستقل به نظر نميرسد چون هنوز هم براي توافق بر نرخ مورد انتظار تورم جلساتي را با خزانه تشكيل ميدهد.

نرخ بهره Interest Rate

ابزار اصلي بانك مركزي براي اجراي سياستها مي‌باشد.

اوراق ممتاز دولتي Gilts

بازار هميشه تفاوت سود اوراق ۱۰ ساله بريتانيا را با اوراق ۱۰ ساله خزانه امريكا مورد نظر دارد.

خزانه Treasury

خزانه هدف تورمي مورد انتظار را براي بانك مركزي مشخص مي كند هرچند نقش خزانه از سال ۱۹۹۷ در اين امر كاسته شده است.

- پيوستن به واحد پول ارو پايي

هرگاه نخست وزير بريتانيا در مورد امكان پيوستن اين كشور به واحد پولي يورو مطلبي را بيان مي‌كند بازار واكنش نشان ميدهد .اگر مطالب در جهت پيوستن باشد از انجاكه نرخ بهره انگليس بايد با يورو يكسان شود كه در حال حاضر اين مساله به نفع پوند نيست .

شاخص سهام پيشرو FTSE-100) Leading stock index)

همبستگي بسيار خوبي بين FTSE-100 و شاخص صنعتي داوجونز – كه يكي از قوي ترين بازارهاي جهاني است – وجود دارد و اين شاخص هميشه در رادار سرمايه گذاران وجود دارد.

تاثير جفت ارزهاي ديگر Cross-rate effect

از انجاييكه پوند خارج از منطقه يورو مي‌باشد هرگونه عدم اطمينان به يورو سرمايه هاي نقد را به سوي پوند حركت ميدهد. نرخ اصلي كه اين تاثيرات را ميتوان در ان مشاهده كرد EUR/GBPمي باشد.

شاخص هاي اقتصادي بريتانيا

شاخص مولفه هاي پيشرو اقتصادي Index of Leading Economic Indicators (LEI)

اين شاخص بر اساس موارد مختلفي به دست مي ايد از جمله: موجودي انبارها، سفارش ها، فرصتهاي شغلي، شاخص هاي قيمت، عرضه پول، سود شركتها و ميزان اطمينان تجاري.

سه كاهش متوالي در اين شاخص نشان دهنده ركود مي باشد.

Current Account

در اين گزارش ميزان تراكنش تجاري بين بريتانيا و ديگر كشورهاي جهان تحليل ميشود.

RICS House Balance

شاخصي براي اندازه گيري تورم در بخش مسكن است.

Nationwide House Prices

اين شاخص نشان دهنده تغييرات قيمت مسكن مي‌باشد

BRC Shop Price Index

اين شاخص تغيير قيمت در بخش خرده فروشي را به تصوير ميكشد و نشان دهنده ميزان تورم در مورد اقلامي است كه بيشتر خريداري ميشوند.

CIPS Service

ميزان فعاليت در بخش خدمات را نشان مي دهد.

CIPS Manufacturing

ميزان فعاليت در بخش توليدات را نشان ميدهد.

CBI Industrial Trends Survey

اين شاخص كه در بخش توليدات تهيه ميشود اطلاعات زيادي را شامل ميشود از جمله سفارشها، موجودي انبارها، ميزان خروجي، سطح اطمينان تجاري، فشارهاي هزينه اي و ظرفيت مورد استفاده.

CBI Distributive Trades Survey

این گزارش از ۵۰۰ تا ۶۰۰ شرکت که در زمینه توزیع فعالیت دارند تهیه میشود و وضعیت این بخش را نشان میدهد.

GDP

Unemployment Rate

CPI

Industrial Production

Factory Order

Retail Sale

این شاخصها همانند اقتصاد امریکا هستند.



فرانک سوئيس

فرانك سوئيس بيشتر از وقايع خارجي تاثير مي پذيرد، گرچه اخبار اقتصادي داخلي هم بي تاثير نيستند.

فرانك مطمئن ترين ارز جهان به شمار مي‌ايد كه در بحرانهاي سياسي اقتصادي قدرت ميگيرد. سه عامل مهم در جهت افزايش نرخ فرانك:

- نگراني از وضعيت اتحاديه اروپا

- بحران در خليج فارس

- ناارامي در بازارهاي نوپا به خصوص روسيه و كشورهاي اروپايي غير عضو دراتحاديه

در پايان بحران ها معمولا فرانك به حالت قبلي باز ميگردد. امتياز فرانك در ميان ارزها از موقعيت سياسي اين كشور از

دوران گذشته و نيز استقلال كامل بانك مركزي در امنيت سپرده ها مي باشد.

موارد تاثيرگذار بر فرانك سوئيس

بانك مركزي سوئيس(Swiss National Bank (SNB

اين بانك با اينكه استقلال بسيار زيادي در تصميم گيري هاي خود دارد، سياست به خصوصي را در مورد بازارهاي پولي دنبال نمي كند. مقامات بانك سوئيس در مواردي با ذكر مطلابي در مورد عرضه پول موارد ديگر بازار را تحت تاثير قرار ميدهند.

نرخ بهره Interest rates

بانك سوئيس از نرخ بهره وامهاي بانكي براي نشان دادن تغيير در تصميم گيري هاي پولي استفاده مي‌كند.

تاثير جفت ارزهاي ديگر Cross Rate Effect

تغيير در GBP/CHF, EUR/CHF ميتواند نرخ دلار نسبت به فرانك را تحت تاثير قرار دهد از سويي به خاطر نزديكي سوئيس و المان و نيز وابستگي اقتصاد سوئيس به اروپا ،نوسان USD/CHF ,EUR/USD از همبستگي منفي بسيار قوي برخوردار ميباشند، در واقع اگر نمودار اين دو جفت ارز را بر هم منطبق كنيم خواهيم ديد كه كاملا قرينه هستند گاهي اوقات ميتوان از اختلاف فاز بين حركتها استفاده كرد، فرضا اگر يكي از جفت ارزها سطح مقاومت مهمي را شكسته باشد جفت ارز ديگر هم در اينده اي نزديك سطح حمايتي متناسب را خواهد شكست.

طلا

از ديرباز يك رابطه مستقيم بين فرانك سوئيس و طلا وجود داشته است چون هر دو در شرايط بحراني نقش پشتوانه اي داشته اند .

شاخصهاي اقتصادي

از نظر شاخصهاي اقتصادي شبيه ديگر اقتصادهاي منطقه است اين شاخصها را در اقتصاد سوئيس داريم:

GDP

Unemployment Rate

CPI

Industrial Production

Factory Order

Retail Sale

علاوه بر اينها چند گزارش مهم هم در اين كشور وجو دارد كه بدون ذكر جزئيات انها را نام مي بريم:

KOF Swiss Leading Indicator

گزارشي مشابه LEI در اقتصاد اروپا كه توسط اين موسسه Swiss Institute for Business Cycle Research اعلام ميشود.

SVME

شاخصي شبيه به گزارش PMI در امريكا هست .

UBS Consumption Indicator

بانك UBSسوئيس از جمله بزرگترين و معتبرترين بانكهاي سوئيس و دنيا به شمار مي‌ايد تحقيقات اين بانك از ميزان مصرف شاخص مهمي در اقتصاد سوئيس هست و معادل Personal Consumption اقتصاد امريكا مي باشد.



دلار كانادا

اين كشور از نظر حجم پول در بازارهاي جهاني در سطح پاييني قرار دارد اما از نظر اقتصادي تقريبا بزرگترين شريك تجاري ايالات متحده محسوب ميشود. اين كشور هشتمين ذخاير نفتي جهان را در خود جاي داده است و نسبت به منابع نفتي ديگر ،مسير نزديكي را تا بزرگترين مصرف كننده انرژي جهان يعني ايالات متحده، دارد. از اين رو USD/CAD حساسيت زيادي نسبت به نوسانات نفت نشان ميدهد به گونه اي كه در اثر افزايش قيمت نفت از ماه مي سال ۲۰۰۵ تا ماه مي ۲۰۰۶ دلار كانادا تقريبا ۲۷ درصد قويتر شده بود و اين در حالي بوده كه تمام ارزها در سال ۲۰۰۵ در برابر دلار ضعيف شده اند، همين مساله باعث جذابيت جفت ارزهاي فرعي مانند EUR/CAD يا CAD/JPY شد، و همچنين از ابتداى سال ۲۰۰۷ تا ماه سپتامبر دلار

كانادا تحت تاثير افزايش قيمت نفت و طلا چيزی در حدود ۲۵۰۰ پيپ در برابر دلار امريكا افزايش داشت.

كانادا همچنين سومين ذخاير طلا را به همراه استراليا در اختيار دارد و افزايش نرخ طلا هم در اين مدت به قدرت گرفتن پول مردم كانادا كمك كرده است.

اين ارز به خاطر حجم كم معمولا در حركتها خيلي پرنوسان عمل مي‌كند فرضا ممكن است ظرف ده دقيقه حركتي معادل ۱۰۰ پيپ داشته باشد و ۶۰ پيپ از حركت را برگردد در اصطلاح Shadow هاي بزرگي دارد.

ديگرعوامل تاثير گذار بر دلار كانادا بانك مركزي كانادا Bank of Canada (BoC) و نرخ بهره Interest Rate مي باشند كه ابزار اساسي بانك مركزي براي كنترل تورم و ركود هست.

از نظر شاخص هاي اقتصادي هم تا حد زيادي مشابه اقتصاد ايالات متحده مي باشد .



دلار استراليا

در بين ارزهاي مهم موجود در بازار در زمان اخرين به روز رساني (اوريل ۲۰۰۸) پس از دلار نيوزلند دلار استراليا بالاترين نرخ بهره يعني ۷.۲۵ درصد را دارد و از اين حيث بسيار مورد توجه است ، در برابر ارزهايي با بهره پايين مانند ين ژا پن خريداران زيادي دارد. نوسان اين ارز تقريبا از روند ديگر ارزهاي اصلي (غير از دلار كانادا) تبعيت مي‌كند اما كمي ارامتر حركت مي‌كند فرضا به صورت سرانگشتي اگر يورو در مقابل دلار ۱۰۰ پيپ قوي شود اين ارز حدود ۶۰ پيپ قوي خواهد شد (اين يك قاعده تقريبي است) .

همان‌طور كه ذكر شد استراليا به همراه كانادا سومين ذخاير طلاي دنيا را در اختيار دارد اما زياد از اين فاكتور تاثير نمي‌پذيرد و از روند كلي بازار تبعيت مي‌كند.

دولت‌هاي استراليا و كانادا تحت الحمايه بريتانياي كبير محسوب مي‌شوند و از نظر سياسي از ايستايي خوبي برخوردار هستند.

بانك مركزي استراليا Reserve Bank of Australia (RBA) مهمترين نقش را در سياست‌هاي مالي اين كشور دارد.

شاخص‌هاي اقتصادي اين كشور شبيه به اقتصاد امريكا هستند و تاثير انها در اين ارز كوتاه مدت مي‌باشد، در صورتيكه در بلند مدت روند كلي ديگر ارزهاي مهم همه چيز را مشخص مي‌كند.

نرخ ارزهاي كشورهاي مختلف در زمان اخرين به روز رساني (اوريل ۲۰۰۸)

 ***NZD 8.25%***

 ***AUD 7.25%***

 ***GBP 5.00%***

 ***EUR 4.00%***

 ***CAD 3.50%***

 ***CHF 2.75%***

 ***USD 2.25%***

 ***JPY 0.50%***

پس از آشنايي با اقتصاد كشورهاي مختلف به روشني ديده مي شود كه اقتصاد كشوري مثل ايران بيشتر شبيه به يك ماشين كهنه و فرسوده با بازده بسيار پايين عمل ميكند و تنها چيزي كه ان را سر پا نگه داشته است امتيازات طبيعي و ژئوپليتيك منطقه است، سرمايه گزاري در بازار بورس ايران كار بسيار خطرناك پر ريسكي به شمار ميرود چرا كه در اين بازار:
- شفافيت اطلاعات وجود ندارد اطلاعات محرمانه شركت ها به شكل هاي مختلف نشت مي كند و در اين ميان تقلب هاي بزرگي هم صورت ميگيرد، تصميم هاي مجمع شركتها با صلوات فرستادن حضار تصويب ميشود و در يك كلام يك بازار كاملا غير علمي به شمار ميرود.

Liqudity بسيار پايين است و به راحتي صف خريد يا فروش تشكيل مي شود و روش خريد و فروش هم به شكل خيلي ابتدايي و سنتي و كند صورت ميگيرد.

سيستم اقتصادي كشور هم بازتابي از همين اوضاع است ، دخالت دولت در اقتصاد در مواردي لازم است اما دخالت ناگاهانه عواقب جبران ناپذيري به همراه دارد، بانك مركزي با هدف كاهش تورم نرخ بهره را به يكباره ۴درصد كاهش داد چيزي كه در يك اقتصاد علمي به صورت تدريجي در طول ماهها صورت ميگيرد و مطمئنا نتيجه معكوس اين سياستها دور از انتظار نخواهد بود.

بزرگترین معضل اقتصاد ایران دولتی بودن آن است ومتاسفانه شکل خصوصی آن هم در دهه اخیر به صورت ناقص الخلقه متولد شده است که نه تنها مشکلات اقتصاد بیمار ایران را حل نکرده بلکه بر مشکلات قبلی آن هم افزوده است.دیگر معضل اقتصاد ایران به جای تولید محوری،دلال محوری و راس آن خود دولت و سیستم حاکم بر آن است،در این سیستم همه به تنها چیزی که فکر می کنند حاکمیت پول می باشد و نه جوهره کار.

دیگر زاییده های اقتصاد در ایران امروز،سعی و خطا و اعمال سلیقه های فردی در اقتصاد می باشد که باعث به هدر رفتن میلیاردها تومان سرمایه و میلیاردها ساعت زمان می باشد، رانت،رشوه،فساد و بی بندوباری در هزینه ها و عدم تعهد اخلاق حرفه ای بیداد می کند .

درد فعلی اقتصاد، همان بیماری هلندی (Dutch Disease) می باشد که هیچ درمانی هم برای آن اندیشیده نشده است.

در ایران مساله ساخت وساز به عنوان یک محک شناخته شده است که در صورت فعال بودن این صنعت خیلی از قسمت های دیگر اقتصاد ایران نیز پویا خواهد شد اما متاسفانه این مساله نیز مانند بسیاری از تزهای دیگر کشور لاینحل باقی مانده است.

در حال حاضر - سال ۸۷ - كه عواقب دخالت نااگاهانه در اقتصاد پديدار شده است تصميم گيرندگان اقتصادي انگشت تعجب به دهان برده اند كه چرا اقدامات ضد تورمي آنها اثر معكوس به بار آورده است و دچار توهم توطئه مي شوند. به وضوح مي توان ديد كه اقتصاد ايران بازيچه دست كساني شده است كه هيچ اگاهي از اداره يك سيستم اقتصادي ندارند و ساده لوحانه مي پندارند كه تنها با يكباره پايين اوردن نرخ بهره ميتوان فشار تورمي را كم كرد.

ناهماهنگي و چند مديره بودن پروژه هاي مختلف، ناكارامد بودن مديرانِ رابطه اي و از طرفي سرمايه اي كه بدون هيچ زحمتي به دست امده است، جايي براي اميد به اينده اقتصاد ايران به جاي نمي گذارد. البته وصد البته صحبت در مورد اقتصاد ايران چه خرد وچه كلان آن ،قصه هفتاد من مثنوی می طلبد.



تحلیل تکنیکال

در هر بازاری رفتار اکثریت معامله گران مهمترین فاکتور برای تصمیم گیری میباشد از دیدگاه محض و ریاضی این رفتار تنها و تنها در قیمت نمود پیدا میکند و برای مشخص شدن تغییر قیمت در طول زمان ما نیاز به نموداری داریم که این تغییرات را نشان دهد و همه چیز در همین نمودار خلاصه می شود به همین خاطر به کسانی که شیفته تحلیل تکنیکال بازار هستند چارتیست هم میگویند.

سه اصل مهمی که تحلیل تکنیال کلاسیک بر اساس ان استوار است به این شرح می باشد:

۱- قیمت در بازار حرف اول و آخر را مي زند.

۲- قیمت در جهت روند حرکت مي کند.

۳- تاریخ تکرار مي شود.

در توضيح اصل اول بايد گفت كه در برخي موارد تمام شواهد و قرائن از نظر فاندامنتال بر بالا رفتن قيمت تاكيد مي كنند اما قيمت بر خلاف آن ها عمل مي كند، و از قوانين خاصي تبعيت مي كند

اصل دوم وجود نوعی اینرسی را در قیمت بیان کند به این مفهوم که قیمت میل به حفظ روند قبلی خود را دارد و اگر بخواهد تغییر روند پیدا کند این تغییر روند ناگهانی نخواهد بود بلکه به تدریج صورت خواهد گرفت.

اصل سوم به این مفهوم است که موقعیتی که درگذشته رخ داده است دوباره هم امکان رخ دادنش وجود دارد مثلا اگر قیمت طلا در دورانی به ۱۰۰۰ دلار به ازای هر انس(۳۱ گرم) رسیده و از انجا نزول کرده بار دیگری هم که به این قیمت برسد ولو چند سال بعد باشد به احتمال زیاد نزول خواهد کرد.

برخي از تحليلگران جديد اين اصل را قبول ندارند و بر اين عقيده هستند كه هميشه اتفاقات جديدي روي مي دهد كه موضعيتي متفاوت با گذشته را ايجاد ميكند.

تفاوت اساسي رويكرد فاندامنتال و تكنيكي در اصل اول نهفته است، در واقع اگر همه انسان ها كه در اينجا همان معامله گران هستند، احساسي عمل نمي كردند و محيط اطراف يكپارچه و مشابه بود، تحليل فاندامنتال هميشه درست عمل مي كرد.

ابزارهاي تحليل تكنيكال شاخص ها Indicators ، الگوهاي نموداري Patterns ، و سيستم هاي ترید هستند. اين ابزار روي نمودارها اعمال مي شوند، در تحليل تكنيكال نمودار عنصر اصلي است. ميانگين متحرک Moving Average، خط هاي حمايت و مقاومت و باندهاي بولينگر همه مثال هايي از شاخص هاي تكنيكال مي باشند.

براي موفقيت در بازار بايد در هر دو زمينه تبحر كسب كرد، از اخبار سياسي و اقتصادي مطلع بود، تحليل گزارش ها و شاخص هاي اقتصادي راخواند و در واقع تريدر بايد در جو بازار باشد. تحليل تكنيكال بر خلاف ظاهر پيچيده اي كه دارد ، مسلط شدن بر ان كار مشكلي نيست.

تحليل تكنيكال خود محتاج كتاب جداگانه اي است و از انجاييكه كتابهايي هم در اين زمينه ترجمه شده اند، لذا بهتر است خوانندگاني كه با تحليل تكنيكال اشنايي ندارند به اين كتابها مراجعه كنند.



روانشناسي ترید

مقدمه

روانشناسي يا به زبان ديگر خودشناسي براي يك تريدر نقش بسيار مهمي را ايفا مي كند. تبعيت از قوانين ترید در نگاه اول كار بسيار ساده اي به نظر مي‌رسد اما احساسات انساني بسيار قدرتمندتر از آن هستند كه به نظر مي آيند و جاي تاسف دارد كه بسياري از تريدرها كه از پشتوانه علمي خوبي برخوردارند در اين زمينه به بن بست ميرسند. مهمترين احساسات دخيل در ترید ترس و طمع (Fear & Greed)

هستند. در اين بخش در مواردي به خاطر وجود بار معنايي براي برخي كلمات تنها واژه لاتين را به كار مي بريم.

بحث كامل در اين مورد نيازمند كتاب يا كتاب‌هاي مستقلي مي‌باشد. در واقع تبديل شدن به يك تريدر يعني كسي كه از اين راه به موفقيت مي رسد، مثل هر حرفه ديگري نياز به تلاش و گذراندن مراحلي دارد كه از هر شغلي مشكل تر است. در مشاغل ديگر همه چيز مشخص است، راه و مدت زمان پيمودن راه معلوم است اما در اين حرفه تنها يكسري قواعد كلي وجود دارد و فرد بايد از هوش و ذكاوت و مهم تر از همه پايداري خودش در اين راه استفاده كند.

ترید پر زرق و برق ترين و هيجان انگيزترين كاريست كه در دنيا وجود دارد اين مساله باعث مي شود كه سالانه افراد بيشماري با روياي ثروت يك شبه به سمت اين حرفه بيايند و چيزي حدود ۹۰ درصد از اين افراد پس از زمان كوتاهي با سرخوردگي از آن خارج مي‌شوند.

اين كار با هيچ كار ديگري در دنيا قابل مقايسه نيست تنها بايد يك Burning Desire در شخصي كه ميل به موفقيت دارد وجو داشته باشد و Faith نسبت به درست بودن هدف. بسياري از كساني كه در نيمه هاي راه باز ميگردند كساني هستند كه يكي از اين دو را از دست ميدهند. كسي كه در راهي وارد مي شود بايد حاضر باشد براي موفقيت از همه

چيزش بگذرد اما همان ۹۰ درصد به خاطر عدم شناخت خيلي زود مي آيند و خيلي زود مي روند.

براي ترید يا هر كار ديگر بايد يك چارچوب كاري كاملا مشخص وجود داشته باشد و هر تريدر بايد به تنهايي اقدام به ساختن سيستم و چارچوب كاري خود بكند.

ما در اينجا به تعريف استراتژي و سيستم مي پردازيم. يك سيستم يا يك استراتژي بايد شامل چند ويژگي مهم باشد:

- نقطه ورود مشخص: به اين مفهوم كه براي تريدر نقطه ورود به بازار و دليل ان معلوم باشد.

- حد ضرر: شما قبل از ورود به بازار بايد بدانيد كه حاضر به قبول چه مقدار ضرر هستيد و اين حد ضرر بر چه مبنايي در نظر گرفته مي شود.

- حد سود: در صورتيكه بازار در جهت دلخواه پيش رفت بايد سياستي را براي خروج از پوزيشن داشته باشيم. در برخي از سيستمها در همان ابتدا نقطه خروج مشخص است اما در برخي ديگر بسته به شرايطي كه پيش مي اید براي اين مساله تصميم گيري مي شود.

- مديريت پول: سياستهاي زيادي براي مديريت پول وجود دارند و يك استراتژي خوب از روش متناسب با خود بهره ميگيرد فرضا براي يك پوزيشن چقدر از كل سرمايه اختصاص داده شود يا اگر بازار در جهت مثبت حركت كرد

نيمي از پوزيشن را ببنديم ي حتي در صورت حركت در جهت دلخواه به پوزيشن بيافزاييم. ممكن است سيستمي با يك مديريت پولي بازده بسيار خوبي بدهد اما با يك سياست پولي ديگر بسيار زيان ده شود لذا اين مساله از اهميت بالايي برخوردار است.

- مديريت زمان: فرد بايد بداند كه ترید هم مثل هر كاري به نظم احتياج دارد، در زمان مشخصي كار شروع مي شود و در زمان ديگري هم به پايان ميرسد. در انتخاب زمان بايد به ساعات بازگشايي بازارهاي مختلف دقت كرد.

- مديريت انرژي: فرد براي ترید كه هر لحظه با تصميم گيري سرو كار دارد، به انرژي بسيار زيادي نياز دارد لذا مديريت انرژي اهميت خاصي دارد. فرضا فرد در ساعاتي كه خبري در بازار نيست و حجم بسيار پايين است با استرس چشمانش را به مونيتور ميدوزد و منتظر وقوع معجزه است، در اين حالت فرد از انظر انرژيكي تخليه شده است و زمانيكه خبرها منتشر ميشوند و بازار شروع به حركت ميكند، فرد توان تصميمگيري و واكنش به موقع را ندارد و ضربه هاي زيادي را متحمل ميشود.

- توجه به حجم: حجم در بازار فاكتوري بسيار اساسي به شما مي رود اما در فاركس مرجعي براي مشخص كردن حجم وجود ندارد جز اينكه بدانيم درموقع انتشار اخبار حجم زياد ميشود و يا در نتيجه انتشار يك خبر يا مشخص شدن سياست

مالي يك كشور، بازار به مدت چند روز تحت تاثير قرار ميگيرد.

اين ويژگيها براي هر استراتژي لازم و ضروري است با اينكه در برخي موارد سيستمهايي ديده ميشوند كه فرضا "حد زيان" ندارند يا اصلا به "مديريت پول" توجهي نشان نمي دهند، اما نتيجه اين استراتژي ها در بلند مدت زيانبار است.

هر سيستمي دوره سود و دوره زيان دارد و فردي كه به سيستم خود مطمئن است هميشه بر اساس ان عمل ميكند و با بينش خاصي در دوره زيان از ترید دوري ميكند و در دوره سود به ترید مي پردازد

گام های اساسي براي موفقيت در ترید (و البته در هر كاري)

پذيرش مسئوليت كامل

براي يك تريدر موفق مسئوليت تمامي اعمال و تصميمگيري هايي كه انجام ميدهد **تنها و تنها** بر عهده خودش است. شما هيچگاه با تريدر موفقي روبرو نمي شويد كه به خاطر اشتباهش فرد ديگري را سرزنش كند.

زمانيكه مسئوليت هر كاري را كه انجام ميدهيد بر دوش خود بگيريد در واقع در را به روي هرگونه بهانه اي مي بنديد و هرگاه اشتباهي رخ داد به جاي اينكه به دنبال شانه خالي كردن

و سرزنش فرد ديگري باشيد، اشتباه خود را خواهيد پذيرفت و وقتي دليل واقعي اشتباه را پيدا كرديد ديگر **هرگز** آن را تكرار نخواهيد كرد اين مساله يك فرايند حياتي براي هر تريدر موفقي مي باشد.

ايا مي توانيد تصور كنيد كه يك تريدر حرفه اي پس از يك زيان ميليون دلاري وضع كلي بازار را سرزنش كند يا از پيشنهاد هاي بروكر خود عصباني باشد؟ به هيچ وجه.

حرفه اي ها وقتي كه اشتباه ميكنند يك سئوال مهم از خودشان مي پرسند:

آيا من از قواعد خودم تبعيت كردم؟

اگر جواب مثبت باشد، شخص به دنبال اشكال موجود در قواعد كاري مي گردد تا انها را تصحيح كند ،اما در اكثر موارد جواب اين سئوال يك **"نه"** بزرگ است.

در صورتيكه جواب نه باشد تريدر بايد به خودش پاسخگو باشد كه: چرا *من* از قواعدم تبعيت نكردم؟ *من* چگونه مي توانم جلو اينگونه اعمال را بگيرم؟ آيا ممكن است *من* دوباره مرتكب همين اشتباه بشوم؟

به اين سئوال ها دقت كنيد، چه چيز مشتركي در انها هست ؟ "*من*" اين نشان دهنده پذيرش مسئوليت كامل عمل است.

به نظر تريدر هاي حرفه اي اگر كسي براي كارش لازم ميداند كه از فرد ديگري نظر بخواهد همان بهتر است كه ترید نكند. در واقع اگر شما براي كارتان سيستم و قاعده داريد و در طول زمان كارايي انها را ازمايش كرده ايد و به انها اعتماد داريد ديگر چه فايده اي هست كه از شخص ديگري در اين زمينه نظري بخواهيد جز اينكه عمل شما را دچار شك و ترديد كند.در يك كتاب ژاپني به نام Fountain of Gold كه در سال ۱۷۵۵ به نگارش درامده است يكي از جملات مهم اينست: "Talk no evil" مفهوم اين جمله اينست كه وقتي در بازار تصميم به انجام عملي گرفتي با هيچكس در اين زمينه صحبت نكن .

خيلي از مردم ترجيح ميدهند به انها گفته شود چه كاري را انجام دهند و اين يكي از دلايل اصلي شكست در بازار است.

"مسئوليت كامل هر تريدي را كه انجام مي دهيد بر عهده بگيريد و در غير اينصورت به هيچ وجه ترید نكنيد."

اگر قانون اول شما اين باشد كه از قوانين خودتان تبعيت كنيد ديگر هيچ نيازي نيست كه از شخص ديگري در اين زمينه نظر بخواهيد.

اگر هنوز هم حس مي كنيد براي ترید نیازمند نظر دیگران هستید:

- پوزيشن خود را ببنديد

- قوانين و طرح ترید خودتان را بررسي كنيد و ببينيد چرا نیازمند نظر دیگران هستید

- هرگاه قانع شديد كه ميتوانيد و به تنهايي و قاطعانه تصميم بگيريد وارد ترید شويد.

در ترید هر كسي بايد قوانين شخصي خودش را بسازد، اشكال انها را پيدا كند و به ان مجموعه قواعد كه ان را سيستم ميناميم، كاملا وفادار بماند.

يك سيستم دوره هايي از سود و زيان دارد ممكن است در طول يك ماه سود زيادي داشته باشد و در طول دو ماه بعدي سودي در بر نداشته باشد و يا حتي زيان ده باشد اما در بلند مدت برايند سيستم مثبت باشد. تريدر حرفه كسي است كه به سيستم خودش كاملا اعتماد دارد و تنها بر مبناي قواعد ان سيستم عمل مي كند و هيچ عمل احساسي خارج از قاعده از او سر نميزند.

هرگاه اين سئوال در ذهن شما ايجاد شد كه : "ايا ضرر امروز من تقصير اين بازار لعنتي است؟" اين سئوال را جايگزين كنيد: "آيا من از قوانين خودم پيروي كردم؟"

از همين امروز مسئوليت تمام ترید هايي را كه انجام مي دهيد برعهده بگيريد، به زودي مي فهميد كه ترید لذت بخش ترين كار دنياست.

سيستم مناسب خودتان داشته باشيد

هر تريدر موفقي سيستمي دارد كه متناسب با روحيات خودش است. سيستمهايي كه وجود دارند مثل: بلند مدت، مكانيكي، تريدهاي لحظه اي، ترید روزانه، اسكلپ (ترید در تام فريم هاي بسيار پايين حتي تا ۱ دقيقه)، آربيتاژ (تشكيل سبدي از ارزها) و سبك هاي ديگر

نوع سيستم به خودي خود اهميتي ندارد بلكه نكته مهم اينست كه سيستم با شخصيت تريدر همخواني داشته باشد.

ما در مورد تريدرهاي بزرگي مثل Warren Buffet شنيده ايم كه ميليون ها دلار از بازار سهام بيرون كشيده اند يا تريدرهاي كوتاه مدتي كه در يكسال ۲ ميليون دلار درامد داشته اند يا شركتهايي كه بر اساس اربيتاژ ميليون ها دلار سود داشته اند همانطور كه ميبينيد هيچ سيستمي بر ديگري ارجحيت ندارد بلكه مهم راحت بودن تريدر با سيستم خودش هست، كسي به اين تريدرها نگفته است كه شما اين سيستم را انتخاب كنيد بلكه انها خودشان با ازمايش كردن سيستم هاي مختلف راه خود را پيدا كرده اند.

تريدرهاي زيادي هستند كه براساس مد روز سيستم ترید خودشان را انتخاب مي كنند در حال حاضر مد روزترید روزانه است. اما اين روش براي همه مناسب نيست شرط موفقيت دراين سيستم اينست كه شخص با نوسانات زياد سازگار باشد و بتواند ساعت هاي متمادي در جريان قيمت ها باشد. تريدرهايي هستند كه در اين سيستم خوب كار ميكنند اما افراد زيادي هم ظرف چند ماه حساب خود را به تلي از خاكستر تبديل ميكنند بدون اينكه بفهمند ترید روزانه براي انها مناسب نيست.

براي انتخاب نوع سيستم مي توانيد سئوالاتي را ازخود بپرسيد:

- در سال چقدر انتظار برگشت سرمايه دارم؟

- ايا روحيه ترید كوتاه مدت را دارم؟

- ايا صبر و حوصله ترید بلند مدت را دارم؟

- من چگونه شخصيتي دارم؟

- چه كتابهايي را خوانده ام و كدام تريدر براي من تحسين برانگيز بوده است؟

هيچگاه بر اساس يك تصميم سريع و احساسي با روياي يك شبه ره صد ساله رفتن، سيستمي را انتخاب نكنيد و بعد هم

سعي بر اين داشته باشيد كه وانمود كنيد با سيستم هارموني داريد.

براي پيدا كردن سيستم مناسب بايد زحمت زيادي بكشيد و روشهاي مختلفي را ازمايش كنيد هرقدر سيستم شما بر پايه محكمتري استوار باشد و در شرايط مختلف تست شده باشد ميزان اطمينان و موفقيت بيشتر است و برعكس اگر اصول سيستم سست باشند دچار ضررهاي سنگيني مي شويد.

تريدرهاي تازه كار اقدام به خريد جديدترين نرم افزارها ميكنند، مدام اخبار را دنبال ميكنند و سرخودشان را شلوغ ميكنند به اميد اينكه نتيجه ترید بهتر شود، بدون انكه بدانند كدام روش ترید براي انها مناسب است. الگوي غلطي كه مردم از يك تريدر در ذهن دارند يك فرد عصبي است كه هميشه سرش شلوغ است و تازه كارها هم در ابتدا فكر ميكنند بايد اينگونه رفتار كنند. اكثر تريدرها كمتر از ۶ ماه دوام مياورند. تجربه نشان داده است كسي كه بتواند دست كم ۲سال در اين بازار دوام بياورد احتمال موفقيت و تبديل شدن به يك حرفه اي را به شدت افزايش ميدهد به اين دليل كه در اين مدت بارها شكست ميخورد و سيستم خود را تصحيح ميكند و قواعد كار را ياد ميگيرد و مي اموزد كه ترید راه يك شبه ثروتمند شدن نيست.

از همين امروز اين جمله را با صداي بلند به خود بگوييد:

"من سيستم مناسب خودم را پيدا مي كنم و در سيستم خودم بهترين خواهم شد."

به جلو حركت كنيد ايده هاي زيادي منتظر هستند تا شما خلقشان كنيد.

طرح و اجراي ترید

براي انجام هر كاري قبل از اجرا نياز به نقشه دقيق وجود دارد. در واقع ايجاد يك سيستم به معني ساختن قوانيني براي طراحي يك ترید مي باشد.

خيلي از تريدرها در اغاز تنها بر مبناي اينكه "حس" ميكنند قيمت به بالا يا پايين خواهد رفت و بدوم هيچ دليل ديگري اقدام به ترید ميكنند بدون انكه بدانند هدف پوزيشن كجاست يا استاپ ان در كجا قرار ميگيرد. ورود به اينچنين پوزيشني نقطه شروع شكست‌هاي بسيار سنگين مي باشد.

در واقع ويژگي هاي يك سيستم خوب اين هست كه نقطه ورود مشخص داشته باشد، نقطه خروج مشخص باشد، ميزان ريسك معلوم باشد براي مديريت پول سياست معلومي داشته باشد. وقتي همه اينها از قبل معلوم باشد ديگر هيچ نگراني و استرسي براي ترید وجود نخواهد داشت.

قبل از اجراي يك ترید باید براي برخورد با هرگونه اتفاق احتمالي برنامه ريزي داشته باشيد حتي براي چيزهايي كه به ندرت اتفاق ميافتند مثل قطع برق يا اختلال در ارتباط اينترنتي.

بارها اين سئوال را شنيده ام كه من فلان سهم را در فلان قيمت خريده ام ايا به نظر شما من اين سهم را نگه دارم يا بفروشم؟ من در مواجهه با اين سئوال از خودم مي پرسم چگونه فردي ميتواند اينگونه ترید كند؟ پس طرح او براي ترید كجاست؟

اگر اين فرد استراتژي و سيستم مشخصي براي ترید داشت به هيچ وجه اينچنين سئوالي را نمي كرد.

البته بازار سهام در ايران هيچگونه مبناي علمي ندارد و تنها بر مبناي شايعات وجوسازي نوسان ميكند سياليت اين بازار بسيار پايين است به همين خاطر جزء بازارهاي معاملاتي سالم براي پياده كردن قواعد ترید به شمار نمي ايد.

زمانيكه جورج ساروس ۵۰ ميليون دلار در سهام شركتي سرمايه گذاري ميكرد دقيقا مي دانست كه اگر قيمت از هر طرف حركت كند چه واكنشي بايد داشته باشد. ايا مي توان تصور كرد كه قيمت ۱۵ درصد پايين بيايد و تازه ان موقع يك تريدر حرفه اي از خودش بپرسد : حالا بايد چكار كنم؟

هيچ فرقي ندارد كه شما با يك حساب ۱۰۰۰ دلاري كار مي كنيد يا با يك حساب ۱۰۰هزار دلاري، مهم اينست كه سيستم و طرح خودتان را مو به مو اجرا كنيد.

اگر مي خواهيد جز ۱۰ درصد برنده هاي بازار باشيد بايد براي هر تريدي طرح داشته باشيد و با اراده اي آهنين تنها بر اساس همان طرح عمل كنيد.

براي آموختن روش صحيح كار سخت تلاش كنيد

آيا مي توانيد تصور كنيد كه پس از يك دوره يك هفته اي تبديل به يك جراح مغز بشويد؟

بسياري از مردم انتظار دارند كه در زمان كوتاهي تبديل به يك حرفه اي بشوند در صوريكه هر كاري مستلزم عبور از مراحل مختلف مي باشد. اگر اين فرصت را داشته باشيد كه از يك تريدر حرفه اي سئوال كنيد كه راهش را چگونه پيدا كرده است او درباره سختي ها، شكست ها، نااميدي ها و مشكلاتي كه با آنها روبرو بوده است براي شما خواهد گفت.

تريدرشدن آسان تر از پزشك يا وكيل شدن نيست پس بايد آمادگي مواجهه با مشكلات سر راه را داشت.

موفق ترين افراد كساني هستند كه اولين انگيزه براي كارشان، علاقه شخصي آنهاست، اگر شما صرفا و تنها با انگيزه ثروتمند شدن به ترید مي‌پردازيد شك دارم كه بتوانيد جزء ۱۰ درصد برنده ها در بازار باشيد. البته پول انگيزه بسيار خوبي براي كار و تلاش بيشتر است اما اگر علاقه شخصي به كار وجود نداشته باشد اين انگيزه با يكي دوبار شكست از بين مي رود.

اگر تاريخچه زندگي مردان و زنان موفق را بررسي كنيد در مي يابيد كه همه و همه از مسيري پر پيچ و خم عبور كرده اند تا با سعي و خطاهاي بسيار به موفقيت رسيده اند پس چرا ما فكر كنيم كه متفاوت هستيم؟ ايا ما از انها بهتر هستيم؟ همانطور كه تبديل شدن به يك وكيل حرفه اي سالها طول مي كشد تبديل شدن به يك تريدر حرفه اي هم مدتها به طول مي انجامد.

اگر تازه كار هستيد انتظار نداشته باشيد بتوانيد در ماه ۸۰درصد بازده داشته باشيد و هركس هم اينچنين ادعايي بكند بايد به عقل او شك كرد.

دو سال اول را در ترید به عنوان دانشجو هستيد و بازار دانشگاه شماست. نخست بايد خودمان را بشناسيم شخصيت خود را تحليل كنيم و بفهميم كه با چه سبكي سازگار هستيم، مطالعه كنيم و سئوال بپرسيم.

در واقع بايد از صفر شروع كنيم و سيستمي شخصي را بسازيم اين قضيه ممكن است ماه ها و يا سالها به طول انجامد اگر اين زمان براي شما خيلي طولاني به نظر مي رسد از همين حالا تريد را فراموش كنيد راهتان را جدا كنيد ،در وقت و پول خودتان صرفه جويي كنيد ، به دنبال كاري برويد كه برايتان جاذبه دارد وحاضريد زندگيتان را صرف ان كار كنيد.

اگر تا اينجا با خودتان كنار امده ايد و حاضر هستيد كه وقتتان را صرف اين كار كنيد به دنبال سيستم مناسب باشيد و با انضباط كامل از قوانين خودتان پيروي كنيد. در پايان هر روز و هر هفته كاري گزارش كار خودتان را تحليل كنيد اين مساله كمك بسيار زيادي مي كند تا اشكالات سيستم را برطرف كنيد، هر تغييري كه خواستيد در سيستم ايجاد كنيد تدريجي باشد نه يكباره تا بتوانيد همه چيز را تحت كنترل داشته باشيد.

هميشه سعي كنيد بيشتر ياد بگيريد، هيچگاه فكر نكنيد كه ديگر نيازي به يادگيري نداريد چون بازار در طول زمان تغيير ميكند و كسي كه نتواند با تغييرات هماهنگ شود بازنده خواهد بود.

حتي تريدرهاي بزرگ هم اشتباه ميكنند. Jesse Livermore تريدري بود كه در اوايل ۱۹۰۰ زندگي مي كرد او يك تريدر بي همتا بود كه يك حساب كوچك را تبديل به ميليون ها دلار

كرد اما تمام ان سرمايه را از دست داد. از يك جنبه ديگر او تريدري بود كه نتوانست بر احساسش غلبه كند ممكن است فكر كنيد كه اين تجربه به قدري براي او دردناك بوده كه ديگر ان را تكرار نكند، او دوباره شروع كرد و توانست در مدت كوتاهي پول از دست رفته اش را به دست بياورد اما همه آن چيزي را كه به دست آورده بود در يك ترید از دست داد.در اينجاست كه زنگ خطر براي همه ما به صدا در ميايد. هر كسي ممكن است اشتباه كند اما بدترين فاجعه براي كسي رخ مي دهد كه از اشتباهش درس نگيرد.

Livermore در استراتژي خود مديريت مالي را در نظر نميگرفت و همين موجب اين وضعيت براي او شد . يادمان باشد حتي زماني كه تبديل به يك حرفه اي شديم هميشه اشتباه هاي خطرناك در كمين ما نشسته اند و تنها با مهار احساسات و منضبط بودن مي توان از انها جلو گيري كرد.

" اقتدار يك انسان در اين نيست كه هيچگاه برزمين نيافتد بلكه شكوه و اقتدار يك انسان در اين است كه هر بار كه بر زمين افتاد *دوباره برخيزد*."

چه زماني براي تبديل شدن به يك تريدر حرفه اي لازم است؟

جواب مشخصي براي اين سئوال وجود ندارد اما در اينجا خطوط و راه كلي را بررسي ميكنيم:

سال اول: در سال اول خواهيد فهميد كه آيا واقعا حاضريد براي اين كار وقت و هزينه بگذاريد و در جستجوي سيستمي هستيد كه ممكن است نتوانيد از آن بازده بگيريد اما با آن راحت هستيد.

كتابهاي پايه تريد را مطالعه كنيد اما اينطور نباشد كه كتاب را براي رفع تكليف بخوانيد و با خود بگوييد :" خوب بود" و كتاب را كنار بگذاريد شايد لازم باشد يك كتاب را بارها بخوانيد تا بتوانيد بفهميد در ذهن نويسنده چه مي گذشته است و دقيقا حس كنيد كه يك تريدر موفق در راه رسيدن به هدفش چند بار شكست خورده است.

در ابتدا از ابزارهاي ساده استفاده كنيد فقط خوب بازار اشنا شويد و حركت ها را مشاهده كنيد.

با مفاهيم تريد، روشها و سبك هاي مختلف تريد اشنا شويد.

يك حساب آزمايشي باز كنيد و شروع به آزمودن روشها و مهمتر از آن آزمودن خودتان در موقعيت هاي مختلف كنيد.

در پايان سال اول شما بايد بدانيد كه آيا واقعا ميخواهيد تريدر باشيد يا نه؟ اگر پاسخ شما نه بود با آن كنار بياييد به هر حال هر كسي را بهر كاري ساخته اند و اگر پاسخ آري باشد بايد

بدانيد كدام سيستم با شما سازگار است. از اينجا به بعد است كه راه اصلي و جدي شروع مي شود.

گذراندن اين مرحله خيلي مهم است، تريدرهايي را مي شناسم كه بعد از سالها هنوز در نقطه اغاز هستند چون درست شروع نكرده اند.

سال دوم:

در سال دوم يك حساب كوچك در حد ۱۰۰۰ دلار باز كنيد و با سيستم ابتدايي كه تا به حال داريد شروع به كار كنيد به ياد داشته باشيد كه احتمال بسيار بالايي براي از دست رفتن حساب اول هر تريدري وجود دارد ولي اين حق را به خودتان ندهيد كه به سادگي همه چيز را ببازيد به قول راجر واترز "Don't give in without a FIGHT":

به مطالعه ادامه دهيد در سمينارها شركت كنيد با تريدرهاي حرفه اى ملاقات كنيد و از تجربيات انها استفاده كنيد.

سيستم خود را كامل كنيد اين را بدانيد كه هر سيستمي در شرايط خاصي از بازار بهترين بازده را دارد اگر ديديد كه ۵ ترید موفق پشت سر هم اتفاق افتادو سپس ۳ ترید ناموفق انها را تحليل كنيد و يك درك عمومي از بازار به دست بياوريد كه چه زماني نبايد وارد بازار شويد تا از زيان به دور باشيد.

به استراتژي و سيستم خود ايمان داشته باشيد و دچار اين وسوسه نشويد كه :" همين يكبار اين قانون را رعايت نميكنم"

چون ممكن است در همان يكبار ضربه اي به شما وارد شود كه برايتان گران تمام شود.

مديريت سرمايه را به خاطر داشته باشيد و بعد از چند ترید موفق وسوسه نشويد كه حجم را بالا ببريد يا بعد از چند ترید ناموفق نا اميد نشويد و به ياد داشته باشد كه ذات بازار برد و باخت است مهم ايمان شما به استراتژي خودتان است.

خيلي ها ترید را با قمار اشتباه مي گيرند قمار يك ريسك كور است كه احساسات به شدت در ان دخالت دارند اگر شما بخواهيد با حساب خودتان وارد قمار شويد مطمئن باشيد كه هميشه بازنده خواهيد بود، اگر ببازيد درصدد انتقام از بازار بر ميايید و باخت بزرگتري را رقم مي زنيد و اگر ببريد با سوداي برد بزرگتر قمار بزرگتري مي كنيد و اين دفعه همه چيز را خواهيد باخت.

كار با اين حساب كوچك به شما خواهد اموخت كه واكنش شما به يك ترید موفق يا ناموفق چگونه است. دخالت هرگونه احساسات و بر هم زدن نظم سيستم به شكست خواهد انجاميد.هيچ سيستمي وجود ندارد كه ترید ناموفق نداشته باشد بعضي از تريدر ها در جستجوي يك سيستم جادويي هستند كه هميشه به انها سود بدهد و شركتهاي زيادي از اين قضيه استفاده مي كنند و با وعده ها و گزارش هاي ساختگي سيستم هايي را با قيمت گزاف به تريدرهاي تازه كار مي فروشند.

سال سوم:

در سال سوم شما سيستم شخصي خودتان را ساخته ايد و سودهاي كوچكي از بازار مي گيريد. اگر در اين مدت هنوز احساس مي‌كنيد انضباط كامل براي پيروي از استراتژي خود نداريد بايد براي براي منظم كردن خودتان وقت بيشتري را اختصاص بدهيد.

سال چهارم:

اگر تا اين مدت هنوز به ترید مشغول هستيد و از اين مراحل گذشته ايد در حال حاضر شما سود خوبي از بازار كسب مي كنيد وبه سوي حرفه اي تر شدن قدم بر ميدارد و مي دانيد كه براي بهتر شدن چه كاري انجام بدهيد.

تريدر شدن را به مثابه گرفتن يك مدرك دانشگاهي فرض كنيد، آيا حاضر هستيد سالهايي از عمر خودتان را وقف اين كار بكنيد؟ اگر حاضر نيستيد زياد با خوتان كلنجار نرويد چون در وسط راه خواهيد ماند، اما اگر به اين سوال پاسخ آري ميدهيد بايد به راهتان ايمان داشته باشيد وهمه مشكلاتش را به جان بخريد.

هيچگاه گول سايت‌ها يا افرادي را نخوريد كه به شما وعده ميدهند با خريد فلان سيستم مي توانيد ماهي ۱۰۰ درصد بازده

داشته باشيد چون اگر اين سيستم ها اينگونه بودند تا حالا همه مردم دنيا ثروتمند بودند.

اعتماد به نفس

اعتماد به نفس جزء نكات مهم براي پيروي از يك سيستم ميباشد يك تريدر حرفه اي مي داند كه انضباط داشتن در پيروي از سيستم نقش حياتي دارد چرا كه با يك اشتباه ساده مي تواند همه انچه را كه به سختي به دست امده است از دست بدهد.

انضباط در پيروي از يك سيستم بسته به اعتماد به نفس شخص و اعتماد او به سيستم خودش است.

اگر فرد ذره اي شك نسبت به سيستم خود داشته باشد هرگز نخواهد توانست از ان سيستم به درستي پيروي كند و اين مساله دليل اصلي شكست كساني است كه سيستمي را از شخص يا شركت ديگري خريداري مي كنند.

زماني كه سيستم از يك دوره ضرر عبور مي كند (زيرا براي هر سيستمي وجود دارد) خريدار سيستم از ان صرف نظر مي كند و به دنبال سيستم ديگري مي گردد در صورتيكه تريدر حرفه اي كه به خود و سيستم خود اعتماد كامل دارد و مي داند كه سيستم در شرايط فعلي بازار بازده ندارد صبر

ميكند و زماني كه شرايط مهيا شد دلارها را مي كند و اين در حاليست كه تريدر تازه كار سيستم جديدي را خريداري كرده است و بازهم در حال زيان است.

تا جايي كه امكان دارد سيستم خود را در شرايط مختلف ازمايش كنيد تا از ان مطمئن شويد. حتي بزرگترين تريدر ها هم دوره هاي ضرر را در سيستم خود تجربه مي كنند اما خم به ابرو نمي اورند چون مي دانند كه استراتژي در شرايط زيان هست.

همه مي دانيم كه جورج ساروس از بزرگترين تريدرهايي است كه جهان تا به حال به خود ديده است اين مرد در دهه هاي ۸۰ و ۹۰ ،ميلياردها دلار از بازار درامد داشت و همين مرد دوره هايي از زيان هم داشت، شركت او در يك دوره بازده منفي داشت. ايا فكر مي كنيد اين مساله براي او عجيب يا ناراحت كننده بود؟ ساروس مي دانست كه استراتژي او دوره زيان خود را مي گذراند و بايد با احتياط منتظر تغيير اوضاع بود.

درست همانطور كه مدتي پس از غروب، خورشيد دوباره طلوع ميكند پس از هر دوره زيان دوره سود دهي شروع ميشود و اين چرخه همچنان ادامه دارد. بيشتر تريدرها در دوره زيان يك استراتژي، ان را ترك مي كنند و دوره سود دهي ان را از دست ميدهند.

انسان چيزي را به دست مي اورد كه به ان باور دارد و خود را شايسته ان ميداند. من با تريدرهايي مواجه شده ام كه حساب خود را تا سطح خوبي مثلا فرض كنيد يك ميليون دلار بالا برده اند و همه انرا ازدست داده اند و بارها اينكار را تكرار كرده اند. در وجود انسان افكار ناخوداگاه فراواني وجود دارد كه گاهي او را از موفقيت باز ميدارد يكي از اين افكار نگرش منفي درباره ثروتمند شدن است، اين حس كه به خود تخريبي (Self Destruction) معروف است زماني ايجاد مي شود كه فرد در يك قدمي موفقيت است در واقع او تاب و تحمل موفق بودن را ندارد به بيان ديگر او در ناخوداگاه خود را شايسته موفقيت نمي داند واين باعث مي شود كه در اوج موفقيت از فرد اعمالي سر بزند كه براي يك فرد عادي تعجب اور باشد.

باورهاي خود را درباره ترید به روي كاغذ بياوريد، خوب فكر كنيد و هر انچه درباره ترید در ذهن خود داريد بنويسيد، ايا فكر ميكنيد ترید قمار است؟ ايا فكر ميكنيد هرگز برنده نخواهيد بود؟ ايا به دست اوردن پول زياد در مدت زمان كم براي شما پذيرفتني است؟ فكر ميكنيد چه مدت زماني براي موفقيت نياز داريد؟

هركس براساس باوري كه از خود دارد رفتار مي كند فرضا اگر شما به عنوان يك تريدر بر اين باوريد كه براي كسب سود از بازار بايد ساعت ها به مونيتور چشم بدوزيد، گزارش

هاي مختلف را بخوانيد و به اخبار گوش دهيد به همين صورت هم رفتار خواهيد كرد و اگر در جريان ترید سود كلاني عايدتان شود به خاطر اين پيش زمينه فكري به احتمال زياد ان را به راحتي از دست خواهيد داد.

هميشه مساله و راه حل ان، در خود فرد نهفته است تريدر حرفه اي از اين مساله مطلع است و در طول دوران زيان به شدت مراقب افكار و اعمال خود هست .

مقدار حركت قيمت مهم است نه مقدار پولي كه سود يا زياني كرده اید

مهم ترين چيزي كه تا اينجا ميشود گفت اينست كه:

از قوانيني كه در طي زمان طولاني تست كرده اید پيروي كنيد و همه چيزهاي ديگر را فراموش كنيد .

مشكلي خيلي از تريدرها در پيروي از سيستم خودشان با ان مواجه هستند اين است كه در حين اجراي پوزيشن دچار شك مي شوند، بگذاريد با يك مثال اين مساله را روشن تر كنيم:

فرد تريدي براساس استراتژي خودش طراحي ميكند فرض ميكنيم خريد ۱۰۰۰۰سهام A به قيمت ۴۰۰ با حد زيان ۳۵۰ و حد سود ۶۰۰. حالا اگر قيمت از ۴۰۰ بالا برود و مثلا به ۴۵۰ برسد تا اينجا فرد ۵۰۰۰۰۰ سود كرده است در اين

موقعيت تريدر وسوسه مي شود كه همين سود را بگيرد و از بازار خارج شود ،يعني نقض استراتژي . اگر قيمت به ۴۴۰ برگردد تريدر هاي تازه كار كه به سيستم خودشان اعتماد ندارند با عجله از بازار خارج ميشوند اما تريدر حرفه اين بازي را بارها تجربه كرده است سرانجام قيمت بالا مي ايد و به هدف مورد نظر ميرسد. در اين معامله تريدر تازه كار ۵۰۰۰۰۰سود داشت در صورتيكه تريدر حرفه اي ۲۰۰۰۰۰۰ به دست اورد اينجا نقش Faer در از دست دادن سود اندك روشن مي شود.

حالا واكنش افراد را نسبت به كاهش قيمت بررسي مي كنيم. اگر قيمت سهم A به پايين حركت كند و به ۳۵۵ برسد تريدر حرفه اي بدون هيچ دغدغه اي منتظر واكنش بعدي بازار مي ماند در صورتيكه تريدر تازه كار در اين موقعيت كاملا اشفته مي شود و به اميد بالا رفتن قيمت حد زيان خود را پايين ميكشد فرضا به ۳۳۰ تغيير ميدهد قيمت پايين مياید و به ۳۳۵ ميرسد تريدر حرفه اي با انضباط كامل در ۳۵۰ از بازار خارج ميشود اما تريدر تازه كار هنوز به بالا رفتن قيمت اميدوار است و بازهم اقدام به پايين اوردن حد زيان به ۲۷۰ ميكند. اما قيمت همچنان به پايين ميرود و تريدر مجبور ميشود در ۲۷۰ خارج شود به محض خروج قيمت به ۲۹۰بر ميگردد فرد باعجله و بدون توجه به شرايط و سيستم خود تنها براي بازپس گرفتن پول خود از بازار اقدام به خريد ميكند اما قيمت دوباره كاهش مي يابد و اين دفعه فرد طرحي براي ترید

خود ندارد و يك جمله را با خود تكرار مي كند:" قيمت **بايد** بالا برود" اما قيمت در روند منفي خود به ۱۷۰ مي رسد و سرانجام فرد نا اميدانه و با روحيه اي اشفته مجبور به خروج از بازار مي شود . تريدر حرفه اي در اين معامله ۵۰۰۰۰۰ زيان كرد اما تريدر تازه كار ۲۳۰۰۰۰۰ و اين تاوان عدم اعتماد به سيستم و دخالت دادن احساسات در ترید هست و اينجاست كه نقش Greed در همراهي با زيان حاصله مشخص مي شود.

براي كنترل احساسات ترید را بايد به صورت يك بازي در نظر گرفت كه مي خواهيم در ان امتياز به دست مي اوريم نه پول، چون پول سريعا احساس فرد را تحريك ميكند و براي وي بدست اوردن امال و ارزوهايش را تداعي ميكند در مثال بالا زماني كه قيمت به ۴۵۰ ميرسد فرد در ذهن خود سود به دست امده را تبديل به كالا ميكند.

در موقعيت زيان ذهن فرد تازه كار نمي تواند زيان را قبول كند و به همين خاطر سعي در ماندن در بازار دارد با اين اميد و طمع كه روند عوض شود.

هيچگاه ترید را به صورت برد و باخت نگاه نكنيد، با يك ترید موفق خوشحال نشويد و با يك ترید ناموفق ناامید نباشد اين را بدانيد كه مجموعه اي از تريدها هستند كه نتيجه را مي سازند پس نتيجه را در بلند مدت مي توان مشاهده كرد.

درواقع عدم پيروي از استراتژي از جمله دردناك ترين اشتباه هاي يك تريدر مي باشد كه ضربات مهلكي را به حساب او و مهم تر از ان به شخصيت او وارد مي اورد.

شخصيت، غرور و اعتماد به نفس يك تريدر مهمترين دارايي او به شمار ميروند اجازه ندهيد كه با تكرار اشتباه هاي خود باعث از بين رفتن اين سرمايه عظيم و غير قابل برگشت شويد.

در بازار چيزي كه برنده را از بازنده متمايز مي كند دانش بيشتر نيست بلكه توانايي پيروي بدون استثنا از قوانين سيستم مي باشد، تعداد تريدرهايي كه داراي اين توانايي هستند بسيار اندك است.

ترید براي زندگي نه زندگي براي ترید

ترید چه موفق و چه ناموفق شغل پر استرسي هست و شما به عنوان يك تريدر تا حدامكان بايد از استرس بكاهيد. شما هيچگاه تريدر پر استرسي كه در كارش موفق باشد را نخواهيد ديد، برعكس انچه عموم مردم تصور مي كنند تريدرهاي حرفه اي انسانهاي بسيار ارام و با اعتماد به نفس بالايي هستند. تريدرهاي تازه كار با به دست اوردن چندصد دلار از بازار بسيار هيجان زده مي شوند در حاليكه يك حرفه اي ميليون ها دلار از بازار بيرون ميكشد بدون اينكه تغييري

در حالات روحي او مشاهده شود در واقع همان قدر كه نااميدي شديد در اثر زيان نامطلوب است غرور و هيجانات شديد مثبت انگارانه نيز اثر كشنده اي براي يك تريدر به دنبال دارند.

برخي از تريدرها زمانيكه يك پوزيشن را اجرا ميكنند چشمانشان را به مونيتور مي دوزند و تغييرات جزئي قيمت را دنبال ميكنند و دعا ميكنند كه قيمت در جهت دلخواه انها پيش برود اين عادت كه ترك ان هم مشكل است بازي با احساسات است به نوعي كه در همين حين بسياري از اشتباه ها از فرد سر ميزند به گونه اي كه بعد از بسته شدن پوزيشن ميفهد چه اشتباه محرزي را مرتكب شده است.

افراد تازه كار يا حتي كساني كه مدت ها در بازار مشغول بوده اند هنوز در پس زمينه فكري خود مي انگارند كه مي توانند جهت بازار را تغيير بدهند با حرص خوردن يا التماس كردن به بازار هيچ چيز عوض نمي شود. اين طرز تفكر را ميتوان به يك تماشاگر تلويزيوني فوتبال تشبيه كرد كه چشمانش را به بازي دوخته است و با هر حركتي دچار هيجان ميشود هر گل زده براي تيم محبوبش، او را به شدت شاد ميكند و هر گل خورده، او را غمگين و عصبي ميكند. اين هيجانات به حدي هستند كه بارها در مورد سكته يا تشنج تماشاگران فوتبال خبرهايي را شنيده ايم. در واقع فرد به صورت ناخوداگاه فكر ميكند كه مي تواند در بازي دخالت كند. در بازار وضعيت بدتر ز اين هم هست، فرد سعي ميكند

در برابر بازار قرار بگيرد و حاضر نيست به هيچ وجه شكست را بپذيرد و همين قضيه او را دچار اشفتگي ميسازد و ميبينيم كه چگونه به سادگي ممكن است در يك معامله كل حسابش را از دست بدهد.

تريدرهاي حرفه اى از وقت ازاد خودشان استفاده زيادي مي كنند. ورزش، تفريح، مسافرت و موارد ديگري كه به بالا بردن كيفيت زندگي كمك ميكند. البته شايد در اغاز اين كار فرد استطاعت مالي براي مواردي كه ذكر كرديم نداشته باشد اما يك پيك نيك ساده يا قدم زدن در يك پارك، رفتن به موزه سينما يا مهماني و به نوعي تغيير محيط فكري كمك بسياري ميكند تا فرد بتواند به راحتي با استرس حاصل از كار روبرو شود. يك تريدر بايد زندگي متعادل و منظمي داشته باشد و سعي كند هميشه در سطح بالاي از انرژي باشد .

يكي از مباحثي كه در ورزش در موسيقي و در كليه امور زندگي مطرح ميشود "مديريت انرژي" مي باشد يك ورزشكار بايد به گونه اي انرژي خود را به كار بگيرد كه در پايان دچار كمبود نباشد. اين مساله براي يك تريدر اهميت حياتي دارد، فرد از ابتداي روز به مونيتور خيره شده است و فرضا در ساعت ۴ بعد از ظهر خبر مهمي منشر مي شود و بازار حركت ميكند، در اين زمان فرد از نظر انرژيكي در سطح بسيار پايييني هست و توان تصميم گيري براي ترييد را ندارد و

بسيار مستعد اشتباه هست همانطور كه يك راننده خسته و خواب الود مستعد اشتباه هست.

تريدر در ابتداي روز كاري خود بايد بداند كه در چه ساعاتي از روز بيشتر به انرژي احتياج دارد و به گونه اي كارش را تنظيم كند كه دچار كمبود نشود.

موردي كه از نظرروانشناسي اهيمت دارد اين است كه منظم بودن يك تريدرجزء اصول اوليه شخصي او بشود.

متاسفانه عموم مردم نظر خوبي درباره نظم ندارند و انرا به نوعي دست و پاگير و رسمي مي دانند و حتي در سطوح كلان اقتصاد و مديريت اين ضعف اساسي مشاهده مي شود به همين خاطر ميزان موفقيت و پيشرفت در جامعه ای همچون ايران ما بسيار كند است.

شايد كلمه نظم ما را به ياد صف هاي مدارس ابتدايي بياندازد، به ياد ناظم و به ياد صبح زود بيدار شدن و به هر حال ريشه باورهاي غلط درباره نظم هر چيزي كه باشد، در رفع ان بكوشيد چون با بي نظمي هيچ قله اي فتح نمي شود.

زمان خواب وبيداري و ميزان خواب نقش مهمي در نظم و انرژي فرد دارند. نكته ديگر اينكه جريان خون مغز در اغاز روز كمتر از حد نرمال هست و دليل خواب الودگي فرد در صبحگاه به اين مساله مربوط مي شود لذا نرمش حتي در حد كم مي تواند به اين جريان كمك كند.

استحمام صبحگاهي نيز نقش بسيار مثبتي در شادابي فرد دارد.

تغذيه از نقطه نظر انرژيكي بسيار مهم است در اينجا ما به جزئيات اين مساله مهم نمي پردازيم اما سعي بر اين باشد كه وعده هاي غذايي هر روز در ساعات مشخص قرار بگيرند .

زمان شروع و پايان كار شما بايد مشخص باشد و هرگز قبل و بعد از اين ساعات به ترِيد نپردازيد.

رعايت همين نكات ساده به طور مداوم نظم را به زندگي شما خواهد اورد و انگاه است كه كار و زندگي براي شما به مانند سواري بر روي امواج دريا لذت بخش خواهد شد.

يك حرفه اي براي ريزترين مسائل زندگي خود برنامه دارد: مسافرت، مهماني، نوع و ميزان غذا، سكس، لباسي كه مي پوشد، قلمي كه با ان مي نويسد، مكاني كه در ان ترِيد ميكند و خيلي چيزهاي ديگر. شما هم با نظم كم كم به اين سمت سوق خواهيد يافت. در ابتدا هماهنگ كردن اين موارد كمي مشكل است اما همه چيز با گذر زمان به صورت عادت در مي ايد.

روند كاري ترِيد در كل اينگونه است:

_ ساختن يك سيستم و ازمايش ان.

_ پيروي محض از قوانين سيستم.

_ به صورت عادت دراوردن قواعد سيستم.

مواردي كه تا اينجا ذكر شد بايد بارها خوانده شود و بارها هم تجربه شود تا به صورت يك عادت در بيايد، در واقع عادت عملي است كه نياز به فكر و تصميم ندارد شما مي توانيد هر كاري را كه بخواهيد به صورت عادت دراوريد، بدون نياز به صرف انرژي و رها از هرگونه استرس به ترید بپردازيد.

اين را بدانيم كه :"موفقيت حاصل به *صورت عادت دراوردن* رفتارهايي مشخص است."

در قسمت قبلي به صورتي كلي به مراحلي كه يك تريدر از انها عبور ميكند، پرداختيم. دانستيم كه احساسات در طول ترید دشمن اصلي يك تريدر هستند و براي موفق شدن بايد رفتارهاي مشخصي را به صورت عادت دراوريم. در اينجا به گونه اي دقيق و موشكافانه رفتار و فيزيولوژي انساني را بررسي ميكنيم .

هرگونه احساسات و حالت روحي يك انسان در فيزيولوژي او ريشه دارد و فرد با شناخت بدن خود مي تواند كنترل و بهره گيري بهتري از توانايي هايش داشته باشد.

در ادامه ترجمه ازاد فصل هاي ۱۱ و ۱۲ از شاهكار اقاي Bill Williams به نام Trading Chaos را مي آوريم. كه حاوي مطالب بسيار مفيدي در اين زمينه مي باشد.تجارب شخصي ما نيز درلابه لاي اين مطالب اورده شده است.

هدف: رابطه بين شخصيت تريدر موفق و ويژگي هاي بازار

"پيروزي حركت در مسيري است كه كمترين مقاومت وجود دارد."

در بازار بايد بستر حركتي را شناخت و براساس ان حركت كرد حال انكه بسياري از تريدرها براساس انچه حقيقت مي پندارند تريد مي كنند نه براساس انچه كه هست. سخت ترين چيزي كه همه انسانها در زندگي با ان روبرو هستند همين مساله هست.

يك حرفه اي در هر كاري كه باشد به بينش دست پيدا ميكند و اين نكته او را از بقيه متمايز ميسازد. تريدر حرفه اي يك نوع همزاد پنداري بين خود و بازار حس ميكند و بازار را به عنوان يك موجوديت جدا از خود نمي‌بيند، در واقع خود را به عنوان جزئي از يك ارگانيزم بزرگ به نام بازار ميداند.

دو مساله در اينجا مورد بررسي قرار ميگيرد:

- بدن چگونه شيوه ترید را تحت تاثير قرار ميدهد.

- چگونگي فعاليت مغز در هنگام ترید.

حركت بازار تحت تاثير ميليون ها فرد با ميليون ها تفكر قرار دارد و حركت ان در جهتي است كه تفكر غالب بخواهد. براي مثال در يك استاديوم فوتبال براي ايجاد يك موج مكزيكي هر فرد در زمان خاص حركتي را انجام ميدهد و در كليت ما شاهد يك حركت چشمگير هستيم. در واقع يك فرد در اين ميان نميتواند خللي در حركت غالب به وجود بياورد اما براي همراهي با موج باید بداند كه چه زماني حركت لازم را انجام دهد.

در قسمت هاي بعد خواهيم ديد كه ترید نوعي بازي جامعه شناختي در سطح بازار و نوعي بازي روانشناختي در سطح فرد مي باشد.

كاركرد زيربنايي بازار ارتباطات ميباشند، ارتباط خريداران و فروشندگان و ارتباط افراد با شخصيت خود.

مباني ارتباطات انساني

از انجاكه بازار از ارتباط انسانها با يكديگر به وجود مي ايد يك سري از ويژگيهاي شخصيت انساني را ميتوان در بازار مشاهده كرد. در اين ميان سه اصل بسيار مهم وجود دارد.

۱- نود درصد هرانچه كه مي شنويم دروغ است.

در واقع چيزي را كه مي شنويم در بيشتر موارد با منظور گوينده متفاوت است.

فكر تحت تاثير ترس، اميد يا ديگر احساسات قرار ميگيرد.

فرض كنيد با مدير خود صحبت ميكنيد و او از شما مي پرسد: از موقعيت خود راضي هستيد؟ شما ممكن از شغل و مديرتان دل خوشي نداشته باشيد اما با اين حال اين پاسخ را به مدير نميدهيد: من از شما وشركت شما متنفرم! شما گفتارتان را به گونه اي تغيير ميدهيد كه فكر ميكنيد براي وي قابل قبول باشد. ما روشهاي ارتباطي خود را بسته به شرايط تغيير ميدهيم فرض كنيد شما به همسرتان ميگوييد: "وقتي به چشمانت مي نگرم زمان از حركت باز مي ايستد" اين جمله را به اين صورت هم ميتوانيد بگوييد: "تو نگاهي داري كه ساعت روميزی را از كار مي اندازد" مسلما واكنش به اين دو جمله يكسان نيست.

در برخي موارد با جدا پنداشتن جزئي از بدن ارتباط با خود را نيز تغيير ميدهيم براي مثال در اغلب موارد مي گوييم:" سرم در مي كند" به جاي اينكه بگوييم:"به فلان دليل سردرد دارم". موارد معادل در ترید براي عدم قبول مسئوليت به اين صورت است:"بروكرم به من پيشنهاد كرد فلان ارز را بخرم" يا "استوكستيك (يك شاخص تكنيكال) گفت خريد كنم و بازهم اشتباه كرد".

اينها راه هاي ساده براي طفره رفتن از قبول مسئوليت است.

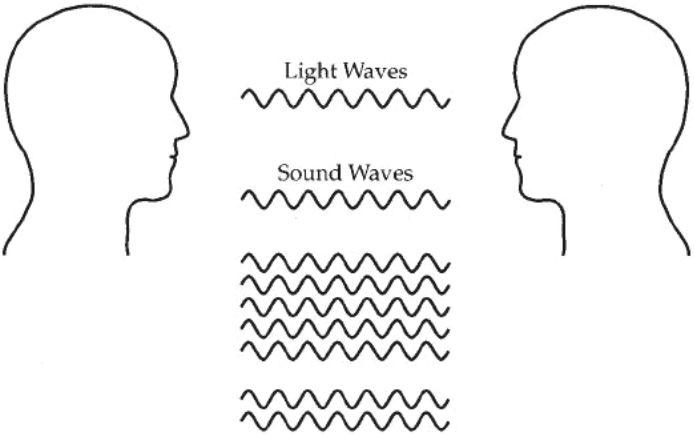
راه ديگر تغيير روابط ، تغيير در كلماتي است كه به كار ميبريم براي مثال فعل فهميدن را در نظر بگيريد. پيش مي ايد كه فردي ميگويد:"من اين بازار را نمی فهمم". منظور واقعي او اينست:" اين بازار تحت كنترل من نيست" يا شنيده مي شود كه مادري به فرزندش ميگويد :"من نميفهمم تو چرا اين كار را ميكني" منظور اصلي او اينست :"من نميتوانم تورا كنترل كنم".

در قبول اين اصل كه نود درصد روابط گفتاري دروغ است و انچه مينمايد نيست، خودتان را بررسي كنيد و ببينيد چقدر در بيان افكار واقعي خود با ديگران و نسبت به خود صادق هستيد.

۲- يك دروغ را نميتوان پنهان كرد.

پندار كلي اينست كه رابطه از دو كانال سمعي و بصري صورت ميگيرد در صورتيكه كانال هاي ديگري براي ارتباط وجود دارند درواقع هرچيزي كه به بدن مربوط مي شود مي تواند نشانه ارتباطي باشد. دروغ سنجها تنها كانالهاي محدودي را بررسي مي كنند و به همين خاطر در دادگاه نميتوان به انها استناد كرد.

بهترين دروغ سنج خود فرد است، وقتي كه بدون تعصب گوش فرا ميدهد. گاهي اوقات از اين توانايي به "الهام" تعبير مي شود. اگر من به شما دروغي بگويم ممكن است ابروهايم حالت خاصي بگيرد، شانه هايم را بالا بياندازم، زانويم را خم كنم، لبخند بزنم، نفس عميق بكشم يا هر نشانه فيزيكي ديگري كه نشان دهنده غير صادق بودن من باشد به اين نشانه هاي رفتاري Nonverbal Messages گفته مي شود.



مثال ديگري كه درمورد مردان وجود دارد اينست كه در مواردي كه با فردي بحث ميكنيد اگر مشاهده كرديد كه او سرش را به يك طرف خم كرد و با دست راستش (اگر راست دست باشد) شروع به خاراندن چانه اش كرد، او اماده پذيرش يا تسليم در بحث هست اما در گفتار كمي مقاومت ميكند.

ما نمي توانيم يك دروغ را يا تمام اجزا بدنمان بگوييم. به گفته كارل يانگ:" اگر مي خواهيد رفتار انسانها را بشناسيد اين را بدانيد كه همه ما دو زبان داريم يكي در دهان و ديگري در كفشمان، براي فهميدن طرف مقابل بايد بدانيد او با كدام زبان با شما سخن ميگويد."

به بيان ديگر انچه انسان در رفتارش بروز مي دهد خيلي صادقانه تر از گفتار اوست.

۳- مردم هميشه درباره خودشان حرف ميزنند.

اگر من به شما بگويم اين اتاق گرم است، من درباره وضعيت اتاق با شما سخن نگفته ام بلكه درباره سيستم عصبي خودم صحبت كرده ام يا اگر بگوييم چه دختر زيبايي، در واقع درباره استاندارد خودم از زيبايي صحبت كرده ام نه درباره يك دختر.

همبستگي اصول ارتباطات انساني و بازار

همانطور كه مي دانيم بازار موجوديت جدايي ندارد بلكه متشكل از هزاران انسان است و به تبع از اصول ياد شده درباره روابط انساني پيروي ميكند.

۱- نود درصد انچه در بازار مي شنويم دروغ است.

وقتي شما گزارش بلومبرگ را مي خوانيد يا به اخبار CNBC گوش فرا ميدهيد به ياد داشته باشيد كه تحليلگر براي كارش حقوق مي گيرد و بايد چيزي براي گفتن داشته باشد كه چرا فلان سهم بالا رفت يا فلان ارز بالا رفت و تقريبا نود درصد انچه كه انان ميگويند ان چيزي نيست كه در بازار اتفاق مي افتد انها نميدانند دقيقا در بازار چه اتفاقي روي داده است حال چگونه ميتوانند تحليلي براي ان داشته باشند.

۲- بازار هيچگاه نمي تواند دروغ بگويد.

"سهام بالا مي روند به اين دليل كه بالا مي روند " به اين جمله خوب دقت كنيد. ممكن است از نظر فاندامنتالي خبري اعلام شود و قيمت در جهت عكس انتظار حركت كند، تريدرهاي تازه كار در اينجا به اين فكر ميافتند كه بازار دروغ ميگويد و قيمت برمي گردد در حاليكه انها هستند كه به خود دروغ ميگويند.

دو فاكتور مهم در بازار حركت قيمت و حجم است، همراهي اين دو فاكتور روندي را شكل مي دهد البته ما در فاركس امار دقيقي از حجم نداريم و بايد از كانالهاي ديگري مانند زمان انتشار اخبار مهم يا ميزان حركت قيمت در واحد زمان، به ميزان حجم پي ببريم.

۳- بازار تنها درباره خودش حرف ميزند.

فكر اكثريت در بازار، جهت حركت را مشخص مي كند و اينكه شما فكر كنيد قيمت بايد پايين بيايد هيچ دردي را دوا نميكند.

بازار نميداند كه شما در معامله قبلي سود كرده ايد يا زيان و در هنگام ترید چه حسي داريد ،مطمئن باشيد بازار با شما دشمني ندارد و انقدر بزرگ است كه من وشما هم نمي توانيم در ان دخالتي بكنيم ،بازار راه خودش را ميرود و اينكه بتوانيم از ان سواري بگيريم به خودمان بستگي دارد.

چگونه ساختار فيزيكي شما بر ترييد تاثير مي گذارد.

در اين بخش به نقطه اغاز حيات ارگانيزم زنده اي به نام انسان مي پردازيم.

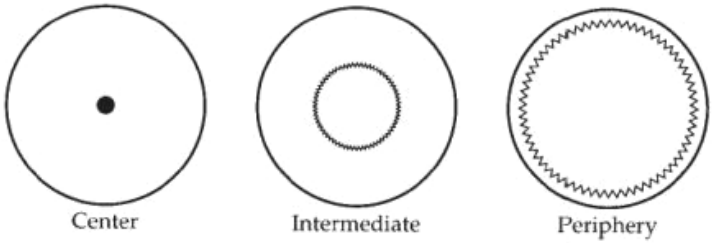
بزرگترين سلول انساني تخمك و كوچكترين سلول اسپرم مي باشد. هنگاميكه تخمك به يك اسپرم اجازه ورود به ديواره خارجي خود را مي دهد و بارور مي شود، نوعي واكنش انرژي زا انجام ميگيرد. اين انرژي بطور مساوي توزيع نمي شود بلكه بيشتر در يكي از اين سه منقطه متمركز ميشود:

۱- در مركز كه به اين حالت Endosperm گفته مي شود.

۲- بين مركز و ديواره بيروني كه به اين حالت Mesoderm گفته مي شود.

۳- در نزديكي ديواره تخمك كه به اين حالت Ectodermگفته مي شود.

شكل زير اين سه حالت را نشان ميدهد.



اين مساله كه انرژي در كجا متمركز مي شود تا حدي مشخص كننده انست كه فرد در بزرگسالي داراي چگونه اندامي خواهد شد.

اگر انرژي در هسته متمركز شود فرد داراي اندامي فربه خواهد شد.

در صورتيكه انرژي در ميانه قرار گيرد فرد در بزرگسالي داراي اندامي ماهيچه اي خواهد شد.

در حالتيكه انرژي در نزديكي ديواره متمركز شود شخص ظريف و لاغر اندام خواهد شد.

در پزشكي سه اصطلاح براي اندامهاي متفاوت وجود دارد Endomorph, Mesomorph, Ectomorph

در واقعيت ما همه فاكتورهای هر كدام از اين سه حات را داريم اما گرايش به يكي از اين حالتها بيشتر است مثلا شما ممكن است بين دو حالت Mesomorph, Ectomorph باشيد اما بيشتر به يكي از اين دو نزديك تر هستيد.

براي مثال اگر مقدار سطح پوستي يك انسان نسبت به وزنش را در نظر بگيريم شخص لاغر اندام بيشترين مقدار سطح پوست به وزن را دارا مي باشد و اين مساله باعث مي شود كه نسبت به محيط از بقيه حساستر باشد.

هنگاميكه اين سه تيپ به نمودار قيمت نگاه ميكنند سه ديدگاه مختلف دارند. قبل از بررسي بيشتر به جزئيات دقيقتري از اين سه تيپ مي پردازيم.

در شكل زير براي هر تيپ يك صفت را برگزيده ايم. براي Endomorph حجيم، براي Mesomorph قوي ، براي Ectomorph سريع. اگر بخواهيم سه حيوان را سمبل سه تيپ شخصيتي در نظر بگيريم فيل براي اولي، خرس براي دومي و اهو براي سومي در نظر گرفته مي شوند.



به دليل ساختار متفاوت فيزيكي هر كدام از سه تيپ حساسيت خاصي دارند. براي مثال زمانيكه شخص چاق به دكتر مراجعه مي كند احتمال بالايي وجود دارد كه مشكل گوارشي و روده اي داشته باشد. شخص Mesomorph بيشتر از مشكلات قلبي يا ماهيچه اي رنج ميبرد و شخص Ectomorph بيشتر دچار مشكلات پوستي يا مشكلات عصبي مي باشد. در واقع كليد اصلي تفاوت در نسبت جثه به پوست نهفته است.

اين سه تيپ محرك هاي انگيزشي متفاوتي دارند. براي فرد چاق راحتي بسيار مهم است. يك فرد چاق را زيرنظر بگيريد، او در هنگام نشستن يا راه رفتن سعي ميكند بسيار راحت به

نظر برسد. اين تيپ ادمها در كارها اسان ترين راه را انتخاب مي كنند و در ترید هم قضيه صادق است.

Mesomorph ها به گونه اي ديگر عمل ميكنند. انها در برخي موارد به دنبال دردسر مي گردند.

معمولا ورزشكاران در اين دسته قرار ميگيرند چيزي كه باعث رضايت خاطر انها مي شود مجادله است. هميشه به دنبال اثبات خودشان هستند و در جستجوي مجادله، رهبران بزرگ در زمره اين افراد هستند.

Ectomorph ها در جستجوي شايستگي هستند و كارهايي را انجام ميدهند كه نشان دهنده شايستگي انان باشد به نوعي مي توان گفت شهرت براي انها اهميت ويژه اي دارد. انها در انجام كارهاي تكراري معمولي هستند اما در كارهاي پروژه اي يا كارهايي كه به خلاقيت فردي نياز دارند بسيار عالي عمل ميكنند.

هيچكدام از اين سه حالت خوب يا بد نيستند و نسبت به يكديگر برتري ندارند. بدن ما سخت افزاري است كه با ان متولد ميشويم و لازم است به جاي اينكه دائما افسرده و ناراضي باشيم، بهترين روش استفاده از سخت افزار خود را يادبگيريم.

همانطور كه ذكر شد تيپ هاي مختلف به شيوه هاي مختلفي اطلاعات را تحليل مي كنند و به دليل حساسيت هاي متفاوت، يك تريدر حرفه اي محيطي را كه در ان راحتتر است پيدا

ميكند. براي مثل يك تريدر چاق محيط راحتي براي كار مي خواهد صندلي مناسب، تهويه مناسب، نمايشگر راحت و بزرگ و ساير مسائلي كه باانها احساس راحتي كند.

هر يك از سه تيپ ذكر شده ميتوانند در ترید موفق باشند تنها مساله اين است كه فرد خود را بشناسد و محيط را براي خود فراهم كند، به كوچكترين سيگنالهايي كه از بدنش دريافت مي كند پاسخ دهد و در مقابل خودش مقاومت نشان ندهد.

به صورت تجربي ميتوان گفت انعطاف بدن در انعطاف و سرعت انتقال ذهن تاثير مستقيمي دارد. هر چقدر بدن شما منعطف تر و شاداب تر باشد مغز نيز به همان ميزان منعطف و شاداب خواهد بود.

وقتي شما يك ابزار مهم خريداري مي كنيد سازنده به شما يك دفترچه راهنما ميدهد كه براساس ان بتوانيد بهترين استفاده را از دستگاه خود صورت دهيد. اما شما براي مهمترين سخت افزاري كه هميشه با ان سر و كار داريد هيچ راهنمايي نداريد و خيلي از افراد حتي به فكر اين مساله هم نمي افتند و اين در حاليست كه اين سخت افزار نقش اساسي در موفقيت فرد در ترید دارد .

در بخش بعدي به مسائلي مي پردازيم كه رعايت انها مي تواند به هماهنگي بيشتر بين فكر، عملكرد، دانش و برنامه ريزي ذهني، كمك كند.

مغز انسان

اولين نكته در اين زمينه اينست كه ما يك مغز ندارم بلكه سه مغز داريم: مغز سمت چپ، مغز مياني و مغز سمت راست.

در مغز سمت چپ (كه در حال خواندن اين خطوط است) دو بعلاوه دو مساوي چهار مي شود.

اين منطق در حالت كلي يا در سطح مكانيك كوانتوم نادرست است.

قوانين حساب درست هستند تنها به اين دليل كه ما انها را درست ناميده ايم و به عنوان حقيقت غيرقابل انكار از انها ياد مي كنيم. اگر از يك فرد بالغ بپرسيد كه چرا ۴=۲+۲ در جواب ميشنويد: "به اين دليل كه هست." و اگر از يك كلاس دومي اين سئوال را بپرسيد، او خواهد گفت:" چون معلم اينطور گفته است."

كلمات و مفاهيمي كه ما استفاده مي كنيم تلاشي براي قابل فهم كردن جهان اطراف است و دراين جريان، اين واقعيت است كه گم ميشود.

به بياني ديگر همه انسانها از دنياي اطرافشان نقشه برداري ميكنند. احساس ما درباره ديگران، تفكر ما درباره جهان اطراف و بازار همه وهمه فرايند نقشه برداري و شناخت محيط اطرف هستند. فرضا زمانيكه مي گوييم بازار امروز

روند صعودي يا نزولي دارد، تصويري از بازار مي سازيم كه فهم ان براي ما راحتتر باشد.

در هوانوردي درس بسيار مهمي كه در ابتدا به خلبان اموخته مي شود اينست كه قبل از نگاه به نقشه، منطقه پرواز را با چشم شناسايي كند. اين مساله هنگاميكه خلبان موقعيت خود را گم ميكند بسيار حياتي است چون در اينچنين حالتي از روي نقشه نمي توان موقعيت را پيدا كرد بلكه خلبان بايد با علائمي كه قبلا در منطقه بخاطر سپرده است موقعيتش را پيدا كند. اين قضيه در پرواز به قيمت جان و در ترید به قيمت اينده و اعتبار فرد تمام ميشود. اين اصل را به خاطر بسپاريم :

"هرگز قبل از شناخت منطقه (بازار) به نقشه نگاه نكنيد."

نتايج تاسف باري درباره ترید براساس نقشه وجود دارد.

Market Profile روشي بود كه دردهه ۸۰ به شدت مورد توجه قرار گرفته بود. تريدرهاي زيادي فكر ميكردند كه يك سيستم جادويي ابداع شده و ميتواند رفتار بازار را به راحتي پيش بيني كند.

پولهاي هنگفتي در را ه استفاده از اين نقشه برباد رفت. مشكل اينجا بود كه اين سيستم براساس امار پارامتريك (خطي) و مفاهيم منحني توزيع نرمال بنا شده بود. و اين در حالي است كه مفاهيم توزيع نرمال و انحراف استاندارد نميتوانند رفتار

اشوب گونه بازار را به درستي تحليل كنند و در نهايت ما با اين نقشه در بازار گم ميشويم و سرانجامي تلخ خواهيم داشت.

در جهان خطي علت و معلول كاملا قابل پيش بيني هستند، اگر نيرو و جهت علت معلوم باشد اثر و معلول ان به راحتي پيش بيني مي شود. اما در جهان غيرخطي اين رابطه وجود ندارد و همين مساله هست كه سيستمهاي فاندامنتالي، اقتصادي، مكانيكي، تكنيكالي هيچكدام بطور پيوسته سود اور نيستند.

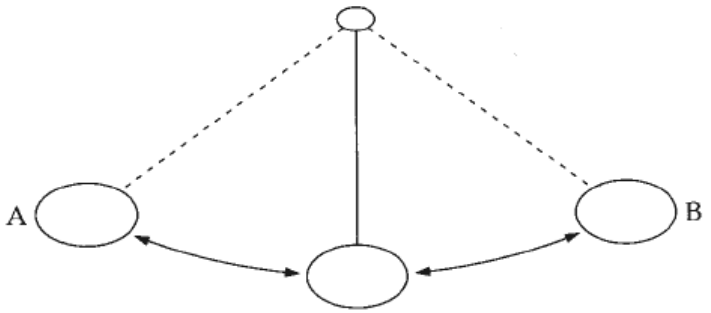
از انجا كه علت و معلول در سيستم غير خطی رابطه مستقيمی ندارند، تنها كار لازم در يك سيستم غير خطي تكرار و بازخور و اصلاح است.

ساختار خطي كه بسياري از انسانها از ان تبعيت ميكنند و ما انرا ساختار نوع اول مي ناميم دليل بسياري از ناموفقيتها مي باشد. براي توضيح مثالي مي زنيم :

سارا يك تريدر تازه كار است امروز پوزيشني را باز ميكند و استاپ كمي براي ان در نظر ميگيرد بازار در خلاف جهت حركت ميكند، پوزيشن استاپ مي شود و بازار برمي گردد و در جهت دلخواه پيش ميرود. در اين موقعيت سارا تصميم ميگيرد از اين به بعد استاپ را بيشتر در نظر بگيرد در پوزيشن بعدي بازار در خلاف جهت حركت ميكند و بازهم پوزيشن استاپ مي شود و بازار در خلاف جهت به حركت ادامه ميدهد. سارا از تغيير استاپ پشيمان مي شود و در

پوزيشن بعدي استاپ را كم ميكند و اين روند همچنان ادامه دارد.

اين رفتار را رفتار پاندولي يا ساختار نوع اول مي نامند. فرد بعد از يك شكست تغييري كلي در سيستم ايجاد ميكند و بعد از شكست دوباره به موقعيت اول باز ميگردد و براي هميشه بين اين دو موقعيت مي ماند.



انسانهاي ناموفق هميشه بين غم و شادي در نوسان هستند و هر اتفاقي مي تواند انها را تحريك كند.

براي شناخت دقيقتر اين اتفاقات به ساختار مغز انسان براساس تقسيم بندي سه گانه (سمت چت، مغز مياني، و سمت راست) مي پردازيم.

نيمكره چپ

شما براي خواندن اين كتاب و هر كتابي از نيمكره سمت چپ مغز خود استفاده مي كنيد.اين بخش از مغز تنها بخشي است كه ساعاتي از شبانه روز را در خواب به سر مي برد. نيكره سمت چپ كندترين بخش مغز است طراحي اين بخش براساس پردازش سري مي باشد و تقريبا در هر ثانيه كمتراز ۱۶ بيت اطلاعات را پردازش ميكند. اين محدوديت از محدوديت سرعت انتقال سيگنالهاي عصبي در سيستم اعصاب، نشات ميگيرد.

زمانيكه شما صحنه اي را ميبينيد نور محيط وارد چشم وشبكيه مي شود، در انجا تبديل به سيگنال عصبي ميشود وبه وسيله اعصاب بينايي به قسمت پشتي سر منتقل مي شود، اطلاعات مرتب مي شوند و به قسمت مياني مغز فرستاده مي شوند و در اينجاست كه اطلاعات تفسير مي شوند و ما متوجه صحنه مي شويم اين فرايند تقريبا ۱/۱۶ ثانيه به طول مي انجامد .

در واقع ما هيچگاه زمان حال را نميبينيم و هر انچه ميبينيم ۱/۱۶ ثانيه قبل اتفاق افتاده است. اين وقفه ما را قادر مي سازد كه فيلم يا كارتون را به صورت حركات پيوسته ايي ببينيم. چيزي كه در صفحه نمايش وجود دارد عكس هاي ثابتي هستند كه با سرعت ۳۰ فريم در ثانيه نشان داده مي شوند، ذهن ما قادر به پردازش جداگانه اين عكسها نيست و

در نتيجه انها به صورت يك تصوير متحرك ديده مي شوند. در واقع حركت در مغز ما ساخته مي شود نه در صفحه تلويزيون.

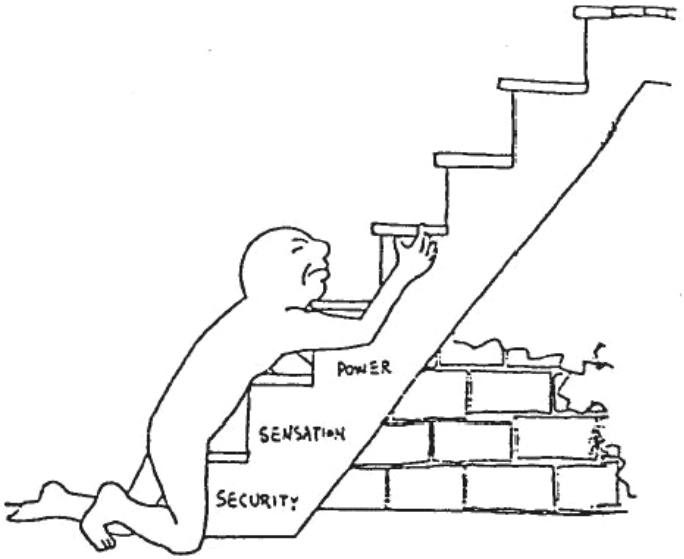
هدف بيولوژيكي نيمكره سمت چپ مغز تحليل، طراحي كردن نقشه و تصميم گيري درباره اينكه مثلا چه موقع وارد بازار شويم، مديريت پول و زمان چگونه باشد و مسائلي از اين دست.

اين قسمت عملكرد طراحي دارد نه عملكرد اجراي تصميم، اينكه چه تصميم مي گيريم در اين بخش انجام ميشود اما اينكه چگونه انرا اجرا كنيم كار نيمكره چپ نيست.

اگر شما تنها اين بخش از مغز ار داشتيد هرگز نمي توانستيد سوار يك دوچرخه شويد يا از اتاقي كه در ان نشسته ايد خارج شويد. نيمكره چپ مغز توانايي محدودي دارد مثلا زمانيكه شما با تلفن صحبت ميكنيد و شخص ديگري هم در اتاق شروع به صحبت با شما ميكند تمركز خود درا از دست ميدهيد و نميتوانيد هر دو مكالمه را پردازش كنيد.

از نقطه نظری بالاتر نيمكره سمت چپ اين مساله را به انسان القا ميكند كه زندگي پلكاني نامتناهي است و هيچ راهي جز بالارفتن از ان ندارد پلكاني كه پله هايش را امنيت، قدرت، ثروت و... تشكيل ميدهند. براي انسانهايي كه در اين قسمت

از مغزشان زندگي ميكنند، دنيا دنياي "Dog Eat Dog" است.



ويژگيهاي تريدرهايي كه با نيمكره چپ مغزشان ترید مي كنند.

پنج رفتار و ويژگي مهم هست كه هرگاه انها را در طول ترید مشاهده كنيم بايد بدانيم كه نيمكره چپ در ان لحظه در حال فعاليت است:

۱- زبان: بخشي از مغز كه گفتار و مفاهيم را كنترل ميكند در نيمكره چپ قرار گرفته است و ما در ذهن خود با مفاهيم درگير هستيم نه با واقعيت. تمامي احساسات از مغز مياني نشات ميگيرند و اين قسمت است كه رفتار را كنترل ميكند.

شايد تا به حال كتابهاي زيادي در مورد فكر مثبت يا تلقين يا رازهاي موفقيت خوانده باشيد اما هيچكدام برايتان مفيد نبوده باشند، دليل اين مساله در پاراگراف بالا نهفته است.

اينكه هر روز به خودتان بگوييد:" من يك تريدر فوق العاده هستم " نه تنها تاثير مثبت ندارد بلكه در برخي موارد تاثير معكوس هم دارد، مغز مياني كه مسئول رفتار انسان است كلمات را نميفهمد.

حالت نشستن شما در حال خواندن اين كتاب، حالت دستهای شما، حالت پاهايتان، ضربان قلب و درجه حرارت بدن و موارد مشابه تماما به وسيله مغز مياني كنترل مي شوند و اين در حاليست كه شما براي اين موارد هيچ زحمتي به خودتان نميدهيد.

روياهاي ما در مغز مياني شكل ميگيرند و به همين خاطر است كه شما در خواب واضح حرف نميزنيد يا هيچگاه در خواب كتاب نميخوانيد مگر در مواردي كه به انها Lucid Dream گفته مي شود و حالتيست كه فرد بين خواب و بيداري قرار گرفته است.

حال اگر بتوانيد تفكر مثبت خود را به جاي كلمات به صورت تصوير و روياهاي رنگارنگ دراوريد مسلما از تاثير ان شگفت زده خواهيد شد.

۲- زمان: مساله زمان تنها در نيمكره سمت چپ اتفاق مي افتد و احساسی كه شما از گذشته يا اينده داريد تنها برگرفته از اين بخش است. مغز مياني و نيمكره راست فقط حال حاضر را ميفهمند. احساس "عجله" يا "عقب ماندن" تنها ريشه در نيمكره چپ دارد و قسمتهاي ديگر مغز هيچگاه عجله اي در كارشان ندارند.

۳- قضاوت: احساس درستي يا نادرستي و مقايسه بهتر يا بدتر بودن تنها در نيمكره چپ حضور دارد. مغز مياني يا نيمكره سمت چپ هيچگاه احساسي در مورد يك تريد خوب يا بد ندارند.

۴- جدي بودن: نيمكره سمت چپ تنها مي تواند علت و معلول ها را بشناسد اما كنايه يا شوخي يا مفاهيم غير مستقيم را درك نميكند فرضا مفهوم يك موسيقي يا يك نقاشي در مغز مياني و نيمكره چپ تفسير مي شوند.

۵- تلاش و مجادله: تنها بخش چپ مغز است كه توانايي مجادله را دارد، هرگاه با ديگران حرف ميزنيد يا به هنگام فكر كردن با خودتان حرف مي زنيد، نگران محدوديت زماني هستيد، سعي ميكنيد يك تريد "خوب" انجام دهيد و كاملا جدي هستيد، بدانيد كه در تله نيمكره چپ گرفتار شده ايد به بيان دقيق تر به نيمكره سمت چپ مغزتان "معتاد" شده ايد. در بخشهاي بعد خواهيم ديد كه اين مساله فرد را به بدترين تريدرها تبديل ميكند.

فلسفه نيمكره سمت چپ اينست كه شما بايد پيشرفت كنيد و هيچ راه ميانبري هم وجود ندارد بلكه بايد چكمه هايتان را به پا كنيد و از اين پلكان بي پايان بالا برويد.

اين بخش از مغز به طور مداوم شما را با تريدرهاي ديگر مقايسه ميكند:"ايا سيستم انها از من بهتر است؟ ايا من هم بايد روي همان ارزي كه انها معامله كرده اند معامله كنم؟" و هنگاميكه از موفقيت تريدرهاي ديگر باخبر مي شويم قضيه را اينگونه توجيه ميكنيم:" او لاف ميزند."

حال چگونه از نيمكره چپ به بهترين نحو استفاده كنيم؟

دو عملكرد مهم نيمكره سمت چپ

۱- به صورت عادت دراوردن يك رفتار

طراحي بيولوژيكي نيمكره چپ مغز ان را براي اين عملكرد مهم اماده ساخته است اين بخش از مغر ابزار يادگيري هر چيزيست كه فكرش را ميكنيد.

زماني را به ياد بياوريد كه براي اولين بار مي خواستيد سوار دوچرخه شويد. بايد سوار وسيله بي تعادلي مي شديد ركاب ميزديد، انرا هدايت ميكرديد و مراقب اطراف خود نيز بوديد.

در ابتدا همه فكر ميكنند كه هيچگاه نخواهند توانست سوار اين وسيله شوند.

نيمكره سمت چپ در ابتدا بايد تمام اطلاعات را پردازش كند و به تدريج و با تكرار شما تجربه و اعتماد به نفس كافي را پيدا مي كنيد و مغز مياني جزئيات حركتي را (كه اكنون به صورت عادت درامده اند) كنترل ميكند و در نهايت شما اصلا به چگونگي كار توجه نميكنيد بلكه تنها سوار دوچرخه مي شويد و به هر كجا كه مي خواهيد مي رويد.

به صورت عادت دراوردن به اين معني است كه جزئيات كار را به مغز مياني منتقل كنيد. نيمكره سمت چپ نميتواند ميليونها جزئيات مختلف را كنترل كند. دستتان را بالا بياوريد، ميدانيد در همين حركت ساده چند ماهيچه فعاليت كرده اند؟ يا چند هزار پالس عصبي فرستاده و دريافت شده اند؟

از اتاقي كه نشسته ايد بلند شويد و به سمت اشپزخانه برويد، اگر اين فرايند را تنها نيمكره چپ انجام ميداد مطمئن باشيد قبل از اينكه به انجا برسيد مرده بوديد.

يكي از اهداف مهم ما در ترید به صورت عادت دراوردن رفتارهاي صحيح و سيستمي است كه براساس ان ترید ميكنيم. ترید تنها بر اساس نيمكره سمت چپ يك خودكشي مالي به حساب مياید. زمانيكه ما سيستم خود را به صورت عادت در اوريم به يك بينش يا حس از بازار مي رسيم (احساس ما

ريشه در مغز مياني دارد) چيزي كه ورزشكاران با ان Zone مي گويند.

۲- حل مساله: از جمله عملكردهاي مهم نيمكره سمت چپ حل مساله است. مسائلي كه در زندگي روزمره وجود دارند و مسائلي كه فرد در طولاني مدت با انها درگير است.

حل مساله براي يك تريدر از اهميت حياتي برخوردارد است. اجازه بدهيد مثالي را ذكر كنيم كه احتمالا براي شما هم اتفاق افتاده است: فرض كنيد اصلي ترين دليل براي اينكه شما مايل هستيد در بازار موفق باشيد، كمبود درامد باشد، حال اگر خوش شانس بوديد و اوضاع بر وفق مراد پيش رفت و به درامد خوبي دست پيدا كرديد، مشكل شما حل شده است. فكر مي كنيد در نيمكره سمت چپ مغزتان چه اتفاقي مي افتد، مساله اي برا ي حل كردن نمي ماند و نيمكره چپ حس ميكند كه كارايي خود را از دست داده است و لزومي به وجودش نيست. اما نيمكره چپ مغز يك بروكرات تمام عيار است و به هيچ وجه اين وضع را تحمل نخواهد كرد. تنها كاري كه مي تواند انجام دهد ايجاد مشكلات تازه است، اما چگونه؟ با به وجود اوردن تصميم هاي ناجوري كه منجر به تريدهاي زيان بار مي شود.

اين فرايند در روانشناسي Self Destruction ناميده مي شود و هنگامي رخ مي دهد كه فرد خود را موفق مي بيند و

اين هنگامي است كه به شدت مستعد شكست است. در فوتبال بارها اين مساله مشاهده شده است كه وقتي يك تيم جلو مي افتد دچار خطاهاي بسيار ساده و اماتوري ميشود.

روندي كه بسياري از تريدرها با ان روبرو مي شوند:شروع خوب، چند ترید مثبت و در نهايت از دست دادن هر انچه دارند. واكنش طبيعي فرد سرزنش وضعيت بازار است اما سرزنش واقعي متوجه خود فرد است.

يكي از سودمندترين راهبردهاي مقابله با اين مساله درك اين موضوع است كه تريدهاي سوداور مكرر، تنها بخشي از يك فرايند اماري است نه چيزي بيشتر و دراين فرايند تنها اين مساله را مد نظر داشته باشيم كه در هر "لحظه" بهترين عملكرد خود را داشته باشيم، همين لحظات هستند كه كل يك فرايند را تشكيل مي دهند.

مغز مياني

از نظر فيزيكي اين بخش شامل شبكه پيچيده عصبي، تالاموس، هيپوتالاموس و بخش اسپينال مغز مي باشد.

تحقيقات و بررسي ها نشان ميدهند كه براساس استانداردهاي تعريف شده مغز مياني توانايي پردازش حدود ۳۰۰۰۰۰ الي ۵۰۰۰۰۰ بيت در ثانيه را دارا ميباشد كه قابل مقايسه با نيمكره چپ (كه تنها ۱۶ بيت را پردازش مي كند) نيست.

اگر همين الان چشمهاي خود را ببنديد و سعي كنيد تمام اشيا محيط خود را ليست كنيد، حدود ۳۰ الي ۷۵ شيء را به ياد مي اوريد حال اگر در حالت هيپنوتيزم باشيد(هيپنوتيزم دسترسي به مغز مياني را فراهم مي اورد) صدها و شايد بيش از هزار شئي را نام خواهيد برد.

در حالت طبيعي شما از بخشي از اطلاعاتي كه شبكيه به اعصاب بينايي مي فرستد اگاهي داريد. يك لحظه فكر كنيد، صداي پرنده ها را مي شنويد؟ صداي دستگاه تهويه را حس ميكنيد؟ صداي تيك تيك ساعت را چطور؟ صداي عبور ماشينها را مي شنويد؟ قبل از اينكه به اين صداهاي نامحسوس دقت كنيد انها كجا بوده اند؟

به اين دليل كه نيمكره چپ توانايي پردازش محدودي دارد، بيشتر اطلاعات بايد به وسيله مغز مياني فيلتر شوند و سپس تحويل نيمكره چپ شوند و به همين دليل است كه تشخيص خطاهاي ترید پس از انكه اتفاق افتادند، بسيار ساده تر است.

اين بخش از مغز به اين دليل به اين قدرت پردازش نياز دارد كه تمام اعمال حياتي ما در مغز مياني صورت ميگيرند: درجه حرارت بدن، ميزان دي اكسيد كربن خون و ميزان اسيد كلريدريك معده را مشخص ميكند مغز مياني به ما ميگويد كه چه زماني گرسنه يا تشنه هستيم.

اگر بتوانيد اين قدرت نهفته را به گونه اي براي ترید یا هر كار ديگري مهار كنيد به موفقيت هاي شگفت انگيزي دست پيدا خواهيد كرد. فرق يك تريدر معمولي با يك تريدر برجسته در همين موضوع نهفته است.

در اينجا ياداوري ميكنيم كه يكي از توانايي هاي مهم نيمكره چپ به صورت عادت دراوردن رفتار و در واقع اموزش مغز مياني در جهت محول كردن كارهايي است كه نيمكره چپ توانايي و وقت انجام انها را ندارد.

مغز مياني به صورت ناخوداگاه رفتار شما را كنترل ميكند، حسهاي پنجگانه قبل از اينكه به صورت خوداگاه درك شوند، از مغز مياني عبور ميكنند.

در كارگاه هاي عبور از روي آتش، فرد ساعتها از نظر فكري و بدني امادگي پيدا ميكند، در اين فرايند نيمكره چپ به مغز مياني مي اموزد كه بر ترس از اتش فائق بيايد. مغز مياني كلام را درك نميكند و به همين خاطر در اين روند بيشتر از تصوير سازي استفاده مي شود.

در نهايت كساني درعبور از روي اتش ناموفق هستند كه نتوانسته اند اين تصاوير را به درستي به مغز مياني منتقل كنند.

بسياري از افراد به صورت ناخوداگاه رانندگي ميكنند و اگر كسي توانسته باشد مغز مياني خود را براي رانندگي به

صورتي كامل اموزش دهد مي تواند درحين رانندگي بخوابد (در خواب نيمكره چپ غيرفعال مي شود) اما به اين دليل كه افراد نادري از اين توانايي برخوردارند مغز مياني تا حدي به همراهي نيمكره چپ نيازمند است.

به هر حال مهارتهاي ما توسط نيمكره چپ به مغز مياني اموزش داده شده اند و اگر در عادتها و رفتار خود چيز اشتباهي مشاهده ميكنيد مي توانيد مغز مياني را دوباره اموزش دهيد.

وقتي فعاليت شما براساس مغز مياني باشد زندگي همچون حركت با اسكيت لذت بخش خواهد بود و اين تفاوت را به راحتي ميتوان با زماني كه فعاليت براساس نيمكره چپ مقايسه كرد كه زندگي را به يك پلكان نامتناهي تشبيه ميكند



زماني كه سوار بر اسكيت هستيد برايتان زياد مهم نيست كه در چه مرحله اي هستيد و اين را ميدانيد كه اگر در قله باشيد سراشيبي در پيش خواهد بود و برايتان ناراحت كننده نيست چون ميدانيد كه به زودي دوباره در قله خواهيد بود. زمان از ديدگاه مغز مياني خطي نيست بلكه به يك منحني يا دايره شبيه است. در واقع براي مغز مياني گذشت زمان مهم نيست.

مغز مياني به وجود اورنده كليه احساسات بشري است. از نظر فيزيولوژيكي مغز مياني تصميم ميگيرد (به وسيله هورمونها يا سيگنالهاي عصبي براي ترشح) كه با مايع بدن شما (شامل خون ،لنف ديگر مايعات) چه كار كند.

از انجاييكه درصد بالايي از بدن را مايعات تشكيل ميدهند، بدن انسان ابزار بسيار انعطاف پذيري مي باشد.

زمانيكه ترس بر شما حاكم ميشود مغز مياني مايع بدن را مستقيما به ناحيه شكمي مي فرستد، دليل خوبي براي اين مساله وجود دارد و ان هم به وجود اوردن حالت دفاعي است. در حالت عصبانيت يا حمله جريان مايعات بدن به سمت عضلات شدت ميگيرد تا شما را قادر به واكنش باشيد در حالت عصبانيت شما نميتوانيد بيحركت باشيد به اين دليل كه مايعات و هورمونهاي ترشح شده شما را به حركت وا ميدارند كه گاهي اوقات اين واكنش ها بسيار شديد است.

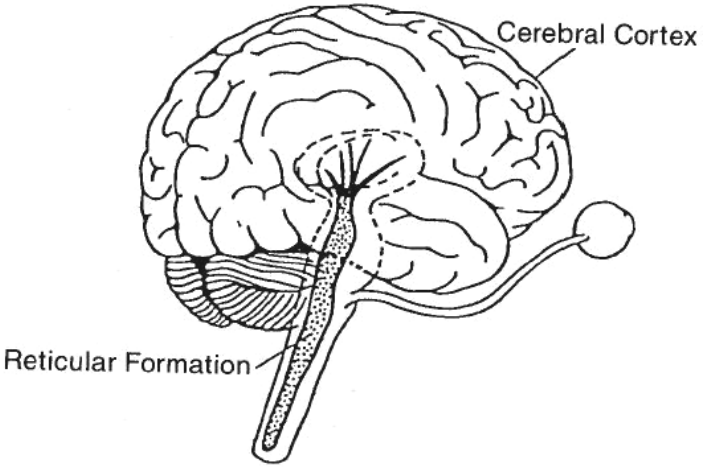
هنگاميكه شما بسيار خوشحال هستيد، احساسي رومانتيك داريد و حس خوبي نسبت به زندگي داريد، مايعات به سمت

پوست ميايند و همين مساله است كه يك زوج جوان كه به تازگي عاشق شده اند، شفاف و نوراني به نظر ميرسند. بسياري از مادراني كه باردار هستند نوراني به نظر ميرسند به اين دليل كه خوشحالند و جريان مايعات در زير پوستشان شدت پيدا كرده است. به ياد داشته باشيد : هر احساسي كه داريد از تغيير در مايعات بدن نشات ميگيرد.

حالا اين مسائل چه رابطه اي با ترید دارد؟

اگر ما بتوانيم با مغز مياني ارتباط برقرار كنيم مي توانيم جريان مايعات بدن و احساسات و در نهايت عملكردمان در ترید را كنترل كنيم.

حال به سئوالي ميرسيم كه شايد براي شما پيش امده باشد. حجم عظيم اطلاعاتي كه به مغز مياني ميرسند چگونه فيلتر مي شوند؟ از نظر فيزيولوژيكي اين اطلاعات به وسيله Reticular Activating System (RAS) مديريت ميشوند.



RAS در يكي از امن ترين نقاط بدن يعني بين دو گوش قرار گرفته است و تقريبا به اندازه انگشت كوچك دست ميباشد. تقريبا ۷۰ درصد سلولهاي مغز با اين قسمت در ارتباط هستند، اگر شما به هر نحوي به اين بخش صدمه وارد كنيد به حالت كما خواهيد رفت و تا زمانيكه RAS فعاليتش را از سر نگيرد، در حالت كما خواهيد ماند.

شب هنگام كه به خواب فرو ميرويد، RAS سيگنالي را به هيپوتالاموس ميفرستد كه هورموني به نام سروتونين (Serotonin) ترشح كند تا نيمكره چپ به طور موقت به خواب فرو برود. از جمله وظايف اصلي RAS تصميم گيري درباره اطلاعاتي است كه به نيمكره چپ منتقل مي شوند.

معيار تصميم گيري RAS در گزينش اطلاعات توسط بازخورهايي مشخص مي شود كه نيمكره چپ به RAS ارايه مي‌دهد، اين موضوع نوعي پارادكس به نظر ميرسد اما در واقع معيارهاي تصميم گيري در طول فرايند "به صورت عادت دراوردن يك رفتار" منتقل ميشوند و RAS مي‌اموزد كه نيمكره چپ به چه نوع اطلاعاتي علاقه دارد و همين مساله برداشت هاي مختلف را به وجود مي اورد، اشعار حافظ براي ما مثال خوبي هستند كه هر كسي به تناسب وضع رواني يك بيت را براي خود تفسير ميكند. در اينجا يك مثال رفتاري مياوريم:

زمانيكه در خيابان قدم ميزنيد صداي پاي صدها عابر را مي شنويد اما توجهي به انها نداريد، هنگاميكه در خانه صداي پاي يكي از افراد خانواده را مي شنويد كه به سوي اتاق شما ميايد مي توانيد از صداي پايش تشخيص دهيد چه كسي مي تواند باشد حال اگر در نيمه شب صداي پاي نااشنايي را بشنويد بدن و مغز شما به حالت اماده باش در ميايند.

واكنشهاي متفاوت در اثر فيلترينگ متفاوت اطلاعات روي ميدهند. در طول ترید برداشت شمااز بازار، اينكه چه موقع و به كدام سو حركت ميكند همان چيزي است كه در طول زمان به RAS اموخته اید. يكي از مسائل حياتي براي يك تريدر "مشاهده محض" است.

"مشاهده محض" مشاهده ايست كه احساسات را در ان دخالت ندهيم و در واقع اتفاقات را انچنان كه هست ببينيم نه انچنان كه ميخواهيم.

قطعه اي از البوم "Ray of The Light" بيانگر اين موضوع هست:

You only see what your eyes want to see

How can life be what you want it to be

You're frozen when your heart's not open

You're so concerned with how much you get

You waste your time with hate and regret

You're broken when your heart's not open

در اينجا تستي را براي انجام ميدهيم مي خواهيم كاري را مورد مشاهده قرار دهيم كه هركسي در روز بارها انجام ميدهد اما قبل از انجام اين مشاهده ياداوري ميكنيم كه تست مشكلي در پيش رو داريد.

از شما خواسته مي شود كه به روند تنفس خود توجه كنيد و مشاهده كنيد كه چگونه نفس ميكشيد.

بسياري از افراد در اين تست يكي ازاين دو واكنش را نشان ميدهند: كمي عميقتر نفس ميكشند يا نفس خود را حبس ميكنند. اگر شما هم تغييري در تنفس خود اعمال كرده ايد بايد بدانيد كه "مشاهده محض" را به انجام نرسانده ايد. در اين تست حس "قضاوت" كه از وظايف اصلي نيمكره چپ است به ميان مياييد و از خود ميپرسد : چه چيزي از من انتظار ميرود؟ ايا بايد عميقتر نفس بكشم؟

اجازه بدهيد ازمايش ديگري را انجام دهيم. اين دفعه كاري از شما خواسته مي شود كه شايد همين امروز دهها بار انجام داده ايد، عملي حياتي كه براي بقا، عملي كه حتي قبل از تولد هم انجام داده ايد.

ازمايش ما اينست كه ۵بار سريع و پشت سر هم عمل بلعيدن را انجام دهيد (بدون خوردن يا اشاميدن چيزي).

لطفا قبل از انجام دادن اين ازمايش بقيه متن را مطالعه نكنيد. اين مساله بسيار حائز اهيمت است.

چه تغييري در توانايي شما براي بلعيدن اتفاق افتاد؟ هر دفعه زمان بيشتري طول ميكشد تا عمل بلع را انجام دهيد اما چرا؟ به اين دليل كه شما تلا ش ميكنيد عملي را انجام كه مدتها پيش به مغز مياني اموزش داده شده است و زماني كه سعي در مشاهده يا تمركز بر ان را داريد در واقع نيكره چپ در كار مغز مياني اختلال ايجاد ميكند.

اين همان مشكلي است كه در طول ترید اتفاق ميافتد. ترید عملي است كه بايد به وسيله مغز مياني و نيمكره راست انجام شود و زمانيكه نيمكره چپ در اينكار به صورتي خوداگاه دخالت ميكند، ترید مشكل و زيان ده ميشود.

تحليل بازار و ايجاد طرح براي ترید وظيفه نيمكره چپ است اما عمل ترید به مغز مياني و نيمكره راست مربوط ميشود.

ويژگي بي نظير مغزمياني قدرت پردازش بالا ميباشد و اگر شما از اين بخش از مغز به درستي استفاده كنيد هيچگاه احساس عجله، قضاوت يا تنش و مجادله در كارهايتان نخواهيد داشت.

نيمكره سمت راست

اكنون ميدانيم كه مغز مياني هزارن برابر قدرتمندتر از نيمكره چپ عمل ميكند. اما هنوز كسي دقيقا نميداند كه ميزان توانايي نهفته در نيمكره راست چقدر است.

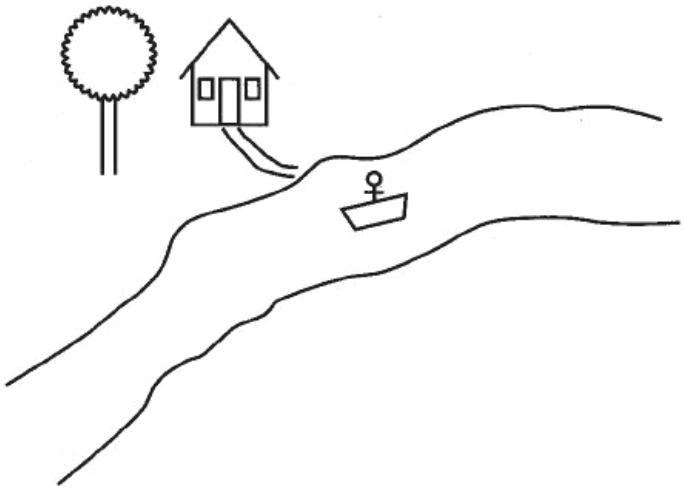
از نظر عملكردي سه فرايندي كه در نيمكره راست مغز انجام ميگيرد به اين شرح است:

- الهام

- بينش

- خلاقيت

وقتي نيمكره راست اختيار امور را در دست داشته باشد همه چيز اسان به نظر ميرسد. به جاي تنش و مجادله اي كه از نيمكره چپ نتيجه مي شود يا بالا و پايين كه از مغز مياني نتيجه ميشود، نظر گاه نيمكره راست به دنيا همچون رودخانه ايست كه قايقي در ان شناور است و ان را به پيش ميبرد، دنيا (بازار) يك مكانيسم حمايتي است، به نظر ميرسد شما هيچگاه اشتباه نميكنيد و هميشه خوش شانس هستيد و همه چيز دست به دست هم داده اند تا شما را خوشحال كنند. اين دقيقا نقطه مقابل تفكر نيمكره چپ يعني "Dog Eat Dog World" است.



اگر با سخت افزار كامپيوتر تا حدي اشنايي داشته باشيد ما ميتوانيم تقسيم بندي مغز را اينگونه شبيه سازي كنيم كه نيمكره چپ، واسط نرم افزاري، مغز مياني پردازشگر مركزي (CPU) و نيمكره راست رابطی است كه CPU را به تمامي CPUهاي موجود در جهان متصل ميكند.

نيمكره سمت راست جزء ناشناخته ترين بخشهاي سيستم عصبي به شمارمياید. ما نمي توانيم حتي تصوري از قدرت نهفته در اين قسمت داشته باشيم، شايد بتوان گفت كه نيرويي نامتناهي در اين بخش نهفته است.

نكته برجسته نيمكره راست مغز قدرت ان نيست بلكه گنجايش نامحدود ان است شايد اين مفهوم در جمله اي كه ۳۰۰ سال پيش گاليله گفته، نهفته باشد:" شما نميتوانيد به كسي چيزي را بياموزيد، تنها كاري كه ميتوانيد بكنيد اين است كه افراد را از انچه درون انهاست، اگاه كنيد".

در مكاتب هندو و به ويژه مكتب يوگا، هفت مرحله در سر راه يك سالك قرار دارد و مرحله نهايي رسيدن به دانش نامتناهي مي باشد. در واقع يوگي (سالك مكتب يوگا) در مراحل مختلف از غرايز خود عبور ميكند و به مغز مياني و نيمكره سمت راست خود دسترسي پيدا ميكند و فردي كه به اين مراحل ميرسد مي تواند بر زمان و مكان خود نيز كنترل پيدا كند.

سعي نهايي ما در ترید، دسترسي به تمام منابع مغز و ايجاد هماهنگي بين انهاست اما چگونه؟ جزئيات اين مطلب نيازمند مطالعات و خواست واقعي شماست اما خطوط كلي كه فرد بر اساس انها بايد حركت كند اين است كه از بند محدوديت هايي كه نيمكره چپ به شما تحميل ميكند رها شويد، فراي كلام باشيد، **زمان را فراموش كنيد** ،قضاوت را كنار بگذاريد و از جهاني بر اساس فيزيك كلاسيك و قوانين ارسطويي رها شويد.

"در لحظه زندگي كنيد" شايد بارها اين جمله را شنيده باشيد، اوشو(عارف و دانشمند هندي) بارها به اين جمله اشاره ميكند. بسط اين جمله كه معادل جمله ايست كه ما چند سطر قبل به كار برديم (زمان را فراموش كنيد) كار ساده اي نيست اما هميشه انرا به ياد داشته باشيد و سعي كنيد تصويري از ان در ذهنتان بسازيد و همه جا انرا به خاطر داشته باشيد.

بزرگترين دشمن ما در طول ترید استفاده ناصحيح از مغزمان ميباشد. وظيفه اصلي نيكره چپ تحليل بازار و طرح و نقشه است و اگر اين بخش از مغز بخواهد در انجام يك طرح شركت كند ان طرح به شكست خواهد انجاميد.

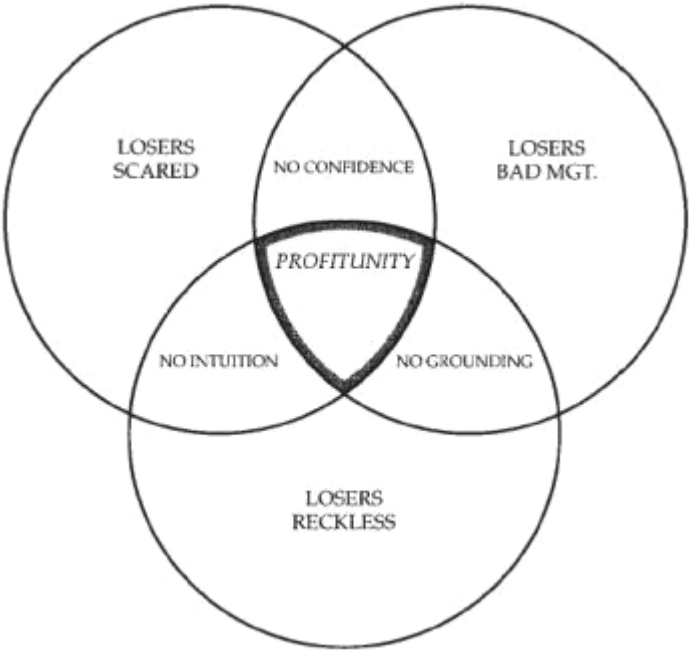
موزارت يكي از بزرگترين موسيقي دانان تاريخ گفته است كه جزئيات يك قطعه موسيقي، لحظه به لحظه به او الهام ميشد.

در زبان پارسي دو نوع شعر وجود دارد شعر كوششي و شعر جوششي، در شعر جوششي شاعر هيچگونه تلاشي براي ساختن شعر انجام نميدهد بلكه هر انچه ميگويد در همان لحظه

به او الهام شده است براي مثال مولانا جلال الدين نمونه برجسته اي از جوشش شعر و عرفان است .

در نيمكره راست زمان و مكان كاملا انعطاف پذير هستند. شايد جالب باشد كه بدانيد فيزيك مدرن با به كار گيري نبوغ بشري و سرمايه گذاريهاي ميليارد دلاري در حال رسيدن به همان نتايجي است كه پيروان ذن با استفاده از ذهن و نيروي دروني خود ،هزاران سال است به انها دست يافته اند.

موفقيت در نهايت، از هماهنگي بين قسمتهاي مختلف مغز به دست مي آيد هر بخش از مغز نقش و وظيفه مشخصي در يك ترييد موفق ايفا ميكند و اگر در كار بخش ديگري دخالت داده شود موجب اختلال كار و شكست مي شود شكل زير نشان دهنده اين موضوع مي باشد


LOSERS
SCARED
NO CONFIDENCE
LOSERS
BAD MGT.
PROFITUNITY
NO INTUITION
NO GROUNDING
LOSERS
RECKLESS

ParsBook.Org

پارس بوک، بزرگترین کتابخانه الکترونیکی فارسی زبان

